



Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه، متناسب با نیازهای شخصی و تجاری، با نازلترین قیمت و از معتبرترین شرکت های بیمه

♦ سلامتی و دندانپزشکی ♦ مسکن
♦ اتومبیل، قایق و موتورسیکلت ♦ زمین
لرزه و سیل ♦ محل کسب ♦ عمر و هزینه فوت

(408)931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلامتی

*Discover a Whole New Dining
Experience in a Chic & Gracious Atmosphere at*



Los Gatos

"Peruvian and Japanese Cuisine"

Full Menu Available at Katsulosgatos.com

Dinner Service:

Sunday: 11:00am-8:00pm (Brunch from 11:00am-3:00pm)

Monday-Thursday: 5:00pm-10:00pm

Friday-Saturday: 5:00pm-11:00pm

Happy Hour:

Monday-Friday: 5:00pm-7:00pm

Sunday: 12:00pm-4:00pm

Restaurant is available for Private Events

(408) 354-0712

160 W Main St, Los Gatos, CA 95030

THE LAW OFFICES OF
CAROLINE J. NASSERI

(800)525-6060

وکیل تصادفات و صدمات بدنی
Accident & Personal Injury Attorney



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel:(408)298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax:(408)278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112

«دفاع از اسد از اعتبار ایران در جهان عرب کاسته است»

مسین علایی، یکی از فرماندهان سابق سپاه پاسداران، می‌گوید که دفاع حکومت ایران از رژیم بشار اسد مومین کاهش اعتبار ایران در جهان عرب شده است. او همچنین می‌گوید که مذاکرات زمان بقای بشار اسد تا انتخابات ۲۰۱۴ است.

به نوشته روزنامه «شرق»، حسین علایی، فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه پاسداران، در یک سخنرانی درباره تحولات سوریه گفت، در سوریه پس از آنکه درگیری‌ها توسعه پیدا کرد، «ایران به عنوان دولتی که طرفدار وضع موجود است ظاهر شد».



به نظر حسین علایی، دفاع ایران از حکومت بشار اسد باعث شد که «یک جو ضد ایرانی» در جهان عرب ایجاد شود. به گفته او، این سؤال همواره در برابر مقام‌های ایران مطرح می‌شود: «شما که معتقد به مردم‌سالاری هستید چرا از حکومت استبدادی سوریه حمایت می‌کنید؟»

فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه افزود: «بسیاری از کسانی که در سه سال اخیر در تحولات کشورهای عربی نقش داشتند همیشه این سؤال را می‌کردند و این باعث شد نفوذ ایران در افکار جهان عرب تا حد زیادی کاهش پیدا کند».

حکومت اسد (بشار اسد و پدر او، حافظ اسد) در سوریه از متحدان نزدیک حکومت «جمهوری اسلامی» در ایران بوده‌اند. از هنگام سرایت تحولات موسوم به «بهار عربی» به سوریه، حاکمیت ایران و در رأس آن آیت‌الله علی خامنه‌ای بر خلاف دیگر کشورهای عربی، در کنار رژیم حاکم سوریه و شخص بشار اسد قرار گرفتند. ایران علاوه بر کمک‌های مستقیم مالی و نظامی، گروه حزب‌الله لبنان را نیز برای حمایت از رژیم اسد وارد جنگ داخلی سوریه کرده است.

فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه در ادامه سخنرانی خود به ماهیت نظام‌های حاکم در خاورمیانه پرداخت و گفت، اکثر نظام‌های

سیاسی در خاورمیانه میراث‌داران جنگ سرد هستند، چه نظام‌هایی که طرفدار آمریکایی‌ها بودند چه نظام‌هایی که وابسته به شوروی بودند. به اعتقاد آقای علایی، این نظام‌ها دارای چند ویژگی هستند: «یکی اینکه دارای حزب واحد هستند که شکل و شمایل حزبی به معنای دنیای لیبرالیستی ندارند بلکه احزاب تشکیل شده از بالا و از جانب حاکمیت هستند. در این کشورها تقریباً انتخابات معنا و مفهوم واقعی خود را ندارد. به هر موضوعی از جمله مسایل اجتماعی از دیدگاه امنیتی نگریسته می‌شود و در مورد حرکت‌های اجتماعی هیچ انعطافی وجود ندارد. یک راه حل وجود دارد و آن برخورد امنیتی و سرکوب است.»

این فرمانده سابق سپاه می‌گوید: «در سوریه هم وقتی حرکت‌های اجتماعی و اعتراضات به وجود آمد از همین روش‌ها استفاده شد.»

حسین علایی در ادامه سخنرانی خود با اشاره به چشم‌انداز زمامداری بشار اسد گفت، آمریکایی‌ها تا جایگزین مطمئن برای بشار اسد تعیین نکنند ترجیح می‌دهند بشار اسد، تضعیف شده در حکومت باقی بماند. به نظر حسین علایی، آمریکایی‌ها و روس‌ها به دنبال فرمولی برای جایگزینی بشار اسد می‌گردند و حداکثر زمان بقای وی را تا انتخابات ۲۰۱۴ ارزیابی می‌کنند. شاید

یکی از طرح‌های آمریکایی‌ها این باشد که با این فشارها بشار اسد و حامیانش را وادار کنند که دیگر او کاندیدای انتخابات آینده ریاست جمهوری نباشد.

فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه گفت: «به نظر من اوضاع در صحنه سوریه به ضرر بشار اسد در حال جلو رفتن است اما پیش‌بینی اینکه الان و در این وضعیت چه اتفاقی می‌افتد شاید مشکل باشد.»

فهرست مطالب

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	اخبار
صفحه ۱۲	اقتصاد ایران (علی دادبی)
صفحه ۱۳	اخبار
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	نگاهی به ضرب المثل‌های فارسی-داستان
صفحه ۱۶	نقد فیلم (سعید شفا)-فیلم و سینما
صفحه ۱۷	ادامه فیلم و سینما
صفحه ۱۸	سیر و سفری... (پرویز نظامی)-داستان
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشت‌های بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	اخبار
صفحه ۲۲	از در گوشی‌ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	دیدگاه‌ها (حسین جعفری)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد) - داستان
صفحه ۲۵	بررسی مختصر اشکال ثبت شرکت‌ها (کاوه میرشفیعی)
صفحه ۲۶	دانشتنتی‌های پزشکی
صفحه ۲۷	دانشتنتی‌های جالب
صفحه ۲۸	صحبتی با شهرام شب پره (دی جی علیرضا)
صفحه ۲۹	آمریکا و سوریه (حسین باقرزاده)
صفحه ۳۰	پول زنان در جیب مردان (نعیمه دوستدار)
صفحه ۳۱	جلال الدین مولوی و داستاوسکی (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	کاغذین جامه (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	داستان زندگی آقای مهندس (ابراهیم رشیدپور)
صفحه ۳۴	تقریم برنامه‌های هنری - جدول
صفحه ۳۵	تازه چه خبر-نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	اخبار-دنباله مطلب
صفحه ۳۸	اخبار
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	اخبار
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	اخبار
صفحه ۴۵	نامه‌های رسیده
صفحه ۴۶	تبلیغ
صفحه ۴۷	اخبار-دنباله مطلب
صفحه ۴۸	دنباله مطلب
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	انگلیسی
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز و مدیر مسئول: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۰۲۲۱-۸۶۲۴ (۴۰۸)

شماره فکس: ۰۲۲۱-۶۹۳۷ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

مسئولیت صحت و سقم آگهی‌ها با صاحبان آگهی می‌باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی‌پذیرد. استفاده از طراحی‌های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می‌باشد. ماهنامه پژواک در انتخاب، حک و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. نظریه‌های مقالات لزوماً عقاید مسئولین پژواک نمی‌باشد. مسئولیت نظریه‌ها به عهده نویسندگان می‌باشد.

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia can not guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.

مرگ عروس ۸ ساله در شب زفاف

دفتر هشت ساله‌ی یمنی که به عقد مردی چهل ساله در آمده بود، شب زفاف به علت فونریزی و آزار جنسی از طرف شوهرش درگذشت.

بالاترین: منابع خبری یمن هفتم سپتامبر اعلام کردند، دختر هشت ساله‌ای که



به عقد مردی چهل ساله در آمده بود شب زفاف به علت خونریزی و آزار جنسی از طرف شوهرش درگذشت. سایت خبری «المشهد الیمنی» با اعلام این خبر می‌نویسد، در

شهر «حرض» واقع در استان «حجه» یمن مرد ثروتمند چهل ساله‌ای با پرداخت مبلغ گزافی دختر بچه‌ی هشت ساله‌ای را به عقد خود در می‌آورد

متهمان تجاوز به دختر جوان هندی به مرگ محکوم شدند

دادگاهی در هند، چهار مرد جوان را که به تجاوز به دفتری ۱۳ در دهلی‌نو متهم شده بودند، به مرگ محکوم کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی از هند، رئیس دادگاه، این رویداد را «شوکی برای وجدان جمعی» در هند خواند و متهمان را در تمامی موارد اتهامی



مجرم دانست. در دسامبر سال گذشته،

دختر جوانی در دهلی‌نو، پس از آن که در یک اتوبوس قربانی تجاوز این مردان شد؛ به دلیل آسیب‌هایی که دیده بود دو هفته بعد در بیمارستان جان سپرد.

انتشار خبر تجاوز و مرگ این دختر جوان به موجی از خشم و اعتراض در سراسر هند انجامید و در برخی از موارد معترضان با پلیس این کشور درگیر شدند.

می‌دهند، وعده داده است. متن کامل: اتحاد فحشا و ترور با عنوان «جهاد نکاح» جهاد به اصطلاح «نکاح» یک عوامفریبی در لباس اسلام است که مفتی‌های وهابی و سلفی با صدور این فتوای عجیب از دختران و زنان عرب خواسته‌اند برای ارضای تمایلات نفسانی جنگجویان مسلح به سوریه سفر کنند. هرچند علمای اهل تسنن بدلیل فحشای بزرگ در این فتوا مخالفت و ان را محکوم کردند، اما طولی نکشید که سیل زنان سالخورده ساده لوح وهابی و دختران مطلقه به سوریه گسیل شد تا بتوانند به اصطلاح برادران جنگجوی سلفی را در سوریه برای جنگیدن مقابل ارتش سوریه تقویت کنند و به آنها روحیه بدهند.

زن چینی از انگلیس و دیگر شهرهای اروپایی از طریق فرودگاه استانبول به شهر مرزی «هاتای» رفته و از مرزهای زمینی وارد سوریه شده و به گروه‌های سلفی پیوستند.

شیخ عرفی در این فتوا گفته که بهترین جهادها، جهاد نکاح است و ازدواج بین این مجاهدین و زنان می‌تواند تمایلات شهوانی این جنگجویان را برآورده کرده و عزم آنها را برای جنگ با دولت بشار اسد افزایش دهد.

این ازدواج‌ها که وی آن را ازدواج‌های مناکحه یا موقتی می‌نامد، شامل زنان و دختران ۱۴ سال به بالا، مطلقه‌ها و بیوه‌ها می‌شود.

او همچنین در این فتوا، بهشت را به آن دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با شبه نظامیان رضایت

زندانیان سیاسی رجایی‌شهر:

به وضعیت زندانیان بیمار رسیدگی کنید

بیش از ۴۰ تن از زندانیان سیاسی زندان رجایی‌شهر کرج، با انتشار نامه‌ای خطاب به مصادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران، فواهان رسیدگی به وضعیت زندانیان بیماری شده‌اند که در این زندان به سر می‌برند.

به گزارش تارنمای کلمه در این نامه که به امضای ۴۲ زندانی سیاسی زندان رجایی‌شهر رسیده و رونوشت آن به وزیران اطلاعات، دادگستری و کمیسیون‌های مجلس ارسال شده، با ذکر نام و بیماری زندانیان بالای ۶۰ سال آمده است: «آزادی و تداوم تحمل کیفر حبس بر این افراد، می‌تواند لطامت و پیامدهای جبران‌ناپذیری بر سلامت و حتی جان ایشان وارد آورد و از هم‌اینک می‌توان، وقوع فجایع تلخ آتی و افزایش قربانیان را پیش‌بینی کرد.» به نوشته کلمه سال گذشته، تنها در ظرف



یک هفته، هفت تن از زندانیان بیمار که یکی از آنها نیز در شمار زندانیان سیاسی بود، در زندان رجایی‌شهر کرج جان خود را از دست داده‌اند.

این افراد در شرایط کنونی، افزون بر التیام دردهای ناشی از قانون‌گریزی در گذشته، اقدامی انسان‌دوستانه تلقی شده و می‌تواند در روند کاهش بحران‌های جاری و حرکت

فتوای اعزام دختران و زنان به سوریه برای ارضای جنسی جنگجویان!

هر روز شاهد رفتارهای عجیب و غیر انسانی از گروهی از مسلمانان و دین‌مداران هستیم. هر چند به ظاهر در نفی یکدیگر می‌گویند و می‌نویسند ولی در نهایت هر کدام، به نوعی، دست‌هایشان به فون انسان‌های بی‌گناه آغشته است و در نادانی و بنیاید گوی سبقت از هم می‌ربایند. این گزارش است که فارس نیوز در تقییب و زشتی این فتوای وهابیون و سلفی‌ها و استفاده‌ی ابزار از اسلام منتشر نموده، بی‌گمان در آنسوی نیز فبرگزارای‌های آنان نیز از بنیاید شیعیان می‌نویسند. آنچه که می‌ماند برآیند و همسویی این بنیاید است در تاثیر دین بر نابودی انسانیت!

گروه‌های تروریستی که علیه نظام سوریه شورش مسلحانه کرده‌اند، با فتوای یک مفتی وهابی دختران و زنان مطلقه تونسی را به «جهاد نکاح» در سوریه تشویق می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس، چندی پیش بود که فتوای عجیب به اصطلاح «جهاد نکاح» از سوی برخی مفتی‌های سلفی منطقه مطرح شد و توسط شیخ «محمد العریفی» مفتی مشهور سلفی‌های

در همان زمان خانواده‌های تونسی نیز اعلام کردند که دختران نوجوانشان داوطلبانه به سوریه سفر کرده‌اند تا نیازهای جنسی شورشیانی را که با نیروهای نظامی سوریه



می‌جنگند، برطرف سازند. در همین راستا چندی پیش تعداد ۹۰

عربستان سعودی تبلیغ شد. چندی پیش نیز از تونس خبر رسیده بود که برخی

اوباما: با حسن روحانی پیام مبادله کرده ایم

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا بدون ذکر جزئیات گفت که با مسن رومانی، رئیس جمهور جدید ایران پیام مبادله کرده است.

ناگهان مذاکره را آسان کند. اما به نظر من تهدید واقعی به استفاده از زور، در کنار تلاشهای جدی دیپلماتیک می تواند باعث توافق شود." رییس جمهوری آمریکا سپس تاکید کرد که به حصول توافق با ایران امیدوار است و امید خود را هم حفظ خواهد کرد. در بخش دیگر این گفتگو جورج استفانوپولوس مصاحبه گر ای. بی. سی گفت منتقدان سیاست اوباما

را در روزهای اخیر خلق الساعه، فکر نشده و متزلزل توصیف کرده اند و این "شاید بی برنامه ترین برهه در سیاست خارجی اوباما باشد." آقای اوباما پاسخ داد بسیاری در واشنگتن



به سبک اجرا خیلی اهمیت می دهند اما گاهی سیاستهایی که تر و تمیز و مرتب و البته سر راست بوده اند به نتایج فاجعه باری منجر شده اند: "من بیشتر از اینکه به سبک فکر کنم برایم مهم است که سیاست درستی در پیش بگیریم."

بخش عمده این گفتگو به مسائل سوریه و توافق آمریکا و روسیه برای کنترل سلاحهای شیمیایی سوریه اختصاص داشت و رییس جمهور آمریکا سعی کرد مواضع خود را به روشنی از ولادیمیر پوتین متمایز کند؛ هر چند که از تلاش رییس جمهور روسیه برای پیشبرد دیپلماسی تقدیر کرد. به گفته آقای اوباما حمایت پوتین از بشار اسد نشان دهنده تفاوت در نگرش و ارزشها است. آقای اوباما گفت با اینکه در بسیاری از مسائل با پوتین اختلاف نظر دارد گفت اما می تواند با او گفتگو کند.

بی بی سی - رئیس جمهوری آمریکا در گفتگو با شبکه تلویزیونی ای. بی. سی آمریکا گفت که ایران بالقوه می تواند در برقراری ثبات در سوریه نقش داشته باشد. آقای اوباما همچنین گفت که دولتمردان ایران متوجه شده اند که برای آمریکا، برنامه هسته ای ایران موضوعی بسیار بزرگتر از بکارگیری سلاحهای شیمیایی در سوریه است.

"من فکر می کنم ایران دریافته که مسئله

هسته ای و تهدیدی که ایران هسته ای برای اسرائیل ایجاد می کند خطر بسیار نزدیکتری برای منافع بنیادی ماست. مسابقه هسته ای منطقه را بشدت بی ثبات خواهد کرد." آقای اوباما اضافه کرد ایران نباید به این نتیجه برسد که "چون آمریکا تا بحال دخالت نظامی نکرده به این معناست که آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد. در عوض ایران باید به این نتیجه برسد که امکان حل مسئله از راه دیپلماتیک وجود دارد."

رئیس جمهوری آمریکا می گوید تصور می کند ایران "بدلیل تحریمهای شدیدی که اعمال کرده ایم و به دلیل اتحاد جامعه بین المللی برای جلوگیری از مسابقه هسته ای در منطقه" متوجه این نکته شده باشد. "مذاکره با ایران همیشه دشوار بوده است و من فکر نمی کنم که رئیس جمهور جدید

۲۰ هزار صفحه از اسناد تخلفات سازمان تامین اجتماعی ایران مفقود شد

به گفته علیرضا موموب رئیس هیات تحقیق و تفحص مجلس ایران از سازمان تامین اجتماعی، ۲۰ هزار صفحه از اسناد تحقیق و تفحص دوره پیشین مجلس از تخلفات سازمان تامین اجتماعی در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد مفقود شده است.

مورد توجه رسانه ها قرار گرفته بود. مقام های دولت سابق، هر گونه سوء استفاده از امکانات دولتی در زمان مسئولیت خود تکذیب می کنند و اتهامات رسانه های منتقد را دارای اهداف سیاسی می دانند.

مسببان به دادگاه احضار می شوند؛ علیرضا موموب محبوب نماینده تهران یادآوری کرد که در پی بی نتیجه ماندن بررسی عملکرد سازمان تامین اجتماعی در مجلس هشتم، هیات تحقیق و تفحص



مجلس نهم از سازمان تامین اجتماعی در دی ماه گذشته کار خود را آغاز کرده است.

رئیس هیات تحقیق و تفحص مجلس نهم از سازمان تامین اجتماعی، با اعلام اینکه اعضای هیات متوجه شده اند که «بسیاری از پرونده ها در دولت گذشته مفقود شده» هشدار داد که مسببان این موضوع «حتما برای پاسخگویی به دادگاه احضار خواهند شد». آقای موموب افزود که تنها ۲ هزار صفحه از گزارش های سازمان تامین اجتماعی در اختیار کمیسیون اصل ۹۰ مجلس قرار دارد و به علت کمبود جا، ۲۰ هزار صفحه در داخل سازمان تامین اجتماعی نگه داشته می شده که همین اسناد مفقود شده اند.

روزنامه شرق در گزارش خود از تخلفات سازمان تامین اجتماعی در دوره محمود احمدی نژاد، به نقل از نمایندگان مجلس از «پاداش های صوری که کمترین مبلغ آن ۴۰۰ میلیون تومان بوده، پاداش هزار سکه ای، عضویت یک فرد در هیات مدیره ۱۰ شرکت شستا و حقوق ۱۵ میلیونی مدیرعامل یکی از شرکت ها» به عنوان نمونه هایی از این تخلفات یاد کرد.

آخرین و خبرسازترین رئیس سازمان تامین اجتماعی در زمان آقای احمدی نژاد، سعید مرتضوی دادستان سابق تهران بود. آقای مرتضوی، در آخرین روز کاری دولت محمود احمدی نژاد، به عضویت هیات امنای سازمان تامین اجتماعی ایران در آمد ولی با تغییر دولت، از تمامی سمت های خود در این سازمان کلیلک کنار گذاشته شد.

بی بی سی: دو روز نامه اصلاح طلب شرق و اعتماد، تیر اصلی شماره یکشنبه ۲۴ شهریور (۱۵ سپتامبر) خود را به اظهارات آقای موموب اختصاص داده اند. آنها نوشته اند که عمده تخلفاتی که در دوره

فعلی (دوره نهم) مجلس مورد تحقیق و تفحص می گیرد، مربوط به دوره مدیریت کلید سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران بر سازمان تامین اجتماعی است.

در دوره هشتم مجلس (۱۳۹۱-۱۳۸۷) تحقیق و تفحصی در مورد عملکرد سازمان تامین اجتماعی صورت گرفت که امکان انتشار آن فراهم نشد. پیشتر، سلیمان جعفرزاده، رئیس هیات تحقیق و تفحص مجلس هشتم از سازمان تامین اجتماعی، بدون توضیح بیشتر گفته بود که علت جلوگیری از انتشار گزارش تحقیق و تفحص مجلس هشتم، «اقدامات تهدیدآمیز مقامات دولت احمدی نژاد» بوده است.

اظهارات اخیر آقای موموب در شرایطی منتشر شده که در هفته های گذشته، رسانه های ایران کلید اتهامات مختلفی را در مورد خروج اسناد و اموال عمومی از دستگاه های دولتی در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد منتشر کرده اند. روزنامه همشهری به نقل از یکی از کارکنان مرکز اسناد میراث فرهنگی نوشته بود که در زمان دولت قبلی، «۴۷ هزار جلد کتاب و اسناد مربوط به کاوش های باستان شناسی به همراه هزاران قطعه عکس تاریخی» از سازمان میراث فرهنگی خارج شده است. پیش از آن، خروج بیش از ۲ هزار قلم اشیای موجود در موزه هدایای دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در آخرین روزهای مسئولیت وی و انتقال آنها به محل جدید استقرار آقای احمدی نژاد و همکاران دولت سابق ایران،

صدور مجوز راه اندازی اولین مرکز ترک الکل در ایران

به گزارش فبرگاری دانشمویان ایران (ایسنا)، مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی ایران با اعلام فبر صدور مجوز راه اندازی این مرکز گفت که این مرکز کار خود را به صورت آزمایشی آغاز خواهد کرد.

به گفته فرید براتی سده تا پیش از بررسی شرایط و نتایج فعالیت این مرکز، مجوز دیگری برای مراکز ترک اعتیاد الکل صادر نخواهد شد. این مقام مسئول گفت که بهزیستی تا کنون به دلیل درخواست وزارت کشور "از صدور مجوز مراکز ترک الکل خودداری کرده بود. او به نقل از فرمانده نیروی انتظامی آمار معتادان به الکل در ایران را دویست هزار نفر اعلام کرد و گفت که فراد مصرف کننده برای ترک از ۲۵ روز تا یک ماه در مراکز ترک الکل بستری خواهند شد.

پس از روی کار آمدن روحانی هر روز دو نفر اعدام شده اند

به گزارش فبرگزاری هراتا، پنج زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر به همراه یک زندانی متهم به قتل در یزد اعدام شدند.

رئیس دادگستری یزد گفت: این پنج نفر به جرم حمل، نگهداری و توزیع ۳۹۶ کیلوگرم انواع مواد مخدر اعدام شدند. وی افزود: یک نفر نیز به جرم قتل در سال ۸۸ به قصاص نفس محکوم شده بود که حکم وی در زندان مرکزی یزد اجرا شد. بر اساس اعلام مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در



ایران با اعدام‌های امروز ۱۲۹ نفر از زمان روی کار آمدن روحانی در ۱۲ مرداد ماه تا به امروز ۱۱ مهر در ایران اعدام شدند. یکی از اعدام شدگان نوجوان بزهکار بوده است. هفت نفر از اعدام شدگان

حقوق بشری خبر از اعدام ایشان در زندان‌ها داده است. به عبارتی دیگر ۴۲ درصد اعدام‌ها در زمانی کمتر از دو ماه پس از روی کار آمدن آقای روحانی مخفیانه اجرا شده است.

از هواداران آقای روحانی آن را اداره می‌کند. اما انتشار توثیقی توسط آقای ظریف که «ایران هیچ‌گاه هولوکاست را انکار نکرد، مردی که تصور می‌شد هولوکاست را انکار کرده، اکنون رفته است.» دامنه وسیعتری به ماجرا داد. این اکانت ها یا صفحه‌ها از طرف آقای ظریف و دیگر اعضای کابینه به عنوان حساب یا اکانت رسمی تایید نشده‌اند و در اخبار از آنها بعنوان صفحه یا اکانت منسوب به این افراد نام برده می‌شود، اما شرکت توثیق اصالت اکانت آقای ظریف را تایید کرده است.

رئیس پلیس ایران: استفاده مقامات دولتی از فیس‌بوک قانونی نیست

اسماعیل احمدی مقدم، رئیس پلیس ایران می‌گوید که برخی از دستگاه‌های دولتی از فیس‌بوک برای ارتباط با مخاطبان خارج از کشور استفاده می‌کنند، اما این تنها یک «تومیه» است و مجوز قانونی در این رابطه وجود ندارد.

بی بی سی: آقای احمدی مقدم گفت: «کمیسون‌های ویژه‌ای در شورای عالی فضای مجازی وجود دارند که به این موضوع رسیدگی می‌کنند. اما از همه اظهارنظرها تاکنون این گونه برداشت می‌شود که تغییر نظری در مورد رفع فیلتر فیس‌بوک نداریم.»



این در حالی است که از مدتی پیش صفحه‌های در فیس‌بوک و اکانتی در توییتر راه اندازی شده که به آیت الله خامنه‌ای رهبر ایران منسوب است. هیچ اظهار نظر رسمی در تایید یا تکذیب این موضوع وجود ندارد و بسیاری از کاربران مفاد آنها را به عنوان مواضع رهبر ایران تلقی می‌کنند. پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، گفته شد که اعضای دولت یکی بعد از دیگری به شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توییتر پیوسته‌اند. گروهی از محافظه کاران منتقد دولت در واکنش به این اقدام، این شبکه‌ها را «سرزمین مجازی دشمن» لقب داده‌اند. هیچکدام از این صفحات و حساب‌های کاربری مقامات دولت ایران رسماً تایید نشده‌اند و گاه انتساب آنها به مقامات تکذیب هم شده است. یکی از خبرسازترین نمونه‌ها مربوط به محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه است که پیش از روی کار آمدن دولت جدید هم در فیس‌بوک و توییتر عضو بود.

تبریک عید سال توی یهودی - روش هاشانا - در اکانت منسوب به حسن روحانی و اکانت محمد جواد ظریف شاید نقطه عطفی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای دیپلماسی به حساب آید. در اکانت منسوب به آقای روحانی آمده بود: «هنگامی که خورشید اینجا در تهران در

رئیس پلیس ایران اضافه کرد که در جلسه اول شورای عالی فضای مجازی که با حضور حسن روحانی، رئیس جمهور جدید ایران برگزار می‌شود، ممکن است این موضوع طرح و بررسی شود، اما تاکنون مقررات تغییر نکرده است و «ما از برخی وزرا و مقامات انتظار داریم همانند مردم رفتار کنند.»

اشاره آقای احمدی مقدم به استفاده گروهی از مقامات دولتی از سایت فیس‌بوک است که از چهار سال پیش دسترسی به آن از داخل ایران فیلتر شده است. گفته می‌شود که سازمان‌های دولتی می‌توانند با ارائه درخواست به کمیته ۱۲ نفره فیلترینگ از قانون ممنوعیت مستثنا شوند. تورج کاظمی معاون مبارزه با جرایم پلیس فتا پیشتر گفته بود «بر اساس قانون جرایم رایانه‌ای موضوعی به اسم مجازات افراد به دلیل عضویت در فیس‌بوک وجود ندارد» و محمدعلی اسفغانی، نماینده مجلس و عضو کارگروه تعیین مصادیق

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com



هتل چرا؟

Why Hotel?

Home Away From Home

با صرف هزینه کمتر، دریافت امکانات رفاهی بیشتر و محیطی وسیعتر و امن، آرامش و آسایش خانمان را تجربه کنید

از سه شب تا هزار شب
آپارتمان های شیک، مبله و ایرانی پسند
با مدیریت فرید

(408)242-0695

info@sjeh.info + www.SanJoseExecutiveHousing.com

طالبان نوجوان ۱۵ پانزده ساله را به اتهام همکاری با پلیس کشتند

محمدعلی احمدی معاون والی غزنی گفته است که گروه طالبان یک دانش آموز پانزده ساله را به اتهام داشتن ارتباط با پلیس ربوده و سپس به قتل رسانده است.

افزوده اند که علی سینای پانزده ساله با خود تلفن موبایل داشته و با آن با پلیس تماس می گرفته است. محمدعلی احمدی همچنین گفت که طالبان روزی که این دانش آموز را ربودند، او با دوستان خود در نزدیک روستای خود فوتبال بازی می کرد و پس از پیدا کردن موبایل در جیبش او را با خود بردند. آقای احمدی تاکید کرد که علی سینا تنها یک دانش آموز بود و هیچ گونه ارتباطی با پلیس و دیگر نهادهای دولتی نداشت.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

جمعی را مقرر بفرمایید تا برای نخستین بار بعد از سه دهه که سرنوشت پناهجویان افغان در ایران از هیچ ثبات و امنیتی برخوردار نبوده و با یک مصاحبه، نطق یا تصمیم فلان مسئول وزارت کشور، یا کار و امور اجتماعی یا رئیس پلیس، زندگی شان دچار طوفان و گرد باد می شده، از یک ثبات و امنیت و حد اقل موازین انسانی برخوردار شود. خدا می داند که زندگی افغانها در ایران به جز درد و زجر خیلی چیز دیگری ندارد.

جناب رئیس جمهور، کمک کنید کاری کنیم که بتوانیم به عنوان یک ایرانی در چشمان یک پناه جوی ستم دیده افغانی که تنها گناهی این بوده که در افغانستان بدین آمده نگاه کنیم و سرمان را از خجلت به پایین نیفکنیم. ایام بکام باد

صادق زیباکلام

پانزده ام شهریور ماه یک هزار و سیصد و نود و دو

آقای احمدی به بی بی سی گفت که طالبان علی سینا را در منطقه "خاک غریبان" در حومه شهر غزنی ربوده بودند و چند روز بعد جسد او در یک محل متروک در تر از این منطقه پیدا شد. او افزود که طالبان نامه ای نوشته و به سینه او گذاشته بودند. معاون والی غزنی گفت که طالبان در این نامه نوشته اند که این کودک را به دلیل داشتن ارتباط با پلیس کشته اند.

آقای احمدی گفت که طالبان در نامه خود دفترچه خدمات درمانی داشته باشند و بیمه شوند؛ به فرزندانشان که در ایران متولد می شوند شناسنامه نمی دهیم؛ ازدواج شان با ایرانیان را به رسمیت نمی شناسیم؟ حتی اجازه نمی دهیم یک حساب بانکی باز کنند.

آیا ظلم و تبعیض نژادی از این بیشتر هم وجود دارد؟ رفتار ما با افغانها از جمله اینکه حتی به آنان در برخی از شهرهایمان اجازه ورود نمی دهیم و آنرا با افتخار اعلام هم می کنیم، یاد آور رفتار اروپایی های قرون وسطی و آلمان نازی با یهودی ها، و رفتار نژاد پرستان سفید پوست در آمریکا و آفریقای جنوبی دوران آپارتاید با سیاه پوستان است.

استدعا دارم به جای خط و نشان و تهدید افغانها، ما هم همچون بلاد راقیه دنیا با پناهجویان مان حسب عهد و میثاقها و ضوابط بین المللی رفتار نماییم.

اعتراض به وضعیت نامطلوب پناهجویان افغان

نامه سرگشاده صادق زیباکلام به مس (رومانی؛ استدعا) دارم به جای فط و نشان و تهدید افغانها، ما هم همچون بلاد راقیه دنیا با پناهجویان مان حسب عهد و میثاقها و ضوابط بین المللی رفتار نماییم. جمعی را مقرر بفرمایید تا برای نخستین بار بعد از سه دهه که سرنوشت پناهجویان افغانی در ایران از هیچ ثبات و امنیتی برخوردار نبوده و با یک مصاحبه، نطق یا تصمیم فلان مسئول وزارت کشور، یا کار و امور اجتماعی یا رئیس پلیس، زندگی شان دچار طوفان و گرد باد می شده، از یک ثبات و امنیت و حد اقل موازین انسانی برخوردار شود. خدا می داند که زندگی افغانها در ایران به جز درد و زجر خیلی چیز دیگری ندارد.

را هم می دانیم که ایران نقشی در به وجود آوردن آن وضعیت نداشته. اما این هم یک واقعیتی است که یک پناهجوی افغان پس از چند سال که در ایران به سر می برد، عملاً صاحب یک زندگی می شود. همچنان که قریب به سه میلیون ایرانی در کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا یا استرالیا هم بعد از مدتی صاحب زندگی می شوند. آیا این درست است که کشورهای غربی به واسطه اینکه مشکل بیکاری دارند، ایرانی ها و سایر پناهجویان را

اخراج کنند که کار برای بیکاران خودشان ایجاد شود؟ کشورهای غربی که ناصبی، نصارا، بی دین، کافر، ملحد و صهیونیست هستند، نه تنها هرگز مشکلات و مسائل شان را با اخراج پناهجویان حل و فصل نمی کنند، بلکه همان طور که عرض شد مسلمان و غیر مسلمان در آن جوامع ملحد از همان حق و حقوقی

برخوردارند که مردم خودشان. کجای این کار انسانی، اسلامی، و اخلاقی است که ما هیچ حقوقی برای پناهجویان افغان که سال ها در ایرانی ها زندگی کرده اند، با اتباع ایرانی ازدواج کرده و کار و زندگی بهم زده اند قائل نیستیم؟ آیا کاری که اماراتی ها با ایرانی ها کردند و آنان را علی رغم آنکه سالها در آنجا اقامت داشته و کار و زندگی به هم زده بودند، اخراج کردند، خیلی درست بود؟

جناب رئیس جمهور معزز، چه فرقی میان رفتار اماراتی ها با ایرانیان و رفتار ما با افغانها وجود دارد؟ به علاوه مگر برخی از مسئولین ما معتقد نیستند که جمعیت کنونی ایران می بایستی دو برابر شده و به ۱۵۰ میلیون نفر برسد، پس چگونه است که ما چند صد هزار افغان که هم نژاد، هم مذهب، و هم زبان خودمان هستند را نمی توانیم پذیرا بشویم؟ در حالیکه که در جوامع غربی یک پناه جوی ایرانی از همه حقوق مدنی برخوردار است، آیا این خفت آور نیست که در ایران افغانها نمی توانند فرزندانشان را حتی به مدرسه بفرستند؛ نمی توانند یک

به گزارش جماران، صادق زیبا کلام در نامه ای که در وبلاگ شخصی خود منتشر کرده، در اعتراض به وضعیت نامطلوب پناهجویان افغانی در ایران آورده است:

جناب آقای دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور اسلامی ایران دامه عظمه:

احتراماً به استحضار می رساند که امنای دولت علیه برای پناهجویان افغان تا ۱۵ شهریور ماه جاری ضرب الاجل تعیین کرده که می بایستی کشور را ترک نمایند. این البته نه نخستین



باری است که ما اقدام به اخراج دسته جمعی افغانها می نماییم و نه یقیناً آخرین بار خواهد بود. واقعیت تلخ آن است که پناهجویان افغان ساکن ایران از هیچ حق و حقوق اسلامی، انسانی، اخلاقی و بین المللی برخوردار نیستند. حسب موازین بین المللی یک پناهجو ولو آنکه به صورت غیرقانونی هم وارد کشوری بشود بعد از آنکه تکلیفش روشن می شود، از کلیه حق و حقوقی که شهروندان آن کشور از آنها برخوردار هستند بهره مند می شود. اما متأسفانه در ایران چنین حقوقی برای پناهجویان افغان بالمره وجود ندارد. یک پناه جوی افغان که ۱۰، ۲۰، یا حتی ۳۰ سال در ایران زندگی کرده، در ایران ازدواج کرده و خانواده و مسکن و شغل دارند، در انتهای سال دهم، بیستم یا سی ام مثل آب خوردن از کشور اخراج می شود.

هر انسانی ترجیح می دهد که در مملکت خودش زندگی کند. اگر ایرانیان به غرب می روند، یا افغانیان به ایران می آیند، از سر استیصال است. همه ما می دانیم وضعیت زندگی در افغانستان چگونه است. همه ما این



دکتر تینا نافی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.
We partner with our patient.*

معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسائل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafai.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923
1860 Mowry Ave. Suite 201 Fremont, California 94538

دختر ۱۲ ساله افغان ماهنامه کودک منتشر کرد

«از سر امتحان، با شتاب و هیجان و در لباس مکتب با پدرم (رقتیم ریاست جمهوری، ما را چند جای بازرسی کردند تا به یکی از اتاق های کلان رسیدیم، امسالم عجیبی داشتیم، هیچ باورم نمی شد که روزی به ریاست جمهوری بروم. بیشتر از این در مورد دیدار با رئیس جمهوری مئی فکر هم نکرده بودم. چند دقیقه منتظر ماندیم تا این که فود رئیس جمهوری آمد. وقتی اموالپرسی کردیم، فهمیدم که نه، فواید نیستیم.»



نتیجه یک سال زحمت و اشتیاق یک دختر خجالتی ۱۲ ساله در افغانستان بیشتر از این چه بوده می تواند، نخستین شماره ماهنامه اش به دست رئیس جمهوری کشور رسیده و رئیس جمهوری او را برای ملاقات به ریاست جمهوری دعوت کرده است.

حسینا معاصر را تا همین چند هفته پیش، شاید فقط دوستان، هم کلاسی ها، وابستگان و اعضای خانواده اش او را می شناختند، اما زندگی این دختر دانش آموز صنف کلاس هشتم در چند روز تغییر کرد به طوری که نه تنها اکثریت مردم بلکه او را حتی فرد شماره یک کشور نیز می شناسد.

این دختر، مجله ماهانه ویژه کودک با عنوان «کودک افغان» چاپ کرده و مقام های دولت افغانستان را متعجب کرده است. حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان در دیداری که با حسینا معاصر صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه «کودک افغان» داشت و از او به خاطر انتشار این مجله تشکر کرد و برای چاپ و نشر شماره های بعدی این مجله وعده همکاری داد.

در افغانستان نزدیک به سه میلیون کودک در سن و سال حسینا، عمدتاً دختران، به آموزش و پرورش دسترسی ندارند، دختران دانش آموز حتی در امن ترین ولایات، مسموم می شوند و در نقاطی از کشور هنوز به روی دخترانی که مکتب می روند، اسید پاشیده می شود.

علاوه بر این، نگاه سنتی حاکم بر جامعه افغانستان در بعضی از خانواده ها، مسیر دخترانی را که آرزوهای بلند دارند و مثلاً می خواهند دکتر یا مهندس و یا برای خودشان کاره ای شوند، به جای دانشگاه به خانه شوهر منتهی می کند.

حسینا با وجودی که هنوز خود سن بسیار کمی دارد، اما دغدغه های کودکان افغان را به خوبی درک می کند. او می گوید کودکان در افغانستان متحمل خشونت و کار سنگین می شوند، آنها مورد تجاوز

مخالفت پلیس ایران با اخراج افغان ها

سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی ایران با اخراج افغان ها از این کشور مخالفت کرده و گفته است: «نمی توانیم که همه افغان ها را از کشور اخراج کنیم و با این فکرها یک شبه که به ذهن برخی افراد برای حل مشکل اقتصاد می رسد مخالفیم.»

بچینند. جوانان ما به دلیل اینکه تحصیل کرده اند یک میز و تلفن همراه می خواهند تا معامله ها را جوش دهند.»

در سالهای اخیر ایران بارها برنامه های مختلفی نظیر خروج داوطلبانه افغان ها از ایران را اجرا کرده است اما این طرح ها بی نتیجه بوده و بسیاری از افراد بعد از خروج از ایران دوباره به این کشور بازگشته اند. آخرین طرح دولت ایران برای خروج افغان ها مربوط به اساسی است که دولت اعلام کرده بود که افغانهایی که به صورت غیرقانونی در ایران زندگی می کنند تا پانزدهم شهریور فرصت دارند که از ایران خارج شوند. بر اساس این طرح کسانی که به صورت غیرقانونی به حضور خود در ایران ادامه دهند، به ازای هر روزی که بعد از این تاریخ در ایران بمانند در صورت دستگیری باید سی هزار تومان جریمه همه بپردازند.

دنباله مطلب در صفحه ۳۷

به گفته فرمانده پلیس ایران «مرز را بستیم اما هنوز هم از راه دریا و خلاء های مرزی وارد کشور می شوند اگرچه بسیاری از



افغان ها با گرفتن گذرنامه و ویزا وارد کشور می شوند اما دیگر باز نمی گردند.» آقای احمدی مقدم تاکید کرده که «چند سال قبل وقتی افغان ها را از کشور طرد کردیم دیدیم تعداد زیادی از گاوداری ها و صنعت تولید آجر کشور متوقف شد. ایرانی ها جویای کار هستند اما این کارها را انجام نمی دهند و نمی روند بر سر درخت میوه

جنسی قرار می گیرند و برخی خانواده ها به کودکان شان «ظلم» می کنند. او در کشوری به دنیا آمده که شماری از مردمان آن مخالف رفتن دخترانشان به مکتب هستند؛ حتی گاهی می گویند چشم غریبه ها نباید به رخ دخترشان بیافتد. مبارزه با این بدبینی و دفاع از حق کودکان افغان و همچنین جرات دادن به دیگر کودکان از جمله هدف های حسینا برای چاپ ماهنامه کودک افغان است.

حسینا معاصر می گوید: «در کابل کتاب های زیاد خارجی برای کودکان قابل دسترس است، اما خواستم مجله ای چاپ شود که از خود افغانستان باشد، هر کسی که می خواند بفهمد که این مجله را یک کودک افغان چاپ کرده است.»

بسیاری پس از شنیدن خبر انتشار ماهنامه ویژه کودک به سردبیری دختر ۱۲ ساله افغان گفته اند «دخترک شاهکار کرده است». حسینا معاصر تلاش کرده در ماهنامه «کودک افغان» با زبانی متفاوت از مشکلات و ناگفته های زندگی کودکان کشورش بگوید، به گونه ای که مخاطبان اصلی اش که کودکان افغان هستند، آن را بفهمند. او شماره اول ماهنامه اش را در ۵۰۰ تیراژ منتشر کرده و آرزو دارد که شماره های بعدی آن با تیراژ بالاتر چاپ شود و مجله به دست تمام کودکان افغان برسد.

کامران پورشمسی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor
Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

◆ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
◆ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

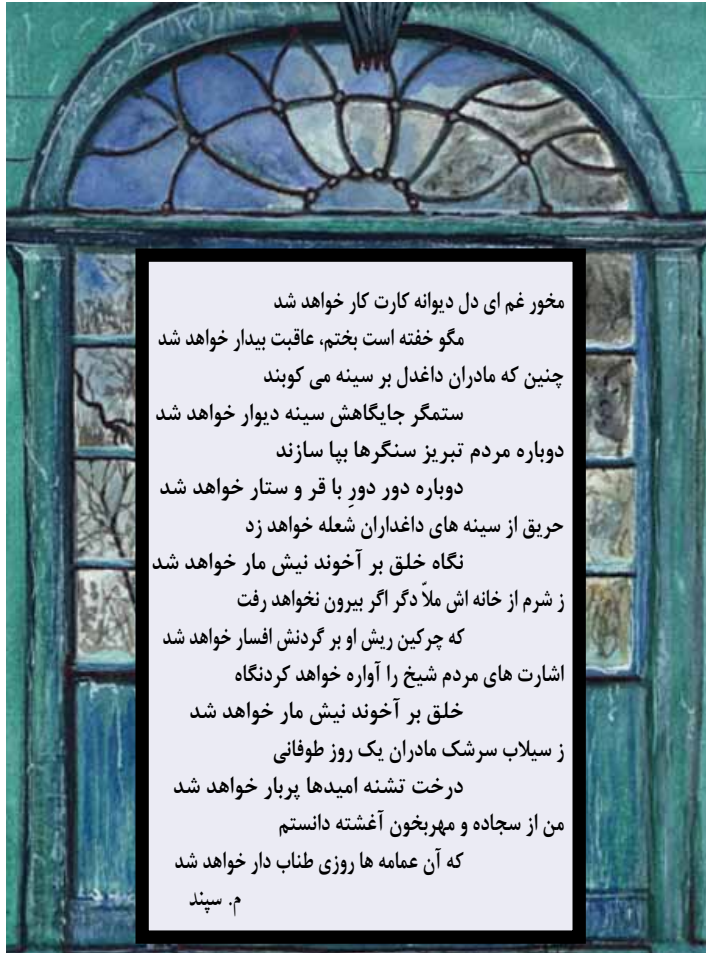
Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008



مخور غم ای دل دیوانه کارت کار خواهد شد
مگو خفته است بختم، عاقبت بیدار خواهد شد
چنین که مادران داغدل بر سینه می کوبند
ستمگر جایگاهش سینه دیوار خواهد شد
دوباره مردم تبریز سنگرها بپا سازند
دوباره دور دور با قر و ستار خواهد شد
حریق از سینه های داغداران شعله خواهد زد
نگاه خلق بر آخوند نیش مار خواهد شد
ز شرم از خانه اش ملأ دگر اگر بیرون نخواهد رفت
که چرکین ریش او بر گردنش افسار خواهد شد
اشارات های مردم شیخ را آواره خواهد کرد نگاه
خلق بر آخوند نیش مار خواهد شد
ز سیلاب سرشک مادران یک روز طوفانی
درخت تشنه امیدها پر بار خواهد شد
من از سجاده و مهربخون آغشته دانستم
که آن عمامه ها روزی طناب دار خواهد شد
م. سپند



یک سینه سخن

مسعود سپند

آی ما مردمی ضعیف کُش هستیم

برای سرقت می رفت دلش نمی آمد که همه فرش ها را ندزدد و معمولاً هرچه فرش بود روی دوش می گذاشت، از خانه مالباخته بیرون می آمد و هر کس او را می دید زیر انبوهی از فرش پنهان شده و زده به خیابان و اکثراً هم به همین دلیل شناخته میشد و دستگیرش می کردند چرا که اگر مثل یک آدم معمولی یا فرش فروش دوره گرد عمل می کرد کسی به او ظنن نمی شد. اما آدمیزاد طعمکار مگر دلش می آید از اینهمه فرش گرانتیتم دل بردارد و حالا سی چان های جمهوری اسلامی است وقتی چنگ به بیت المال می زنند جیب و لباس و کلاه و دهان و گوش و حلق و بینی خود را پُر می کنند و خودشان را خفه می سازند، یعنی طمع آنقدر فراوان است که رحم به همان لقمه نانی که ممکن است بدست و دهان مردم بینوا برسد نمی کنند.

می گویند وقتی هلاکو خان بغداد را تسخیر کرد خلیفه عباسی (المستعصم بالله) را پیشش آوردند و قصه ای هم هست که به هلاکو گفتند اگر خلیفه مسلمین را بکشی آسمان به زمین می آید و او با کمک مشاوران تصمیم گرفت خلیفه را توی نمذ پیچند و او را نمذمالی کنند اگر طوفانی - غرقش - رعد و برقی پیدا شد فوراً رهایش کنند و گرنه که آنقدر بمالند تا بمیرد. روایت دیگری هم که شاید درست تر باشد این است که هلاکو وقتی چشمش به آنهمه مال و ثروت و طلا و گنجه های فراوان افتاد به خلیفه گفت تو با اینهمه ثروت می توانستی هزاران نفر استخدام کنی که با من بجنگند و پیروز شوند - چرا چنین کاری نکردی؟!.

خلیفه گفت: دلم نیامد. هلاکو گفت: این مرد را در خزانه طلا و جواهراتش آنقدر نگهدارید تا در میان آنها جان بسپارد و چنین کردند و مستعصم جانش را به الله اش داد و مرد.

و ترکان و مغولان جای او را گرفتند. حالا این دزدان خانگی، این آیت الله ها و این جماعت آخوند که جیب هایشان و بانکهایشان و خانه هایشان از دلار انباشته است نمی ترسند هلاکوئی شود؟

یک روز جوانکی در خیابان فردوسی تهران چنگ انداخت و چند دلاری که پیرمردی بر روی پیت حلبی نشسته برای فروش در دست گرفته بود ربود و پا به فرار گذاشت. مردم مخصوصاً جوانها با داد و فریاد به دنبالش دویدند و در میدان فردوسی گرفتند و آنقدر او را کتک زدند که بیهوش افتاد و پیرمرد ارزش فروش هم آمد و لگد محکمی در شکم آقای دلار دزد زد و پولش را گرفت و جوان را هم مردم رها کردند و رفتند. آن روز مردم پلیس و قاضی و دادستان و مجری قانون شدند چرا که جوانکی چند دلار از دست پیرمردی قاپ زده بود.

اما... اما این روزها به چشم خویش می بینیم و در روزنامه ها و شبنامه ها می خوانیم که رئیس جمهور ۱۶ میلیارد تومان و آقای ۲ میلیارد دلار و آن دیگری ۳ و ۴ و ۵ و پنداری رقم در آن سرزمین در مورد پول معنی ندارد و در مورد مرگ انسان ها و مرگ آدمیت و مرگ فرهنگ و مرگ دین و ایمان، همه چیز معنی خود را از دست داده و جالب این است که خود دزدها بگیربگیر راه انداخته اند و دارند دنبال دزدی که معلوم نیست کیست می دوند.

وعجیب است که همان مردمی که دنبال جوانک دلار دزد می دویدند، هم اکنون همانها هستند و چرا دنبال دزدان بزرگ که سردمداران جمهوری ننگین اسلامی و سپاه آدمی خوار پاسداران است نمی دوند! نه تنها نمی دوند بلکه توسری هم از همان دزدها می خوردند و دم بر نمی آوردند.

اگرچه - گر حکم شود که (دزد) گیرند - اول باید بروند سراغ فرمانده و رهبر دزدان و سپس از سر هرّم آغاز کنند و بیایند پائین و بالاخره نمی دانم (شاید هم می دانم) این دزدها چنان وحشی در دل غیر دزدان انداخته اند که سالها باید از شکست جمهوری ننگین اسلامی بگذرد تا جرأت پیدا کنند و یقه دزدی را بگیرند.

یک سارق فرش بود که نامش هنوز بیادم هست بنام سی چان که بسیار قوی هیکل و پر زور بود. این جناب دزد به هر منزلی که

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست

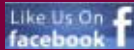


کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com



محمود حسن شد یا روحانی "هخا" شد؟

...بیچاره جوانان وطن ممو چراغان... علاف فیابان... "مُپکر" که دوباره پرزیدنت، "فَنَن" شد... مَممود مسن شد... انگار هفای دگری آمده از (اها... با نقشه‌ی دلفواه... بنگر که چه پرهیبت و هنجارشکن شد... مَممود مسن شد... در سفره‌ی او حرف مقوق بشری نیست... اصلاً فبرری نیست... مق بشری مصرف آفتابه لگن شد... مَممود مسن شد

یادآوری: هشت نه سال پیش آقائی به نام فتح الله خالقی یزدی ساکن آمریکا که نام کوچکش را به «هورا پیروز» ترجمه کرده بود، در رسانه های برونمرزی چو انداخت که فلان روز جمعه با هواپیمای در ایران پیاده می‌شویم و آخوندها قلع و قمع میشوند. او میگفت کلید همه مشکلات را در دست دارد و سوییچ چندتا هواپیمای را در جیب. تلویزیون ها از یکطرف، رادیو اسرائیل از یکطرف، مصاحبه پشت مصاحبه با این آقا که خودش را «هخا» میخواند و مرام «هخامنشی» را مژده میداد. یکی از باورها این بود که شاید آمریکا و سیا او را جلو انداخته اند و حرف هائی که میزند روی حساب و کتابی است. باور دیگر، او را فرستاده جمهوری اسلامی برای ساختن جریانی انحرافی و لوٹ کردن مبارزه میدانست. قضیه چندان جدی بود که در فرودگاه تهران احتیاطاً آماده باش داده بودند و اعلام کرده بودند که اگر هواپیمائی اینطرف ها بیاید میزینمش.

سرانجام روز موعود آمد (جمعه ای در پائیز ۲۰۰۴) اما هخائی در تهران پیاده نشد و پیدا نشد و از آن پس گم و گور شد و گویا عده ای فریب خورده هم در تهران گرفتار پاسداران شدند. پیش از او و بعد از او هم خیلی ها در اپوزیسیون نقش هخا را بازی کردند و بعضاً هنوز مشغولند، اما هخای اصلی باعث شد که این افراد، و مبتکران اینگونه جریان های انحرافی، با این نام سه حرفی، به این راحتی، مشخص و تعریف شوند: «هخا!» («بالاترین» و «یوتوب» و «گوگل» را ببینید. طنزهای ابراهیم نبوی را بخوانید و این را از من نگاه کنید: «هورا نیامد»)

و حالا خدا مرا ببخشد که در چهره ی مثبت آقای حسن روحانی نقش «هخا» را می بینم. بر چهره ی منفی اش هم البته همه ی جنایت های جمهوری اسلامی سایه انداخته است. این سروده ی «مستزاد» تنها یک بیت اش به هخا اشاره دارد. شکرخدا که فقط همین یک بیت اش اینهمه یادآوری میخواست.

محمود حسن شد

دیدي که چه تغییر خوشی سهم وطن شد
محمود حسن شد
فردوس برین قسمت تو قسمت من شد
محمود حسن شد
تکیه زده بر جای شغالی سگ زردی
ای رأی چه کردی!
خرس آمده در رقص و شتر دایره زن شد
محمود حسن شد
بیچاره جوانان وطن محو چراغان
علاف خیابان
«مُپکر» که دوباره پرزیدنت، «فَنَن» شد
محمود حسن شد
انگار هخای دگری آمده از راه!
با نقشه ی دلخواه
بنگر که چه پر هیبت و هنجارشکن شد
محمود حسن شد
در سفره ی او حرف حقوق بشری نیست
اصلاً خبری نیست
حق بشری مصرف آفتابه لگن شد
محمود حسن شد
زان روز که نسرين ستوده شده آزاد
دل ها همه شد شاد
اما چه سرانجام «بهاره»، مثلاً، شد
محمود حسن شد
ساکت! بتوجه، صبر بکن، تفرقه ننداز!
یکبار دگر، باز

بر امت بیچاره تفکر قدغن شد
محمود حسن شد
از شکوه حذر کن که شده موقع شادی
خرسندی هادی!
بنگر که عجب سرو چمانی به چمن شد
محمود حسن شد
دیگر چه نویسی سخن یاوه و یامفت؟
اصلاح طلب گفت
چون ختم غم و رفع ستم، دفع محن شد
محمود حسن شد
گفتم به جواپش که تو اندازه نگهدار
بع بع مکن این بار!
بر گردن تو بود طنابی که رسن شد
محمود حسن شد
ما اولی و دومی از هم شناسیم
کم هوش و حواسیم!
در مذهب ما دزد کفن، دزد کفن شد
محمود حسن شد
همدست جنایات، قوی پنجه و فعال
در این سی و شش سال
دیروز خفی بوده و امروز علن شد
محمود حسن شد
وقت است که خود بر سر خود شیره بمالیم
از دست که نالیم؟
از ماست که بر ماست! همین ختم سخن شد
محمود حسن شد

دنباله مطلب در صفحه ۴۸

ژیلا بهناد

متخصص در ریشه یابی و حل

بحران های فردی، زناشویی و خانوادگی

Jila Behnad Marriage and Family Therapist

www.JilaBehnad.com



♦ خسته اید؟

♦ نگران و مضطرب هستید؟

♦ احساس افسردگی می کنید؟

♦ قدرت تصمیم گیری ندارید؟

♦ در ارتباط با همسرتان مشکل دارید؟

♦ احساس می کنید کنترل زندگی از دستتان خارج شده؟

شما لایق یک زندگی پر از عشق و شادی هستید

می توانید با من تماس بگیرید تا با کمک هم

بهترین راه حل را برای مشکلاتان پیدا کنیم!

شما می توانید از جلسه های فردی، زوج و خانواده بهره ببرید!

(925)577-0671

اگر صحبت حضوری برایتان ممکن نیست،

می توانید از جلسه های تلفنی و یا اینترنتی استفاده کنید!

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه

از موقعیت استثنایی پائین
بودن نرخ بهره و وامهای بدون
کارمزد استفاده نمائید



(408)605-1138

moeharandi@yahoo.com ♦ DRE#01183647 ♦ NMLS#332989

4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130



نامه نرگس محمدی به وزیر کشور

کهای مجاب من اشکال داشت؟ معیار پوشش قانونی چیست؟ و مردم از کجا باید بداند ماموران در مورد معیار پوشش چگونه می‌اندیشند؟ چرا که ماموران نواهی مختلف در مورد مجاب متفاوت می‌اندیشند و عمل می‌کنند و این معیارها امری سلیقه‌ای است. قانونی بودن لباس را چه مرجعی تعیین میکند و چگونه به مردم اعلام می‌گردد؟ ماموران تا چه حد می‌توانند با مردم برخورد کنند؟ آیا قانون اجازه می‌دهد تا تعرض کلامی یا رفتاری یا برخورد فشن با زنان ممتزم جامعه داشته باشند؟ آیا ماموران زن صرف اینک ماهرند و مشکل شرعی پیش نمی‌آید، می‌توانند برخورد فیزیکی کنند؟

جناب آقای رحمانی فضلی، وزیر محترم وزارت کشور: با سلام. آنچه موجب شد این نامه را در چنین شرایطی برای جنابعالی بنویسم اتفاقی است که عصر روز شنبه برای من افتاد و بلافاصله در بعضی سایت‌های داخلی و حکومتی با انتشار تصویر بازتاب پیدا کرد.

روز یکشنبه مورخ ۹۲/۶/۱۷ ابتدا سایت خبری ایسنا و بعد خبر آنلاین و... با درج یک خبر و چند عکس تحت عنوان مبارزه با بد پوششی، عکس تعدادی از بانوان ایرانی را در مقابل ماموران، به نمایش گذاشته بود. در این ۲۰ عکس ۵ عکس از من نیز به چشم می‌خورد. جریان از این قرار بود: عصر روز شنبه ۱۶ شهریور به همراه فرزندانم علی و کیانا برای شرکت در یک برنامه فرهنگی - اجتماعی با



عنوان دختران نور و آفتاب راهی برج میلاد شدم. برنامه قرار بود در تالار سعدی برگزار شود. جلوی در تالار سعدی چند خانم با پوشش چادر مشکی و چند نفر نیروی انتظامی ایستاده بودند. آدرس تالار را پرسیدم یکی شان سالن را با دست نشان داد ولی مانع ورودم شد. دلیلش را پرسیدم. جواب داد مشکل حجاب دارید. از تعجب خنده‌ام گرفت.

نگاهی به سرپای خودم انداختم. روسری سبز بزرگی که نه تنها موهای سرم بلکه شانه‌هایم را پوشانده و مانتوی بلند و نسبتاً گشادی که روی دامن مشکی‌ام افتاده و حد اقل یک وجب تا زیر زانوهایم را گرفته و جوراب شلواری ضخیم و سیاهی که تمام پاهایم را پوشانده است. شاید اگر کسی از پایین و با دقت نگاه می‌کرد مثلاً یک وجب و نصفی از پاهایم که داخل کفش و جوراب ضخیم سیاه رنگ بود، دیده می‌شد. بالاخره تمام نقاط بدنم پوشیده بود. سعی کردم با گفت و گو و با استدلال و صحبت منطقی قانعشان کنم که کارشان درست نیست و تجدید نظر کنند، اما آنها نه تنها حاضر نبودند کوچکترین اعتنایی بکنند بلکه هر بار یکی از مردان انتظامی چکمه پوش با قدرت تهدید می‌کرد که "راتو بکش برو و گرنه بازداشتت می‌کنیم."

از یکی از مردان انتظامی پرسیدم: آقا آیا قسمتی از بدنم پیداست یا لباس تنگ است یا مانتوآم کوتاه است یا روسری‌ام کوتاه است و موهایم را پوشانده. گفت نه اما ما نمی‌گذاریم وارد سالن شوی و من که از این رفتارشان مبهوت بودم بحث را ادامه دادم تا بالاخره متوجه شوند

که این برخورد زورگویی است و دلیل منطقی ندارد. البته حاصلی نداشت. یکی از آقایان جلو آمد و گفت حجاب شما مشکل دارد گفتیم این حجاب چیست که من ندارم یا مشکل دارم آنهم مشکلی که مانع ورود من به سالن شده است. پسر جوانی که با ماموران بود و یک دوربین هم داشت در مقام یک کارشناس زبده و تیز بین جلو آمد و گفت جوراب ساپورت غیر قانونی است. از شنیدن کلمه قانون هم خنده‌ام گرفت و هم گریه‌ام. گفتم برادر من این جورابی که من پوشیدم و نمی‌دانم اسمش چیست و ماشاالله شما واردتری، ضخیم‌ترین جوراب موجود در جهان و بازار ایران است. خوب مشکل چیست؟ گفت من نمی‌دانم غیر قانونی است. گفتم ببخشید این قانون کجا وضع شد و چگونه به مردم اطلاع دادید که امروز با ما این برخورد را می‌کنید. ایشان به همراه سایر مردان تاکید کردند که قانون است و اعلام هم شده. خانم فخر السادات محتشمی‌پور را دیدم که به سمت ما می‌آیند. از ماموران سوال کرد چه مشکلی پیش آمده و چرا مهمان‌های این مراسم را اذیت می‌کنند.

دنیاه مطلب در صفحه ۵۲

هنرستان موسیقی نژاد



کلاس‌های خصوصی و گروهی آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ سال و به بالا شما نیز می‌توانید به گروه‌های موسیقی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان در هنرستان موسیقی نژاد بپیوندید.

msnejad@aol.com

(۴۰۸) ۵۵۹-۷۸۶۴

Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

پول ندارند، ترک تحصیل می کنند

هزینه‌های تحصیل بالاست، ترک تحصیل می‌کنند. این فاصله وضعیت آموزشی فرزندان بعضی کارگران ایرانی است؛ کارگرانی که در چهار سال گذشته آنقدر طعم افزایش و افزایش نیافتن حقوقشان را پیشیده‌اند که مالا آموزش فرزندان‌شان جای کمی را در سبد هزینه‌هایشان گرفته است.

تحصیل و نوشت‌افزار فرزندان‌شان نیستند. این اولین بار نیست که در یک سال گذشته مسئولان مختلف درباره وضعیت بد آموزشی فرزندان کارگران هشدار می‌دهند. همین چندوقت پیش، این ایرج عبدی، نماینده

بهار: حالا چندسالی می‌شود که فعالان کارگری درباره وضعیت آموزشی دانش‌آموزانی که سرپرست کارگر دارند، هشدار می‌دهند؛ سرپرستانی که فرق نمی‌کند زن باشند یا مرد، اما به‌رحال هزینه‌های زندگی روزهای خوششان را از شان گرفته است. آخرین هشدار را دو روز پیش رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور داد: «در شرایطی که کارگران قرارداد موقت با وجود داشتن شغل از تامین هزینه‌های تحصیلی فرزندانشان ناتوان‌اند، خطر ترک تحصیل فرزندان هزاران کارگر قراردادی و پیمانی که ظرف یک سال اخیر در نقاط مختلف کشور بیکار شده‌اند، وجود دارد.»

فتح‌الله بیات به «ایلنا» گفته است که به دلیل طولانی شدن بحران اقتصادی در بخش تولید، بسیاری از کارگرانی که در نقاط مختلف کشور ماهها حقوق دریافت نکرده‌اند ممکن است با هر سختی بتوانند مخارج روزمره‌شان را تامین کنند، اما قادر به پرداخت هزینه‌های

شدن این اساسنامه از سال تحصیلی جدید هنوز معلوم نیست، دوباره موج نگرانی‌ها برای ترک تحصیل فرزندان کارگران در سال تحصیلی جدید راه افتاده است؛ نگرانی‌هایی که مرکز آمار ایران هم صحت آن‌ها را تایید می‌کنند. جعفر عظیم‌زاده، عضو هیات‌مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در گفت‌وگو با «بهار» می‌گوید که وضعیت بد آموزشی فرزندان کارگران قراردادی و پیمانی مساله جدیدی نیست: «فرزندان این کارگران سال‌هاست که این مشکل را دارند؛ کارگرانی که در مناطق آزاد مانند ماهشهر و غیره کار می‌کنند وضعیت‌شان از این هم بدتر است چون تحت پوشش قوانین کار نیستند و وضعیت مالی‌شان از بقیه کارگران هم بدتر است.» او می‌گوید کارگران شرکت‌های پیمانکاری جزو محروم‌ترین کارگران‌اند و در سال‌های گذشته دچار مشکلات زیادی شده‌اند: «هزاران کارگر که در شهرهایی مانند تهران و اصفهان زندگی می‌کنند دریافتی‌شان از ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار تومان بیشتر نیست و برای تامین هزینه‌های درمان و آموزش فرزندان‌شان مشکل دارند.»

بعد از این اعلام نگرانی‌ها بود که امیرقاسم معینی، وزیر کار دولت دهم مرداد گذشته این قول را داد که از سال تحصیلی آینده هزاران نفر از فرزندان کارگران از هزینه تحصیلی و کمک‌هزینه تحصیلی استفاده خواهند کرد. او این قول را برای اجرایی شدن در دولت یازدهم بعد از آن داد که چندروز قبلش مجلس اساسنامه صندوق تامین آموزش فرزندان کارگران را تصویب کرده بود. در این اساسنامه وظایف صندوق و نحوه



در صورتی که فرزندان کارگران بیمه شده ضمن ادامه تحصیل در دوره‌های پنج‌ساله ابتدایی و سه‌ساله راهنمایی تحصیلی هوش و استعدادشان از طریق آزمایش‌های مربوط تایید شود، از تسهیلات لازم برخوردار می‌شوند و وضع تحصیلی و زندگی خانوادگی آنان تحت مراقبت مخصوص قرار خواهد گرفت. حالا و در حالی که اجرایی

کارگران متاسف و درباره آن نگران است: «ادامه روند ترک تحصیل فرزندان خانواده کارگری، از رشد اجتماعی و ارتقای سطح زندگی آن‌ها جلوگیری می‌کند و این در شرایطی است که باید با استفاده از روش‌های مختلف به گونه‌ای عمل کرد که این خانواده‌ها از حداقل‌های لازم برای زندگی و آموزش فرزندان‌شان برخوردار باشند.»

دنیاله مطلب در صفحه ۲۷

CROWN FURNITURE

Your Comfort is Our Business

کالری مبل کران فرنیچر جدیدترین و بهترین مدلهای روز را با بهترین کیفیت و قیمت در اختیار مشتریان عزیز قرار می‌دهد.

Living Room ♦ Dining Room ♦ Bedroom ♦ Mattresses ♦ Kids Room ♦ Office ♦ Home Entertainment ♦ Accessories ♦ French Provincials ♦ Designer Furnishings



Table & 4 Chairs
\$299.99



Queen Bed, Nightstands,
Dresser & Mirror \$799.99



Queen Bed Set W/Nightstand,
Dresser and Mirror \$599.99



2 Piece Ashley Sectional
W/Chaise \$699.99

We offer a large variety of styles and types of furniture for every room. We also offer options to order from a catalog if you can't find what you are looking for.

www.crownfurnitureoutletsj.com

(408) 224-2486

2921 Monterey Hwy. San Jose CA 95111

- ♦ Layaway
- ♦ Fast Delivery All Over Bay Area
- ♦ Order Through Catalog
- ♦ No Credit Check Financing
- ♦ Custom Made Furniture

Summer Special
Up to 70% Off
on selected items

این هدف بعنوان یک هدف راهبردی به معنای تحقق سریع آن نیست. فراموش نکنیم رتبه کشور ما در کسب و کار اقتصادی ۱۴۵ است و این به معناست که ایجاد بنگاههای جدید اقتصادی به راحتی ممکن نیست. کارنامه دولت قبلی در زمینه ایجاد اشتغال عبرت آموز است. علیرغم پرداخت هزینه های هنگفت و اجرای پروژه هایی مانند طرحهای زودبازده، پارکهای فن آوری و مسکن مهر و غیره نتوانست بیش از ۱۴ هزار شغل در سال ایجاد نماید. در پیگیری طرحهای انبساطی دولت جدید بهتر است از این تجربه ها درس بگیرند و در زمینه هایی فعالیت کنند که برای نیروی کار بومی ایرانی و گروه های آسیب پذیر اجتماعی ایجاد اشتغال خواهد کرد. و البته باید با دقت فراوان برای افکار عمومی توضیح داد که بازدهی طرحهای بنیادی به زمان احتیاج دارد. اشتغال را فقط با خرج کردن درآمد نفت نمی توان افزایش داد.

تجربه سایر کشورها به ما می آموزند که کاهش نرخ بیکاری تنها بعد از یک دوره رشد اقتصادی مثبت و قوی در کنار اصلاح ساختار اشتغال در کشور ممکن خواهد بود.

جویندگان کار شده است. برای کاهش بیکاری و افزایش اشتغال تنها نرخ رشد اقتصادی مثبت کافی نیست. تجربه سایر اقتصادها، مانند اقتصاد هند نیز نشان می دهد که برای ایجاد اشتغال تنها نرخ رشد اقتصادی مثبت کافی نیست. با وجود آنکه حجم فعالیتهای اقتصادی هند به سرعت افزایش پیدا کرده است در فاصله سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ تنها ۳ میلیون شغل در این کشور ایجاد شده است. فراموش نکنیم در کشور هند سالانه ۱۲ میلیون نفر به نیروی کار اضافه می شوند. افزایش نرخ رشد اقتصادی این کشور باعث ایجاد ساختار جدیدی برای اشتغال در این کشور نشده است. نکته ای که برنامه ریزان داخلی باید در طراحی سیاستهای ایجاد اشتغال بخاطر داشته باشند.

در شرایط فعلی بنظر می رسد اولین اثر نرخ منفی رشد اقتصادی در کشور افزایش قابل توجه نرخ بیکاری در کشور می باشد، که با ادامه داشتن انقباض اقتصادی بیشتر افزایش پیدا خواهد کرد. با توجه به اثرات اقتصادی و اجتماعی بیکاری و هزینه های که این تبعات برای جامعه خواهند داشت طبیعیت است که اشتغال زایی را یک اولویت استراتژیک دولت بدانیم. اما حتی تعیین



اقتصاد ایران

دکتر علی دادپی

www.adadpay.com

فعلی در این است که علاوه بر آنکه وارث اقتصادی بحران زده است، باید با تبعات نرخ رشد منفی اقتصاد هم دست و پنجه نرم کند. در هیچ زمینه اقتصادی دیگری این چالشها به جدیت چالشهای دولت در اشتغال زایی نخواهند بود. خطر اصلی در این است که حتی مثبت شدن نرخ رشد اقتصادی باعث ایجاد اشتغال به میزانی که کاهش بیکاری را بدنبال داشته باشد، نگردد. یعنی حتی اگر ۲۲ میلیارد دلار برای هزینه کردن داشته باشیم نمی توانیم مطمئن باشیم که اشتغال در جامعه افزایش پیدا می کند.

واقعیت اینجاست که اشتغال و توانایی اقتصاد در ایجاد مشاغل اولین قربانیان رشد منفی اقتصادی هستند. از آنجایی که رشد جمعیتی جوامع معمولاً مثبت است هر اقتصادی باید تعداد معینی از مشاغل را بطور متوسط در سال ایجاد نماید تا نرخ بیکاری در جامعه ثابت بماند. زمانیکه که انقباض اقتصادی آغاز می شود توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد مشاغل کاهش می یابد و در نتیجه بیکاری در جامعه افزایش می یابد. در شرایط فعلی کشور اولین اثر این رشد منفی را می توان در افزایش تعداد بیکاران و تعداد جویندگان کار دلسرد شده مشاهده کرد. نگاهی به تجربه آمریکا در بحران مالی اخیر و رابطه نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در اقتصاد این کشور نشان می دهد که برای حفظ نرخ بیکاری اقتصاد آمریکا باید حداقل سالانه دو درصد رشد کند.

با شروع بحران اقتصادی در پاییز ۲۰۰۸ اقتصاد آمریکا نرخ رشدی معادل ۸ درصد را تجربه کرد، که باعث افزایش شدید و ناگهانی بیکاری در این کشور شد. با وجود آنکه روند رشد و بازایی توان اقتصادی در این کشور شروع شد اما هنوز نرخ بیکاری به سطح پیش از بحران بازنگشته است. رشد اقتصادی آهسته این کشور باعث شده است تا ایجاد مشاغل روند کندی داشته باشد که بنظر بسیاری باعث دلسردی

اقتصاد ایران در شرایط ویژه ای قرار دارد. گزاره ایست که خیلی ها برای توصیف شرایط اقتصادی ایران امروز از آن استفاده می کنند. نرخ رشد اقتصاد منفی ۵،۴ درصد و تورمی که از ۴۰ درصد گذشته است گروه جدیدی از چالشها را وارد اقتصاد ایران کرده است. خودمان را گول نزنیم ما در شرایط رکود اقتصادی به سر می بریم.



میانگین رشد هشت سال گذشته از هشت سال مشابهشان پایین تر بوده است و برای هر یک درصد رشد اقتصادی بطور متوسط پنج برابر بیشتر از گذشته هزینه کرده ایم. در این شرایط روی آوردن به سیاستهای انبساطی تنها راه حل ممکن است ولی وقتی برای هر یک درصد رشد اقتصادی باید ۲۲ میلیارد دلار هزینه کرد بنظر می رسد اجرایی کردن سیاستهای انبساطی تنها در صورتی موفق خواهند بود که انضباط مالی به روند تنظیم و هزینه منابع دولتی بازگردد.

دولت کار دشواری را در پیش روی دارد. از یک طرف باید با تورم لجام گسیخته بچنگد و از سوی دیگر به ایجاد اشتغال بپردازد. تورم و اشتغال دو شاخصی هستند که مردم کوچه و بازار آنها را با گوشت و پوست خود احساس می کنند. لازم نیست برای آنها درباره علل تورم و یا متوسط زمان جستجو برای پیدا کردن کار صحبت کنیم، آنها خوب می دانند افزایش قیمتها و افزایش بیکاری یعنی چه، چرا که هزینه های این دو رویداد در درجه اول متوجه ایشان است.

در نتیجه دغدغه دولتهایی که خود را منتخب مردم می دانند پایین نگه داشتن نرخ تورم و بیکاریست. چالش دولت

حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh

Real Estate Broker & Finance Advisor

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

A Brand New Luxury Custom Home in Willow Glen!
Offered at \$1,929,000



5 bedrooms & 4 1/2 baths. Over 3,262 sf. of elegant designs on 9,230 sf. of lot with large back yard & pool. Lots of extras.



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreisi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008

همه چیز در مورد شب هالووین

تاریخ این روز به بیش از ۲۰۰۰ سال گذشته بازمیگردد و آغاز آن در واقع بسیار جدی بوده است. شب ۳۱ اکتبر که به هالووین (Halloween ترکیب دو کلمه Hallow مقدس و E'en که همان Evening به لهجه ایرلندی است، به معنای سر شب) شهرت دارد، ریشه در (رسوم) سلطنت (ساکنان اولیه بریتانیا) دارد و آداب آن بیشتر از ایرلند و اسکاتلند آمده است.

این شب در اصل از جشنی مذهبی پایه گرفته است که از قرن نهم بعد از میلاد مرسوم بوده و «روز تمام مقدسین» یا All Hallows Day نام داشته است. مسیحیان در این روز که مطابق با اول نوامبر است، به افتخار تمام قدسین جشنی برپا میکنند که امروز به نام All Saints Day شهرت دارد و هالووین، شب قبل این جشن است.

از مراسم هالووین در یک مهد کودک اما رسوم این شب، تاریخچه ای بسیار دورتر دارد و به یکی از تعطیلات سلنتیک برمیگردد. بیش از ۲۰۰۰ سال پیش، راهبان سلت که Druid نامیده میشدند، جشنواره ای را پایه گذاری کردند که سمهین (Samhain) نام داشت و اعتقاد داشتند که در این شب دروازه بین دو دنیا گشوده میشود و خدای جهان مردگان همراه با ارواح، اجنه و دیوها به روی زمین می آید. مردم سلت در این شب لباسهایی از پوست

لباس مبدل هم، از پوشیدن پوست حیوانات به لباسهایی مانند جادوگران، هیولاها، شخصیتهای مشهور و هر چه تصور کنید، درآمده است. از طرفی، علاوه بر تاثیر این مراسم، جشنواره روز برداشت محصول رومیان نیز، که از قرن اول میلادی آغاز شد، به خصوص جشنی که در ستایش پومونا (Pomona) الهه میوه جات بوده است، بر جشن هالووین تاثیر فراوانی گذاشته است. گرفتن سیب از آب و دویدن در هزارتوهای مزارع ذرت و البته استفاده



های مختلفی که از کدو میشود، همه نشانی از جشن رومیان دارند که در طی آن برداشت محصولی خوب را جشن میگرفتند. فروشنده مغازه خود را شبیه به جادوگر در آورده به کودکان هدیه می دهد.

trick-or-treat یا همان قاشق زنی! یکی از آداب بسیار رایج در هالووین

trick-or-treat نام دارد و بسیار شبیه به قاشق زنی خودمان است، به این ترتیب که افراد- به خصوص کودکان - در گروه هایی کوچک به در خانه ها رفته و میگویند «trick-or-treat به این معنی که: چیزی بده تا اذیت نکنیم» و صاحبخانه که به همین مناسبت خوراکی هایی تهیه کرده، چیزهایی در سبد آنها میگذارد. این رسم در واقع بازسازی اتفاقی است که در دوران گذشته و در روز «تمام مقدسین» روی میداد و در طی آن فقرا به درب منزل ثروتمندان میرفتند و از آنها پول یا غذا میگرفتند و اگر کسی از کمک به آنها سرباز میزد، ارواح خبیث به سراغش می آمدند و خانه اش را ویران میکردند.

حمایت یونیسف

سال جاری، ۵۳مین سال ورود رسم trick-or-treat به سازمان یونیسف UNICEF (سازمان حمایت از مادران و کودکان) است. به این ترتیب که از سال ۱۹۵۰ تا کنون، همه ساله گروهی از جوانان در فیلادلفیا، با جعبه های تزئین شده به در خانه ها میروند تا کمکهای مالی مردم را جمع آوری کرده و برای یونیسف ارسال کنند. دنباله مطلب در صفحه ۵۵



دفتر حقوقی رامین مظفر

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

Ramin Mozaffar

Attorney at Law

Knowledgeable & Experienced

- ♦ Family Law
- ♦ Business Law
- ♦ Criminal Law
- ♦ Immigration Law



- ♦ امور خانواده
- ♦ امور تجاری
- ♦ امور جنائی
- ♦ امور مهاجرت

Law offices of Ramin Mozaffar

www.itlaws.com ♦ advocate@itlaws.com

San Jose سن جوزه (408)288-8488	San Francisco سانفرانسیسکو (415)218-8141	San Mateo سن متئو (650)347-5800
---	---	--

5201 Great American Parkway, Suite 320, Santa Clara, CA 95054



Fataneh Hooshdaran, D.C.

دکتر فتانه هوشداران

کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

- ♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن ♦ دردهای کمر ♦ دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

Serving: San Jose & Santa Clara اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

(408)712-3788 1610 Blossom Hill Rd., Suite #1 San Jose, CA 95124	(408)244-7677 2797 Park Ave., Suite #103 Santa Clara, CA 95050
---	---

آیا او با برگ های برنده بازی می کند و روزهای سخت را دیده است و می داند بسیاری از این رهبران در یک و گردیسی تازه چهره عوض می کنند؟ آیا او شخصیت های دوروی جرج اورول در کتاب قلعه حیوانات را به خوبی می شناسد؟ بدون شک شناخت آدم ها به بلوغ و تجربه نیاز دارد. تنها آزمون های بزرگ مرد را آبدیده می کند. حضور در باشگاه های اسپورمیتک پرتغال، منجستر یونایتد انگلیس، رئال مادرید اسپانیا، تیم ملی پرتغال و... او می گوید، این مدیران باید به فکر حل مشکلات تیم هایشان باشند. چک های برگشت خورده بازیکنان یا حداقل فضای بهتری را برای تماشاگرانشان ایجاد کنند. سکوها و صندلی ها و سرویس های بهداشتی راتیمز کنند چرا همه دوست دارند از مسائل فنی صحبت کنند؟ برآستی چرا؟ این آقایان در فدراسیون فوتبال نیاز به گرفتن یک حمام بسیار گرم دارند تا چرک های پی در پی که روی پوست آنها گره بسته است شسته شوند و خون در بدن آنها به جریان بیفتد. او می گوید شما تیم ندارید، دژاگه بهترین بازیکن شما مصدوم است و در میان هیجده بازیکن جانی ندارد، فوجان نژاد که حالا برای مردم ایران بت شده است کجاست؟ شجاعی در بازار نقل و انتقالات به دسته دوم رفته است.

دنباله مطلب در صفحه ۰۴

شما احترام می گذارم نه به مارک ساعت یا کت و شلوار شما. او می داند باید بدنبال راه حل مناسب برای خروج از این بن بست با خیلی ها بچنگند حتی با شیخ قطر که رئیس AFC است و کی روش می گوید شیخ دوست دارد همه جلوی چشم شوند و به او احترام بگذارند و او هم حتی چیزی نمی داند، آیا او حقیقت را طور دیگری می بیند و در پی کشف آن است. آیا او به معنویت ارج می نهد؟ آیا او می داند حرف حق را همواره باید زد و از پیامدهای آن نهراسید؟! آیا او می داند جام جهانی یک جنگ است و نمی خواهد در این جنگ کشته شود؟! او می خواهد طرف مقابل را مغلوب کند، اما هیچ تضمینی نیست که در این راه کشته نشود و یا حتی زخمی و مجروح نگردد. آیا او به سیم آخر زده است، یا می خواهد دردهای ناشناخته شناخته شوند؟ می گویند یک روز در یکی از کلاس های آموزشی فدراسیون فوتبال نشستیم و گفته بمن ربطی ندارد، در این کلاس ها به شاگردان یا مربیان جوان همه چیز آموخته شود. اما در حقیقت چیزی آموخته نمی شود. او به خوبی می داند هزینه استخدام مربیان خارجی چه ارزش و کارائی دار است. در طی این سالها چه پول هائی که به هدر رفته است. باید گفت تاریخ دروغ و بی فریب چاره ای جزء قبول آدم های حقیقی ندارد.

ورزش از نگاه من

دکتر احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



درب اطاقش را از پشت بسته است و آقای نبی خودش را مثل همیشه به کوچه علی چپ زده است. او می گوید تاج کیست از کجا آمده است و چرا در کار من دخالت می کند! او می گوید حال و روزی که امروز داریم شرم آور است. او همه را زیر سؤال می برد به غیرمقام معظم را.

او که بسیار خسته بنظر می رسد می گوید من زیاد نگران این نیستم که چه کسی خواب صندلی ام را می بیند، این نگران کننده نیست، هر کدام از این مربیان لیگی می توانند دوست داشته باشند جای من باشند، من اصلا مشکلی ندارم قلعه نوعی یا دائی یا هر مربی دیگری همین الان بجای من مشغول بکار شود، او می گوید در این چند روزه اتفاقاتی افتاده که حتما مردم باید بدانند این آقایان، تاج، فتح الله زاده، رویائیان، رحیمی طوری حرف می زنند که انگار آدم بد فوتبال من هستم، آنها مدام می گویند مربی تیم ملی می خواهد لیگ را تعطیل کند، انگار هر مشکلی در فوتبال است زیر سر من است.

او بخوبی می داند بازی فوتبال از همه بزرگتر است حتی از جناب کی روش، او حالا می گوید من می دانم ریشه مسائل شما از کجا سرچشمه می گیرد و من ایوبچ نیستم که دورم بریزند. او خسته است و می گوید نگاهی به سایت تیم های ملی کشورها ببینید تا ببینید دیگران با چه تیم هائی بازی می کنند و ما با کی. ژاپنی ها با برزیل و فرانسه بازی می کنند و ما با کویت و تایلند، می گوید من خیلی شفاف می گویم، من زلال و پاک به فوتبال ایران آمدم و دوست دارم همین طور هم ایران را ترک کنم چون مشکل اصلی فوتبال من نیست، من حاضرم با همه مشکلات موجود کنار بیایم، بدون بازیکن عدم حمایت مالی، بدون حقوق و بدون بازی تدارکاتی کار می کنم اما هیچ وقت حاضر نیستم جلوی فوتبال ایران بایستم. من یک مربی حرفه ای هستم و در قرارداد چیزی از لیگ شما ننوشته شده است. من صادقانه به کفایشان می گویم اگر مشکل منم من این پست را نمی خواهم، چرا آقای تاج می گوید من در برابر فوتبال ایران ایستاده ام. پولم را به من بدهید و بگذارید به خانه ام بروم.

او غیرمستقیم می گوید، این آدم ها کاره ای نیستند و اگر کت و شلوارشان را از آنها بگیرند، ادعای پرواز آنها بی معنی است. او غیر مستقیم می گوید، من به محتوی فکری

در روزهایی که گذشت دو اردوی تیم ملی منحل شد، و تنور اندیشه های رنگ باخته آقای کارلوس کیروش را داغ کرد.

به گفته صادق هدایت در بوف کور که گفته است این روزها برای سایه ام که روی دیوار افتاده است حرف می زنم، او فریاد می زند، سوء تفاهم تاریخی را فراموش کنید، اگر می خواهید به جام جهانی بروید، من بلندگوی پوچی نیستم، اگر من پزشکم، بیماری را این گونه تشخیص می دهم «فوتبال شما بیمار است» و آدم های کله پوک و کله تخم مرغی شما از همه بیمارتر. حالا در فوتبالی که نیست او گردن فرازی می کند. و تنها از تماشاگران یعنی مشتریان صادقی که در گرما و سرما به تماشای بازی های تیم ملی نشستند و با هزار مصیبت بلیط خریده اند، کتک خورده اند، فحش شنیده اید، گریسته اند و کشته داده اند تشکر می کند.

او روی اسب های مرده شرط بندی نمی کند و می گوید حالا بعد از سی ماه آنقدر از شما و کشورتان شناخت دارم که با اطمینان حرف هایم را بزنم. او شمشیر را از رو بسته است و همه را به چالش می خواند، او در حالیکه لبریز از زندگی است، دندان های تیزش را نشان می دهد، او می داند در جام جهانی روزهای باشکوهی در راه نیست. در خبرهای انگلیسی آمده است ایران بیشتر به خاطر مسائل هسته ای در رسانه های جهانی مطرح است تا موفقیت تیم ملی فوتبالش. بهرحال آنها یکی از تیم های انتخابی برای جام جهانی ۲۰۱۴ هستند، اما هرگز نتوانسته اند در جام جهانی از گروه خود صعود کنند. مهم ترین نتیجه آنها در جام جهانی پیروزی دو بر یک در برابر آمریکا در سال ۱۹۹۸ بوده است. آن بازی تنها پیروزی ایران در تاریخ جام جهانی محسوب می شود. ایرانی ها امیدوارند در جام جهانی ۲۰۱۴ این رکورد را بهبود ببخشند اما روند ناامید کننده ایران پس صعود باعث شده است خیلی از هواداران فوتبال دوست نگران تیم ملی کشورشان باشند، این خبر را یکی از سایت های معتبر فوتبال انگلیس منتشر کرده است. و آقای کی روش بهتر از همه می داند که شانس نیست. آیا او می خواهد برای رسیدن به هدفش از هر وسیله ای استفاده کند و فریادش را به گوش مسئولان به خواب رفته فروکند! او که نشان داد شکارگر فرصت ها است نمی خواهد تیمش در جام جهانی گل حسرت را به ارمغان بیاورد. در حالیکه او فریاد می زند آقای کفایشان

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi
Experienced & Professional
Real Estate Consultant & Developer

منطقه
منطقه
منطقه

خرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

آستین نو، بخور پلو

روزی ملا نصرالدین به یک مهمانی رفت و لباس کهنه ای به تن داشت. صاحبخانه با داد و فریاد او را از خانه بیرون کرد. او به منزل رفت و از همسایه خود، لباسی گرانبها به امانت گرفت و آنرا به تن کرد و دوباره به همان میهمانی رفت. اینبار صاحبخانه با روی خوش جلو آمد و به او خوش آمد گفت و او را در محلی خوب نشاند و برایش سفره ای از غذاهای رنگین پهن کرد. ملا از این رفتار خنده اش گرفت و پیش خود فکر کرد که این همه احترام بابت لباس نوی اوست. آستین لباسش را کشید و گفت: آستین نو بخور پلو، آستین نو بخور پلو. صاحبخانه که از این رفتار تعجب کرده بود از ملا پرسید که چکار می کنی. ملا گفت: من همانی هستم که با لباسی کهنه به میهمانی تو آمدم و تو مرا راه ندادی و حال که لباسی نو به تن کرده ام اینقدر احترام می گذاری. پس این احترام بابت لباس من است نه بخاطر من. پس آستین نو بخور پلو، آستین نو بخور پلو.

زد که زد، خوب کرد که زد

هر وقت روستایی ساده دلی بنشیند و «خیال پلو» بپزد و آرزوهای دور و دراز بیافد حاضران این مثل را می زنند. می گویند یک روز زنی که شغلش ماست فروشی بود، ظرف ماستش را رو سرش گذاشته بود و برای فروختن به شهر می برد. در راه با خودش فکر کرد که «ماست را می فروشم و از قیمت آن چند تا تخم مرغ میخرم. تخم مرغ ها را زیر مرغ همسایه میذارم تا جوجه بشه. جوجه ها که مرغ شدند می فروشم و

از قیمت آن گوسفند می خرم. کم کم گوسفندهام زیاد میشه، یک روز میان چوپون من و چوپون کدخدا زد و خورد میشه کدخدا مرا میخواد و از من میپرسه: چرا چوپون تو چوپون مرا زده؟ منم میگم: زد که زد خوب کرد که زد!» زن که در عالم خیال بود همینطور که گفت: «زد که زد خوب کرد که زد» سرش را تکان داد و ظرف ماستی از رو سرش به زمین افتاد و ماست ها پخش زمین شد.

نگاهی به ضرب المثل های فارسی

- **آب به سوراخ مورچه ریفتند:** در عده ای نگرانی ناگهانی و ولوله ایجاد کردند.
- **آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم:** مقصود و مراد در کنار ماست و از آن بی خبر هستیم.
- **آب زیر پوستش رفته:** چاق و سر حال شده.
- **بادنمان دور قاب پین:** چاپلوس و متملق.
- **بر یغ نهشتن:** کار بیهوده کردن.
- **بزک نمیر بهار میاد، کمپزه با فیاز میاد:** وفای این وعده بسیار دور است.
- **پشم هایش آلبالو گیلان می پیند:** در اثر بی خوابی، اشیا را درهم و تار می بیند.
- **منایش رنگی ندارد:** بر گفته ها و وعده های او حساب نمی توان کرد.
- **فرغ که از کیسه مهمان بود، ماتم طایب شدن آسان بود:** عطا و بخشش از مال دیگران سهل است..
- **در فانه ات را ببند، همسایه ات را دزد نکن:** مالت را حفظ کن تا گمان دزدی به کس نبوی.
- **ده مرده ملاح است:** بسیار زیرک و کاری است.
- **ستاره سهیل است:** زود به زود نمی توان او را دید، غیبی او طولانی است.
- **دستم بی نمک است:** به هر که نیکی می کنم، در حق من بدی می کند.
- **دنیا ممل گذر است:** باید بدی کنندگان و دشمنان را بخشود.
- **دیوار حاشا بلند است:** انکار کردن سهل است.
- **زیره به کرمان بردن:** کار عبث و بیهوده کردن.
- **سرش از فودش نیست:** جوانمرد و بخشنده است.
- **سنگ مفت، گنیشک مفت:** کاری است که دستمایه نمی خواهد، شاید نتیجه هم بدهد.
- **شمشیرش به ابر می رسد:** مقتدر و تواناست.
- **قباله کهنه میای بودن:** از ابتدای کار به همه چیز آن آگاه بودن.
- **قربان بند کیفیتم تا پول داری رفیقتم:** وصف حال افرادی است که رفاقتشان به مال و ثروت بسته است.



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴(۴۰۸)

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



👉 کارت سبز، تابعیت، ویزای نامزدی

👉 امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

👉 ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

👉 تشکیل شرکت ها

👉 تعویض نام

اخذ پروانه انتقال پول
از ایران به آمریکا

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

آکادمی اسکار از آنجلینا جولی تقدیر می کند

آنجلینا جولی در پنجمین دوره جوایز سالانه هیئت رئیسه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی جایزه انساندوستانه جین هرشولت را دریافت خواهد کرد.

نمی اندازد، «سه آمیگو»، «راکسان»، «داستان لس آنجلس»، دو فیلم «پلنگ صورتی» و «دختر فروشنده» است.



پیرو توسطی با لوکینو ویسکونتی در فیلمهایی چون «شبهای سفید» و «روکو و برادرانش» همکاری کرد و برای طراحی لباس فیلمهای «یوزپلنگ»، «مرگ در ونیز» و «لودویگ» به کارگردانی ویسکونتی نامزد اسکار شد. او برای فیلمهای «La Cage aux Folles» و «La Traviata» هم نامزد اسکار بوده است.

دنباله مطلب در صفحه 17

که با فیلمهای اروپایی شان بسیار توفیر داشته است. داستان کهنه است، فضا بجز صحنه های باز بیابان که از فیلمبرداری چشمگیری برخوردار است، به هیچ وجه با تماشاچی رابطه برقرار نمی کند و از این شاخه به آن شاخه در حال پرش است تا به انتها برسد.

«بوشارب» حتی با عمق شخصیت قهرمانان زن فیلمش که آنها را خلق کرده نا آشناست و این عدم شناخت نمی تواند نقبی به درون احساسات زنانه شخصیت های فیلمش بزند. فیلمسازان اروپایی باید فراموش کنند که می توانند یک داستان حتی فیلم شده را به سبک و سیاق فیلمسازان آمریکایی بسازند. لا اقل تاکنون چنین نبوده است.

متاسفانه گرچه «گلشیفته فراهانی» بعد از ترک ایران چند فیلم پرسروصدا بازی کرده «Body of Lies. There be Dragons»، سنگ صبور، اما در هر فیلم، نقش یک زن شرقی را ایفا کرده است. امید که این محدودیت نقش به خاطر چهره شرقی او، وی را از بازی در نقش های دیگر باز ندارد.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، هیئت رئیسه آکادمی اعلام کرد که استیو مارتین، آنجلا لئزبری بازیگران و پیرو توسی طراح لباس در پنجمین دوره جوایز سالانه هیئت رئیسه، جوایز اسکار افتخاری دریافت می کنند و جایزه انساندوستانه جین هرشولت به آنجلینا جولی بازیگر و کارگردان اعطاء می شود.

آنجلا لئزبری برای بازی در فیلم «چراغ گاز» (۱۹۴۴) که اولین تجربه بازیگری او در سینما بود نامزد جایزه اسکار شد و بعداً دو بار دیگر برای فیلمهای «تصویر دوریان گری» (۱۹۴۵) و «کاندیدای منچوری» (۱۹۶۲) در بخش بهترین بازیگر زن مکمل بخت دریافت جایزه اسکار را داشت.

استیو مارتین که سه بار مجری مراسم اسکار بوده، فیلمنامه نویس و ستاره فیلم کوتاه نامزد اسکار «پیشخدمت گیج» (۱۹۷۷) است.

او همچنین نویسنده و بازیگر فیلمهایی چون «بی شعور»، «مرد مرده شال

داستان تکراری، فیلم را از گیرایی می اندازد و در هیچ زمینه یی، این فیلم جاده یی، تماشاچی را به خود جلب نمی کند.

«گلشیفته فراهانی» گرچه هنرپیشه خوبیست، اما اینجا به خاطر ضعف کارگردان که فیلمنامه را با دونفر دیگر نوشته، نمی تواند درخشش چندانی داشته باشد. علت آن یا به خاطر ناآشنایی با فرهنگ غرب (آمریکا) است توسط فیلمساز، یا به علت عدم کفایت در پرداخت سینمایی که نتوانسته این فیلم ضعیف را تاحدی جذاب از کار در بیاورد. «رشید بوشارب» کارش را از تلویزیون شروع کرد و بعد با ساختن چند فیلم کوتاه به سینما روی آورد و رویهم رفته کارنامه قابل توجهی دارد.

اما با فیلم «مثل یک زن» به دشواری می تواند ایده یی را که یک بار فیلم شده دوباره سازی کند که شاید علت اصلی ساختن فیلم در محیط آمریکا باشد چرا که فیلمسازان اروپایی همواره به علت ناآشنایی با فضا و فرهنگ این کشور، سرخورده، آثار پیش پا افتاده یی ساخته اند

فیلم و سینما

نقد فیلم: سعید شفا



گلشیفته فراهانی، مثل یک زن!

عربی ست در شیکاگو که بچه دار نمی شود (فراهانی) و با شوهر و مادر شوهرش در مغازه آنها کار و در خانه با هم زندگی می کنند. مادر شوهر خشن است و احترامی برای عروس خود قابل نیست. لیز یکی از

مشرتی های مغازه (میلر) که زنیست که با شوهر لایبالی خود گرفتاری دارد و می خواهد در یک مسابقه رقص عربی در لاس وگاس شرکت کند این دو زن را در برابر



هم قرار می دهد و هر دو برای فرار از گرفتاری های شخصی و خانوادگی، نظیر قهرمانان فیلم «تلماولوئیز»، بی هدف جاده ها و شهرها را پشت سر می گذارند.

در «تلما و لوئیز» تلمای زنی خانه دار است که تحت کنترل شدید شوهرش است. لوئیز، پیشخدمت رستورانی است که از نظر روانی از تلما قویتر است. ایندو به قصد فرار از مشکلات داخلی شان راهی جاده ها می شوند و در سر راه با مسایل و اتفاقات

میان فیلمسازان آمریکایی و اروپایی یک رقابت خفته هست که هر از چندگاه با ساختن فیلمی که قبلاً ساخته شده آن را دوباره سازی می کنند. مثل: «سه مرد و یک کودک»، «هفت سامورای» ساخته

«آکیوا کوروساوا»ی ژاپنی که نسخه آمریکایی آن «هفت دلاور» است که توسط «جان استورجس» کارگردانی شد.

فیلمهایی هم هست که در آمریکا ساخته شده و اروپایی ها تمایل به دوباره سازی آنها داشته اند منجمه فیلم مورد نظر در اینجا به اسم «مثل یک زن» (۲۰۱۲) ساخته «رشیدبوشارب» فیلمساز فرانسوی الجزیره یی تبار که سوژه فیلم معروف «تلما و لوئیز» (۱۹۹۱) ساخته «ریدلی



اسکات» را با شرکت «سوزان سراندن» و «جینا دیویس» دوباره سازی کرده و حتی یک گراند فیلم را هم در آمریکا پیاده کرده که دوچندان پرش برانگیز است چرا که نسخه اصلی موجود

گونگونی درگیری پیدا می کنند. متاسفانه دلیل ساختن فیلم ضعیف و تکراری «مثل یک زن» معلوم نیست. بازی ها ضعیف و کارگردانی سردرگم و

هست دیگر المثنی آن برای چیست؟ در این دوباره سازی، نقش قهرمانان فیلم را «گلشیفته فراهانی» و «سی ینا میلر» بازی می کنند. داستان آن هم درباره زن

ماشین زیر دریایی جیمز باند فروخته شد

ماشین زیر دریایی جیمز باند در فیلم «جاسوسی که دوستم داشت» در مراسمی به قیمت ۵۵۰ هزار پوند فروخته شد.

درباره فروش «لوتوس اسپیریت» گفت: «با توجه به اینکه نمی‌شود در خشکی سوار این ماشین شد، فروش این اتوموبیل نشان می‌دهد که هر محصول مربوط به جیمز باند، ارزش خودش را دارند.» این اتوموبیل سال ۱۹۸۹ نیز در یک

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، این ماشین که «لوتوس اسپیریت» نام دارد با وجود رقابت شدید میان یک زن که در حراجی حضور داشت و خریداری که با تلفن در حراجی شرکت کرده بود، پایین‌تر از قیمت نوشته شده در کتاب راهنمای حراجی به فروش رفت.



حراجی به فروش گذاشته شده بود. «لوتوس اسپیریت» که با نام «وت نلی» هم شناخته می‌شود در حالی به قیمت ۵۵۰ هزار پوند به فروش رفت که سال ۲۰۱۰ اتوموبیل استون مارتین جیمز باند در فیلم «گلدفینگر» به قیمت ۲٫۹ میلیون پوند به فروش رفته بود.

«جاسوسی که دوستم داشت» سومین فیلم راجر مور در نقش جیمز باند بود. فیلم را لوییس گیلبرت کارگردانی کرد و ماجرای دیوانه‌ای است که می‌خواهد دنیا را نابود کند و تمدنی جدید زیر آب برپا کند. جیمز باند برای شکست دادن این دیوانه با یک جاسوس روسی همراه می‌شود.

فیلم با بودجه ۱۴ میلیون دلاری ساخته شده بود و به فروش ۱۸۵ میلیون دلاری رسید.

ادامه مطلب آکادمی اسکار ... از صفحه ۱۶

می‌شد، اما آکادمی از سال ۲۰۰۹ تصمیم گرفت برای این جوایز یک مراسم جداگانه در نظر بگیرد. فرانسیس فورد کوپولا، ژان-لوک گدار، راجر کورمن، لورن باکال و اپرا وینفری از جمله کسانی هستند که هیئت رئیسه آکادمی در چهار سال اخیر از آن‌ها تقدیر کرده است.

پنجمین دوره جوایز سالانه هیئت رئیسه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) در سالن ری دالبی در مرکز هالیوود اند هایلند برگزار می‌شود.

پیروزی‌ها و شکست‌های اکران تابستان سینمای جهان

تابستان امسال در گیشه‌های فروش فیلم‌ها در دنیا یک رکورد جدید ثبت شد و در این بین تعدادی از فیلم‌ها مانند «آیرون من ۳» بسیار موفق ظاهر شدند.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، مجموع فروش جهانی فیلم‌ها از ابتدای فصل تابستان سینمایی تا پایان هفته تعطیلات روز کارگر رقمی حدود ۴٫۷۵ میلیارد دلار بود که در مقایسه با رکورد فروخته‌شده در این مدت حدود ۵۶۷ میلیون بوده که این مورد یک رکورد نیست. از ابتدای سال ۲۰۱۳ تاکنون نیز مجموع فروش فیلم‌ها ۷٫۶۷ میلیارد دلار بود که

از رکورد حاصل‌شده در سال گذشته، بیشتر است. هرچند تعداد بلیت‌های فروخته‌شده در این مقطع ۹۴۰ میلیون است که در مقایسه با موعد مشابه پارسال دو درصد کمتر است. در این بین،



تعدادی از فیلم‌ها در گیشه‌های فروش بسیار موفق ظاهر شدند و تعدادی از فیلم‌ها هم برخلاف انتظار شکست خوردند.

۴٫۴ میلیارد دلاری سال ۲۰۱۱ حدود هشت درصد بیشتر است. برابر با آمار انجمن ملی سینماداران در آمریکای شمالی تعداد بلیت‌های

«مسابقه دشمنی»

با بازی رابرت دنیرو و سیلوستر استالونه

رابرت دنیرو و سیلوستر استالونه در این فیلم نقش دو مشت‌زن بازنشسته را بازی می‌کنند. دنیرو در «مسابقه دشمنی» (Grudge Match) نقش بیل «کید» مکدانن (با بازی می‌کند و استالونه به نقش هنری «ریز» شارب ظاهر شده است. دوران کاری این دو مشت‌زن زمانی چهار هفته می‌شود که ریز سال ۱۹۸۳ درست پیش از سومین مبارزه آن‌ها با هم اعلام بازنشستگی می‌کند.

بازی در نقش چک لاموتا مشت‌زن در فیلم «گاو خشمگین» برنده اسکار شد و استالونه هم بیش از همه برای سری فیلم‌های «راکی» شهرت دارد. استالونه برای «راکی» (۱۹۷۶) که

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین: کوین هارت در فیلم نقش دانتی اسلیت جونیر برگزارکننده مسابقات بوکس را بازی می‌کند که پس از ۳۰ سال این دو مشت‌زن را به رینگ بازمی‌گرداند.

فیلمی درباره راکی بالبوآ یک مشت‌زن فیلادلفیایی است، نامزد اسکار بهترین فیلمنامه شد. «راکی» برنده سه جایزه



اسکار از جمله بهترین فیلم و کارگردان شد و در آن دوره جوایز آکادمی فیلم «راننده تاکسی» با بازی دنیرو را شکست داد. استالونه آخرین بار سال ۲۰۰۶ نقش راکی را بازی کرد.

کیم بسینجر، آلن آرکین و جو برنتال دیگر بازیگران «مسابقه دشمنی» هستند که ۲۵ دسامبر اکران می‌شود. دنیرو و استالونه هر دو پیش از این در نقش مشت‌زن ظاهر شده‌اند. دنیرو برای

نامه آبراهام لینکن به آموزگار پسرش

او باید بداند که همه مردم عادل و صادق نیستند. به پسرم بیاموزید که به ازای هر آدم شیاد، انسانهای درست و صدیق هم وجود دارند. به او بگویید در ازای هر سیاستمدار خودخواه، رهبر باحمیتی نیز وجود دارد. به او بیاموزید که در ازای هر دشمن، دوستی



هست. می دانم که وقت می گیرد، اما به او بیاموزید، اگر با کار و زحمت یک دلار کسب کند، بهتر از این است که پنج دلار از روی زمین پیدا کند. به او بیاموزید که از باختن پند بگیرد و از پیروز شدن لذت ببرد. او را از غبطه خوردن برحذر دارید. به او نقش و تاثیر مهم خندیدن را یادآور شوید. اگر می توانید به او نقش مهم کتاب در زندگی را آموزش دهید. به او بگویید که تعمق کند: به پرندگان در حال پرواز در دل آسمان، به گلها درون باغچه،

به زنبورها که در هوا پرواز می کنند، دقیق شود. به پسرم بیاموزید که در مدرسه بهتر است مردود شود، اما با تقلب به قبولی نرسد. به پسرم یاد دهید که با ملایم ها، ملایم و با گردن کشان، گردن کش باشد. به او بگویید به باورهایش ایمان داشته باشد، حتی اگر همه خلاف او حرف بزنند. به پسرم یاد دهید که همه حرفها را بشنود و سخنی را که به نظرش درست می رسد، انتخاب کند. ارزش های زندگی را به پسرم آموزش دهید، اگر می توانید به پسرم یاد دهید که در اوج اندوه تبسم کند. به او بیاموزید که در آشک ریختن خجالتی وجود ندارد. به او بیاموزید که می تواند برای فکر و شعورش مبلغی تعیین کند، اما قیمت گذاری برای دل بی معناست. به او بگویید تسلیم هیاهو نشود و اگر خود را بر حق می داند، پای سخنش بایستد و با تمام قوا بجنگد. در کار تدریس به پسرم ملایمت بخرج دهید، اما از او یک ناز پرورده نسازید؛ بگذارد که شجاع باشد.

صد رهت لن ترانی ار گویند
بازمی دار دیده بر دیدار
تا به جایی رسی که می نرسد
پای او هام و دیده افکار
بار یابی به محفلی کآنجا
جبرئیل امین ندارد بار
این ره، آن زاد راه و آن منزل
مرد راهی اگر، بیا و بیار
ور نه ای مرد راه چون دگران
یار می گوی و پشت سر می خار
هاتف، ارباب معرفت که گهی
مست خواندشان و گه هشیار

از می و جام و مطرب و ساقی
از مغ و دیر و شاهد و زنار
قصد ایشان نهفته اسراری است
که به ایما کنند گاه اظهار
بی بری گر به رازشان دانی
که همین است سر آن اسرار
که یکی هست و هیچ نیست جز او
وحده لاله الاهو
سید احمد هاتف، در فن قصیده سرایی مانند معاصران خود در مقایسه با خداوندگاران شعر و ادب پارسی چون فردوسی و مولوی و سعدی و حافظ، شاعر متوسطی است و در غزل نیز طرز خاص و مضمون تازه ای

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

از رودکی تا فروغ
گردآوری و نگارش: مهندس پرویز نظامی



هاتف اصفهانی

و دوست لطفعلی بیگ آذر بوده ولی در کتاب آتشکده هیچ مطلب خاصی نسبت به او مندرج نیست فقط ستایش مبالغه آمیزی از او دیده می شود... و تقریباً ده صفحه مخصوص منتخب اشعار اوست و ما از تمام آنها فقط ترجیع بند دلپذیر و معروف او را اختیار می کنیم که به واسطه آن نامش جاوید مانده است»
به بند پنجم از ترجیع بند هاتف اصفهانی توجه فرمائید:
یار بی پرده از در و دیوار
در تجلی است یا اولی الابصار
شمع جویی و آفتاب بلند
روز بس روشن و تو در شب تار

ادامه مطلب از ماه گذشته...

شعر هر قدر از دایره بحث و تحقیق و امور استدلالی دورتر شود و با تخیلات بیشتر آمیخته گردد، به همان تناسب جنبه موسیقی آن زیادتر و در تحریک شوق و جذب قوی تر می شود. تفاوت غزل های حافظ با غزلیات عطار و یا شمس مغربی و سایر متصوفین، علاوه بر استحکام الفاظ و لطف و ترکیبات و تعبیرات، این نکته اساسی است که با یک تعبیر مبهم و صرف اشاره و کنایه، معانی مقصود را در قالب غزل می ریزد. سر درخشندگی ترجیع بند هاتف نیز همین نکته است. به طوری که استاد فقیه مرحوم اقبال آشتیانی در مقدمه



دیوان هاتف نگاشته است:
«این ترجیع بند معروف را مستشرق شهیر فرانسوی، نیکلاس کنسول فرانسه در از میر به سال ۱۸۹۷ به فرانسه ترجمه کرده و در طی رساله ای که به عنوان «خدا و شراب در اصطلاح شعرای فارسی» انتشار داده، آن را گنجانده است. سلیمان عسگر اوف نیز از ادبای باکو رساله ای به ترکی در شرح حال هاتف و ترجیع بند او نوشته و آن را در تفلیس طبع کرده است»
پروفسور ادوارد براون مستشرق شهیر انگلیسی نیز در تاریخ ادبیات ایران راجع به هاتف می نویسد:
«اگرچه سید احمد هاتف اصفهانی معاصر

منطقه فضول آباد

به بابام هر چه بگیم میگه مزخرف نکو!

👉 میگیم پدرجان، چرا کمر بند تو از تمام سوراخای دور شلوارت درست رد نمی کنی همیشه شلوارت به جوریه میگه مزخرف نکو. میگیم چرا همیشه با مامان مثل طلبکارا حرف میزنی میگه حرف مفت نزن. میگیم چرا ریشتو کامل و درست نمی زنی به جاشو زدی به جاشو نه میگه به ریش من شما چکار دارین. میگیم وقتی مریض میشی و دوست داری دنیا را خیر کنی هر جا برسی میگه میگه بشما چه مربوطه. میگیم چرا وقتی به حرف خوبی می زنی قبول هم می کنی انجام نمیدی. میگه کدوم؟ فوری میزنه زیرش میگه کی گفتی یا گفتین. میگیم چرا هزار جا مهمونی میری اما به مهمون رو خونه ما دعوت نمی کنی؟ میگه به شما بچه ها چه مربوطه. میگیم تو خونه ما چرا چارتا کتاب خوب فارسی نیس مگه ما ایرانی نیستیم؟ باز به چیز بی ربط میگه. ما که از کارای بابا خسته شدیم تا کی باید اینجوری باشه نمی دونیم.

که این نیکبخت این نه شکل من است
ولیکن قلم در کف دشمن است
بر انداختن بیخشان از بهشت
کنونم بکین مینگارند زشت
(اشاره به داستان قرآن کریم که آدم به وسوسه شیطان گندم خورد و از بهشت رانده شد)

اهل قلم و طنز آمریکائی

چیمز تربر داستانسرا و طنز نویس آمریکائیتست. سی سال سردبیر مجله ادبی نیویورکر بوده و مقالات، قصه ها و کاریکاتورهایی او در آن مجله چاپ میشده است. آثار این نویسنده آمیزه ایست از فکاهی و نقد اجتماعی، همراه با نگرش کاوشگرانه در سرشت انسان کتاب هایش عبارتند از: زندگی پنهان والتر میتی، کارناوال تربر، حیوان درون من و جانوران دیگر، جغد در آشکوب و شگفتی های دیگر. یکی از داستان های کوتاه او نامش هست آقای پرابل از دست زنش خلاص می شود. این داستان را صفدر تقی زاده نویسنده و مترجم و استاد دانشگاه به فارسی برگردانیده است و در کتاب شوکران شیرین همراه داستان های دیگر آمده است.

وانگوگ و سفره های خالی

ونسان وانگوگ نقاش هلندی در طول عمر کوتاه خود نامه های بسیاری نوشته که مخاطب بیشتر آنها برادر کوچکش تئو بود. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

خوشحال نیستم که می نویسم ولی بخوانید: هرگز از سمت چپ به یک گاو، از سمت عقب به یک اسب و از هیچ سمتی به یک آدم احق نزدیک نشوید

من عاشق خیابان اسلامبول هستم

گفتم من عاشق خیابان اسلامبول هستم. بوی ماهی، قهوه، تخمه داغ، عطر و پودر فرنگ که به دماغم می خورد، گرم و شل و خواب آلود می شوم و تنم از خوشی کش و قوس می آید. حس می کنم بزرگ شده ام و تمام مردهای خیابان اسلامبول عاشقم هستند. جیبم پر از پول است و می توانم هر قدر که دلم می خواهد لواشک و نان خامه ای بخرم و صدبار به دیدن فیلم مهریوان شناگر بروم. به روز ته خیابان اسلامبول، به دوتا از دایمی ها برخوردیم. هر دو مثل مردهای توی فیلم هستند. کفش و جوراب سفید پوشیده اند و کلاه سیاه، لبه برگشته، به سردارند، خیلی شیک و خوش قیافه اند. طوری راه می روند که انگار جایزه زیباترین کودک را برده اند. به ما که می رسند کلاهشان را بر می دارند، سری تکان می دهند و می گذرند. سرکوجه مهران یک مغازه دکمه فروشی هست. همه چیز دارد، از تور عروس گرفته تا جوراب های نایلون و زیرپوش خارجی. سرم گیج میرود انگشتانم را یواشکی به حاشیه وسوسه انگیز و لغزان زیرپوشی اطلسی می کشم و از خجالت می میرم. فروشنده پیر و کچل است. دور شکم خاله آذر را اندازه می گیرد و نمی دانم چه کارش می کند که جیغ می کشد بعد هرهر می خندد مادر می گوید: «مرتیکه ایکبیری کثافت» و فروشنده بروی خودش نمی آورد. دستی هم به سروکول من می کشد و آب نباتی کهنه بهم می دهد...

(نقل از داستان مادر بزرگ نوشته ی گلی ترقی)

قلم در دست دشمنه

برای اینکه داستان این ضرب المثل را هم گفته باشیم این چند بیت را بخوانید.

ندانم کجا دیده ام در کتاب

که ابلیس را دید شخصی بخواب

بالا صنوبر پدیدار حور

چو خورشید از چهره میتافت نور

فرا رفت و گفت ای عجب این تویی

فرشته نباشد بدین نیکنویی

تو کین روی داری بحسن قمر

چرا در جهانی بزشتی سمر

چرا نقش بندت در ایوان شاه

دژم روی کرده است و زشت و تباہ

ترا سهمگین روی پنداشتند

بگرمابه در نقش بنگاشتند

شنید این سخن بخت بر گشته دیو

بزاری همی کرد بانگ وغریو

مشقی تازه دروزمای غربت

حسینعلی مکرندی

اکتبر ۲۰۱۳ + فرمانت - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



دم قیچی ها

دم قیچی ها مطالب کوتاهی هستند که ربطی بهم ندارند و با هیچ چسبی هم بهم نمی چسبند، خودتان را بزحمت نیندازید. به این میگه دم قیچی، خوشتون آمد بخوانید خوشتون نیامد نخوانید.

❖ جای مطلبی خواندم قریب به این مضمون نوشته بود که اگر شخصی آدم عصبی است لابد به کاری کردن که اینطوری شده. اگه پرخاشگره باید دید چه بروزش آورده اند، ولی آدم بیشعور از اولش بیشعور بوده، دنبال مقصر نگردین.

❖ این وحشی باققی هم بین شاعران کویر نشین واقعا آدمی آب شنگولی بوده. اگر اینطوری نبوده چرا تو وصیتنامه اش می سراید:

روز مرگم، هر که شیون کند از دور و برم دور کنید

همه را مست و خراب از می انگور کنید

❖ به ضرب المثل داریم میگه کلاش پشم نداره. این مثل هم مثل همه مثل ها داستان و حکایتی داره که از این قرار است. میگن ماموران حکومتی عصر قاجار کلاه پشمی بر سر می گذاشتند. همین ماموران هزار جور ظلم و جور هم می کردند. مردم هم از اونا واقعا می ترسیدند چون راحت بهر کسی می خواستند گیر می دادند، ولی در همان زمان کسانی هم بودند که اصلا مامور دولت نبودند، ولی دوست داشتند کلاه پشمی سرشون بذارن. مردم از این نوع کلاه به سرها که مامور دولت هم نبودند نمی ترسیدند و می گفتند اینا کلاشون پشم نداره.

❖ گاهی از بعضی حرفها و نکته ها که اینور و اون ور می خونم خوشم میاد طوری که اگه چند بار صدایم کنند که بیا ناهار آماده است انگار گوشام کر میشن. شاید این نمونه ها که حالا براتون میارم از همان جنس باشنند.

❖ اخیرا مطلبی در مورد ایالت هاوایی می خواندم. رسیدم به اینجا که نوشته بود در این ایالت تا حالا ۶۶ نوع پرند بی همتا پیدا کرده اند.

❖ اگر می خواهید کویایی ناراضی از کشورش و یا حکومتش را ببینید، لازم نیست به کوبا بروید. به سر برید فلوریدا. ❖ راستی شما می دانستید مرکز ویکی پدیا توی همین فلوریداست.

❖ بزرگ ترین ایالت آمریکای پر ایالت، ایالت آلاسکا است و دومش تگزاس است.

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com



مزد ترس

شب است، شبی بس تیرگی دمساز با آن.

به روی شاخ انجیر کهن «وگ دار» می خواند، به هر دم

خبر می آورد طوفان و باران را، و من اندیشناکم

نیما

روح سیه پوش باغ

پنج شش تن بیش نیستیم. اهل شعر و دل، و شعر است که ما را به هم می پیوندد. دو سه تنی جا افتاده تر از من در این شب زمستان دست شان را روی آتش منقل گرم می کنند تا نی لبک گرم شود. ما سرمان را گرم می کنیم با عرق. و جوان ترین ما که کت گشادی دوبرابر جثه و طواط وارش برتن دارد به ما می نگرند. به تحریر آرام بنان سر تکان می دهد. نوار صدا از رادیو مستقیماً برای صاحبخانه آمده، لاپد با سفارش دوستی یا همت آشنایی که قینا در تولید کار می کند.

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست

عالمی از نو بیاید ساخت وز نو آدمی یک رو برافروخته با دست به پیشانی می زند و آه می کشد و اولین جز و جیز نی لبک در زیر صدای بنان مثل چرخیدن پاشنه یک در آهنی صدا می کند. شاید شبیه چرخیدن پاشنه در آهنی زندان در سپیده دم اعدام. جوان ترین ما هرگز لب به باده نمی زند. و دود نمی گیرد. به قول خودش با مستی مست ها مست می کند. نوعی تشریح آزار

دهنده دارد؛ اما از آن خرقة پوشان نیست که باید به هنگام حضورش سرخم را پوشاند. ما همه اگر دوستش نداشته باشیم، صمیمانه محترمش می داریم. فاضلی است که به علم و هنر و فلسفه طاق است. شعر خوانی شروع می شود. شلم و شوربا و با مستی و بیهودگی. جوان که بدیع الزمان فروزانفر در توصیه استخدای او نوشته است: «استخدام ایشان ادای دینی است که دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات به علم و ادب فارسی می کند» چنان در حال شعر و شور غرق است که من باورم می آید دست افشانی ها و پای کوبی های عارفان را در شب ورد و ذکر آنها تنها به یاری تسلسل واژگان و موسیقی درونی و برونی و کناری شعر. مجلس که جا می افتد، شعرها که از عاشقانه عارفانه و از عارفانه شعر روزانه می شود ناگهان رقیقی به او نزدیک تر از ما جوان را می گوید که آن غزل را بخوان. مرد صاحب دل مثل شاعران سنتی نیست؛ ناز و افاده ای ندارد. شعرش را خوب می شناسم. عاشق این شعرکش بوده ام که: آخرین برگ سفر نامه باران اینست که زمین چرکین است

و بر آن پاسخی از سر عصیان نوشته بودم که وقتی به دستش داده بودم او در همان حال جذب و شور شروع می کند:

موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند

بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

بنگر این جامه کبودان افق صبح دمان

روح باغ اند کزین گونه سیه پوشانند

و می رود تا آنجا که:

آن فرو ریخته گل های بهاری در باد

کز می سرخ شهادت همه مدهوشانند

نامشان زمزمه نیم شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند

شعر از ارتفاع غزل می آید با دل سوختگی هایی بنهان و آشکار. بوی خون میدهد. نام سیاوش در آن است بی آنکه حرفی از شاه ترکان در میان باشد. شعر استعاری غریبی است. توی سرم حافظ صدا می کند که:

شاه ترکان سخن مدعیان می شنود

شرمی از مظلومه خون سیاووشش باد

و خون سیاووش روی صفحه اول کتاب «سووشون» چکیده است. غزل تمام شده.

شب رو به تمام شدن است. ماه اسفند است. یک سال است که هر کدام از ما به مناسبتی یادی از آن، زمزمه های مستی مان است. مستی های پر از ترس و بی جرأتی. مستی های همه از هم در پروا بودن، همه در پرده با هم سخن گفتن. حتی شاعر برای شعرش توضیحی نمی دهد. یک سال بعد است و توضیحی در کار نیست.

در موج موج خزر

یک سال پیش شب عید دکتر دوست داروساز ما با پریشانی و صدایی شکسته در گلو و آشفته گفته و نگفته، از رفتن ناگهانی برادرش حکایت کرد. که یک روز گم شده بود. خانواده از کم و کیف کارهایش خبری نداشتند. چیزکی

می دانستند نه خیلی چیزها. بعد از دست و پا زدن ها، این در و آن در رفتن ها، حدود شب عید به آنها گفته بودند درباره او نه چیزی پرسید و نه توضیحی بخواهید. توضیحی در کار نیست. دکتر نمی گریست اما تمام وجودش یک قطره اشک بود.

بعد از عید، پائین صفحه دوم روزنامه کیهان در یک خبر چند سطر نام چندتن از خرابکاران «شهری» وابسته به «گروه سیاهکل» که هنگام فرار از زندان هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده بودند چاپ شد. اسم برادر دکتر جزء آنها بود. پیش تر از آنها گفته و نوشته بودند که تیم جنگل در سیاهکل، نزدیک خزر،

بعد از یک جنگ چریکی از پا درآمد.

موج موج خزر از سوگ سیه پوشانند

بیشه دلگیر و گیاهان همه خاموشانند

مستان نیمه شب. هوشیاران روز، در

روز متجاسرین خرابکار ضد امنیت را

پشت میرهای اداره لعن و نفرین می

کردند و شب هنگام در جیرجیر نی لبک

و چین چین استکان اشک ها به درشتی

مرورید غلتان به خاطر آنها که از می

سرخ شهادت همه مدهوش بودند، بر

گونه ها فرو می ریختند. همه قهرمان

های گمشده خود را در چهره ندیده

سیاهکلی ها دیده بودند. آدم های خمیده،

آدم های سرتا به زمین سائیده، آدم های

شکسته بسته، به درخت های ناشناسی

که ایستاده مرده بودند با احترام رشک

می بردند. جنگل شمال، جنگل حماسه

بود و ما در جنگل شهر، در جنگل ترس

و ناپاوری و اطاعت کورکورانه از آن

چه نمی دانستیم چیست، می ترسیدیم.

شبهانه قاچاق

پسرم صفحه ای آورد خانه، شادمان و ذوق زده اسم صفحه «شبهانه» بود. روی شعری از شاملو، آهنگی از منفرد زاده و با صدای فرهاد. مرد شبهانه های سراسر آشفتنگی و خطی سفید و شیری مثل گرد کهکشان.

اول صفحه پچ پچه ای بود. بفهمی نفهمی حرفی گفته می شد. دقت که می کردی مثل این بود که دسته ای با هم خفه، خفه تر از حتی صداهای آن شب شعر خوانی در کنار منقل، می خواندند «سیاهکل سیاهکل». در دانشکده، شاگردانم صفحه را نشانم دادند. دو روز بعد گفتند قاچاق است و ممنوع. من مال پسرم را گم و گور کردم. مردکه ترسوی بی جرأت.

باوری در ناپاوری

نخست وزیر سالهای سال در برابر طرحی که برای بهتر شدن وضع ورزش و زمین های ورزشی و به کار انداختن تمام امکانات جوانان بدون بهره کشی سیاسی از آنها ارائه داده بودم لبخندی زد.

به صدای بلند تشویق فرمود و بعد گفت «ولی عملی نیست». در برابر بهت ساده و ابلهانه من که پرسیدم چرا، با دست به تصویر بالای سرش اشاره کرد و گفت: «نمی شود، می فهمی؟ نمی شود. من می خواهم ولی نمی گذارند». و بازهم به عکس اشاره کرد.

از خیابان کاخ تا کافه شهرداری سابق سرچهارراه پهلوی مثل آدم های منگ راه رفتیم.

ByTheBook Keepers

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

خدمات دفتر داری

سرویس مطمئن

قیمت مناسب

توجه کامل به نیازهای شما

Real-time Bookkeeping

Reliable Service

Reasonable Rates

Responsive to Your Needs

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

همه جا «تقسیم» همه جا مقاومت، یک شب با راجر واترز در استانبول

راجر واترز فقط نوازنده گیتار بیس یا فوآندنده و ترانه‌سرای قدیمی و مرکزی گروه راک پینک فلوید نیست. او هنرمندی است که از چند نسل قبل تا امروز سنت اعتراضی را در دل هنر فود جای داده است. یک منتقد جدی نظام سرمایه‌داری و جنگ‌افروزی‌ها و کشتارهای آنکه در مورد بسیاری از معضلات جهان هنوز هم مرفه‌های تازه‌ای برای گفتن دارد.

استانبول میزبان نزدیک به ۲۰ هزار نفر از طرفداران او از شهرهای مختلف ترکیه و کشورهای اطراف بود. از ایران هم

چند هزار نفری ایرانیان برای شرکت در این کنسرت، فضای شهر استانبول و مراکز خرید آن را از چند روز قبل به شدت ایرانی کرده بود تا جایی که مطبوعات ترک هم هیجان خود را از این موضوع پنهان نکردند. چند ساعت قبل از شروع کنسرت جمعیت برای به دست آوردن جایی نزدیک‌تر به سن به در استادیوم ITU آمده بودند. در اطراف استادیوم بساط فروش تی‌شرت‌هایی با طرح لوگوی پینک فلوید و پوستر جلد آلبوم‌های مختلف این گروه البته با قیمت‌هایی گزاف،



داغ بود. بعد از چند ساعت معطلی راس ساعت اعلام شده درها باز شد و جمعیت به داخل هجوم بردند. برحسب مبلغ بلیت خریداری شده دستبندهایی رنگی به دور دست می‌بستند تا محل استقرار مشخص

آنهایی که توانسته بودند بلیت کنسرت را با کارت اعتباری آشنایان یا شرکت‌های داخلی خریداری کنند توانستند راجر واترز را که هفت سال از آخرین اجرای او در ترکیه می‌گذشت از نزدیک ببینند. حضور

روزنامه شرق: راجر واترز و پینک فلوید پیوندهنده خاطرات چندین نسل از پدرها و مادرها و جوانان امروزی‌اند که در التهاب و ترس سیاهی دوران و امید به تغییر دنیایی بهتر زندگی را سپری کرده‌اند. این روزها او با موهای سپید و اجراهایی باشکوه‌تر از گذشته که تلفیقی از موزیک، اجرا و اپراست در حال اجرای آخرین تور تاثیرگذارترین آلبوم پینک فلوید یعنی «دیوار» بیش از ۳۰ سال بعد از انتشار آن است. او در میانه برگزاری این تور و بیست و پنجمین اجرای خود به استانبول رسید.

این تور بعد از این در اسلو، بلگراد، دوسلدورف و چند شهر دیگر اروپایی ادامه می‌یابد و به پاریس ختم می‌شود. در تاریخ چهارم آگوست استادیوم ITU

باشد. صاحبان دستبندهای نارنجی که مخصوص ارزان‌ترین نوع بلیت یعنی ۸۶ دلار بود اکثریت فضای استادیوم را پر می‌کردند. دستبندهای بنفش و قرمز و آبی به جایگاه‌هایی که به سن نزدیک‌تر بود و صندلی داشت اختصاص داشت و قیمت آنها تا ۵۰۰ دلار هم می‌رسید. چند ساعتی انتظار لازم بود تا اجرا آغاز شود و همه مجبور بودند سرپا بایستند. اجرای گروه مثل همیشه پرانرژی و با صحنه‌پردازی‌های خیره‌کننده همراه بود. وسواس واترز برای استفاده از پروداکشن عظیم و پرهزینه در این اجرا هم همچون اجراهای قبلی مشهود بود و از برخورد ماکت هواپیما با دیوار، عروسک‌های عظیم‌الجثه معلم و مادر و قاضی و بسیاری افکت‌های تکنیکی دیگر به خوبی بهره جسته بود. خط روایی اجرا متعلق بود به فیلم انیمیشن-داستانی دیوار که در سال ۱۹۸۲ توسط آلن پارکر ساخته شد. انیمیشن‌هایی که توسط ویدیو پروجکشن با ابعاد بزرگ روی دیوار پخش می‌شد هم انیمیشن‌های گروتسک جرالد اسکارف در فیلم دیوار بود. همزمان با اجرای واترز دیوار بزرگی در حال ساخته شدن پشت سر او بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱



میهن کو

MIHAN CO. Iranian Legal Services

دفتر حقوقی ایرانیان

با همکاری ندا نهاوندی کارشناس حقوقی، وکیل دادگستری در ایران

با مدیریت آقای کاشی

ما با دو دفتر در شمال و جنوب
کالیفرنیا و با تجربه کافس، دقت
و پشتکار، شما را یاری می‌دهیم

www.mihancompany.com

- ◆ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ◆ با همکاری وکلای پایه یک دادگستری در ایران
- ◆ انجام کلیه امور مهاجرت به آمریکا با وکلای اداره مهاجرت این دفتر
- ◆ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ◆ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده توسط اشخاص
- ◆ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران و آمریکا
- ◆ دریافت شناسنامه و کارت ملی فوری از ایران
- ◆ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ◆ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه‌ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قراردادهای
- ◆ ترجمه و تأیید کلیه متون به هر زبانی
- ◆ دریافت پاسپورت

دفتر جنوب کالیفرنیا (310) 967-7755 ♦ (877) 644-2607 ♦ (408) 249-9827 دفتر شمال کالیفرنیا

940 Saratoga Ave., Suite #260. San Jose, CA 95129

از در گوشه‌ها

بقلم: پیرایه

و مجدداً می گذاشته لای پیراهن. گویا به فرمایش خانم والده مرض «ممه خوری» از سرش افتاده که هاید هاید باور نمی کرد و می گفت «مادره دروغ میگه، می خواد آبرو بخره که مردم به گیس سفیدش نخندند».

ضمناً هاید تعریف کرد که عفت سادات رفته منزل آنها و در کمال پرروئی هاید را برای «هوشی ممه خور» خواستگاری نموده که مادر هاید جوابش کرده و گفته هاید خیال شوهر کردن ندارد و حالا وسط خیابان این آقا پسر پستانک خور هاید را تهدید می کرده که اگر قبول نکنی آبروریزی می کنم.

هاید ناراحت و عصبی گفت: «بین چه دنیای بی حساب کتابیه، چون وضع زندگی ما ناقابله و دست و بالمون باز نیس این قوم خویش مثلاً مالدار به خودش اجازه میده که بیاد خونه ما و برای پسر خل و ناقص العقل اش دختر خواستگاری کنه. یعنی با پولش جنس بخره. شکر خدا مادرم در کمال ادب آب پاکي رو روی دست این خویش و قوم بی شعور ریخته و عذرش را خواسته. شاید حالی اش بشه که همه چیز دنیا خریداری نیس. زینکه خیال کرده منم گوشت قصابی ام.» هاید اشتباه می کرد، همه چیز در این دنیا خصوصاً دنیای بی بندوبار و آشفته کنونی خریداری است و مطلقاً بستگی به معاملات و زد و بندهای خصوصی دارد. دنباله مطلب در صفحه ۴۹

هاید ادامه داشت که توشه سلامت اندوزی زمستان آینده به حساب می آمد. هاید می رفت دبیرستان که سال آخرش بود و من هم سرگرم زندگی و درگیریهای روزانه. خلاصه آخرین هفته تعطیلی تابستان شده بود و همه گرفتار کارهای روبراه کردن بسته بندی و رسیدگی به سر و سامان تابستانی با هاید راه افتادیم و گفتگوکنان نزدیکی های باغ فردوس رسیدیم. حدود کوچه باغی که یکی دو ماه قبل رفته بودیم دزدی و هوشی ما را تاراندن بود، که یکدفعه هاید گفت: «اوناهاش، بازم هوشیه بیا رد شیم، تند کن.» ناگهان جوانک دودید طرف ما و داد زد: «هاید اگه زلم نشی به همه عالم میگم که تو دزدی و روزا میری پای دیوارا دزدی.» هاید هم صدایش را بلند کرد و داد زد «هوشی ممه خور هوشی ممه خور برو پستونکتو سق بزنی تا جونت در بره، کی حرف تو پستونک خورو باور می کنه، خاک بر سر، هیچ دختری هم زن مرد پستونک خور نمیشه.» و بعد با عجله دستم را کشید و گفت: «برگرد بریم وگرنه میرم این پسره رو می زلم» وقتی برگشتیم تعریف کرد که این هوشنگ تا دو سه سال پیش پستانک می مکیده ظاهراً یک پستانک بچه با قیطان به گردنش آویزان بوده که زیر پیراهن روی سینه اش نگه می داشته و گهگاه بیرون کشیده می مکیده

پسر جوانی پیدایش شد که داد زد «آهای دزدا مچتونو گرفتم». که ما دو تا پا گذاشتیم به فرار. آنقدر دویدیم که از نفس افتادیم و زیر یک درخت ولو شدیم. هاید هم مرتب و پیایی می گفت: «خدا کنه منو نشناخته باشه. خیلی بد شد حتما میره میگه».

هرچه هم می پرسیدم: «مگه این پسره کی بود که می ترسی تو رو شناخته باشه.» بازم می گفت: «خداکنه منو ندیده باشه.» بالاخره وقتی نفس هایمان جا آمد هاید آرام گرفت گفت: «اسمش هوشیه، هوشنگ، پسر عفت سادات نوه عموی مادرم. شنیده بودم خونشون باغ فردوسه اما نمی دونستم کجاس. اگه بره بگه هاید داشت دزدی می کرد خیلی بد میشه، مادرم خجالت می کنه، با اینا رودرواسی داره، میگه زیادی خدا و پیغمبرین و اهل عبادت و مسجد و منبر.» گذشت و گذشت و تابستان هم گذشت و در تکاپوی بازگشت به تهران مشغول جمع آوری بودیم. روزهای نیمه شهریور شده بود و باد خنک از جانب توچال وزان... پیاده روی صبحانه من و

دل آزرده در کوچه های غربی پارسه می زدم و روزگاران گمشده در غبار زمان را در عالم خیال می کاویدم. تابستان بود و فصل شمیرانات هر صبحگاه از سه چهار باغچه دورتر هاید می آمد سراغ من و باهم می رفتیم پیاده روی. یکرز هاید گفت: «بیا امروز بریم دزدی. باید آلبالوهای باغ فردوس رسیده باشه.» و رفتیم. کوچه باغ های تنگ و سراسیمه که عطر یاس و یاسمن های آویخته از دیواره کاهگلی مشاممان را معطر می کرد و شاخه های پر بار گوجه و سیب و آلبالو تا کمرکش دیوارها با نمای دلپذیری دیده و دل را نوازش می داد. فکر می کردم که این کوچه باغ ها چه منظره های چشمگیری می شود برای نقاشی که ناگهان هاید گفت: «چرا رفته ای تو خلسه، قلاب بگیر برم بالا این شاخه آلبالو را بکشم پائین».

هاید دخترک ریزه نقش تر و فرزی بود. پرید بالا و شاخه پر و پیمان آلبالو را آورد پائین. همانطور که مشغول کندن آلبالو چپاندن توی دک و دهانمان بودیم از سر کوچه روبرویی



THERMA TECH
HEATING & AIRCONDITIONING
"Experience the Comfort"

bryant
Heating & Cooling Systems

EXPERIENCE
The Comfort

Lic #913606

TUNE-UP INCLUDES*

- Lubricate all moving parts & motors
- Check connections & controls
- Validate heat exchanger
- Clean burners & flame sensor
- Set and calibrate gas pressure

BENEFITS

- Improved efficiency
- Improved capacity
- Improved life expectancy
- Have a piece of mind
- Lower utility bill

تعمیر، نصب و سرویس کولر و بخاری جهت ساختمانهای اداری، کارخانجات و منازل مسکونی

سرویس فوری و نرغ مناسب

408.384.1025

www.sanjoseheatandair.com

\$55
(reg. \$115)

FURNACE TUNE-UP

*Tune-up does not include any repair



دیدگاه‌ها

حسین جعفری

سن حوزه

بیا که نوبت صلح است و... (۲)

جدی نمی‌زند به شدت به خشم آیند. از آنجا که آمریکا از راه فشار آوردن به کشورهای چین و روسیه یعنی دو دارنده حق و تو در شورای امنیت نیز توانست موافقت آنان را برای حمله ای جدی به سوریه فراهم سازد، درصدد برآمدن که خود دستی از آستین بیرون کنند. اما انتخابات جمهوری اسلامی و نتایج غیرمنتظره آن که منجر به پیروزی "یک ضرب" روحانی در دوره اول انتخابات گردید، سبب شد که غرب و آمریکا در ارزیابی های خود نسبت به بسیاری از امور منطقه از جمله حمله به سوریه، بازنگری و تجدید نظر کنند. اما یک واقعه سبب شد که دگرباره تمام توجهات به سوریه جلب شود و آن کشتار نزدیک به یکهزار و پانصد نفر از سوریه ای ها در حملات شیمیایی بود که ثابت میکرد این حمله قطعاً بوسیله سلاح شیمیایی صورت گرفته و به احتمال زیاد نیز مقصد دولت سوریه است. البته مخفی نماند که مخالفان سوریه نیز گاه و بیگاه از قرار دست به اینگونه حملات شیمیایی، منتها در سطحی بسیار محدودتر، زده بودند. اما این جنایت آشکار، سبب گردید که باز خطر حمله غرب و آمریکا به سوریه، ولو از طریق هوایی و به مدت کوتاه و مختصر و به شکل تنبیهی و اعلام منطقه پرواز ممنوع، بالا گیرد. بطوریکه اشاره شد، ناظران، حتی روز حمله به سوریه را نیز پیش بینی کردند. اما سیاست گزاران غرب و آمریکا با مشاهده تغییر محسوس در روند سیاسی جمهوری اسلامی، در عرض کمتر از ده روز از روی کار آمدن دولت روحانی، به این فکر رسیدند که شاید بتوان با تعویق حمله به سوریه و پیداکردن راه حلی مناسب و نه از طریق جنگ با این کشور و مذاکره با جمهوری اسلامی و دادن امتیازاتی، بتوان حتی برای معضل انرژی اتمی جمهوری اسلامی هم راهی مسالمت آمیز پیداکند. گاه بسیاری اتفاقات به نظر نامطوبع می رسد، اما نتیجه بسیار مطلوب دارد. حمله به سوریه و سرنگونی حکومت بشار اسد، یا حتی تنبیه محدود او به قصد گوشمالی، به سبب استفاده از سلاح شیمیایی، گرچه ممکن بود جمهوری اسلامی را متوجه سازد که زمان گردنگشی در برابر جامعه بین المللی به پایان رسیده و آنها نیز باید برای حل معضل موجود، قدمی اساسی بردارند، به ویژه که با حمله به سوریه، دست جمهوری اسلامی از سوریه و استفاده از آن کشور

نگاهی می کنیم به وضعیت مرتباً در حال تغییر و تحول سوریه. تادمت زمانی پیش، خطر حمله آمریکا و غرب به سوریه بسیار بالا گرفته بود و حتی عده ای دو روز پیش از سالگرد دوازدهمین سال یازده سپتامبر را به عنوان روز قطعی حمله به سوریه تلقی میکردند. اما ناگهان تب حمله به سوریه به شدت فروکش کرد و عده ای بر این باور شدند که این حمله به پس از اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر موکول شده است. اما به نظر نمی رسد حتی در آن هنگام نیز کوششی جدی برای حمله به سوریه صورت گیرد که از قرار، این بار "کشتیبان" را و نه "کشتیبان" را، سیاسی دیگر پدید آمده است.

مدتی پس از حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان و عراق، به سبب ضرباتی که به کشورهای حمله کننده وارد شد که عمده این حملات نیز از سوی جمهوری اسلامی و باتشویق و حمایت مالی این کشور صورت می گرفت، سبب شد که اولاً آمریکا مرحله سوم این حمله ها، یعنی پورش به جمهوری اسلامی و سرنگونی حکومت آن را تا مدتی از برنامه های خود حذف کند و از سوی دیگر واقعا صدای اعتراض مردم دنیا به ویژه در آمریکا و اروپای غربی، نسبت به این جنگ ها و خسارات مالی و جانی آن بالا گرفت و مردم آشکارا به ضدیت با ادامه این جنگها برآمدند که تلفات سنگین جانی و مالی آن برای همه به ویژه آمریکا به صورت غیرتحمیلی درآمده بود. از سوی دیگر نتایج غمبار سرنگونی حکومت های مصر، تونس، لیبی و روی کار آمدن رژیم هایی که نتیجه آن کشته شدن تعداد بیشتری از مردم این کشورها شده و نا آرامی هایی را به دنبال خود در این کشورها بوجود آورد، همه سبب شد که وقتی در سوریه صدای اعتراض مردم بلند شده و به دنبال آن بشار اسد به پشتیبانی مالی و نظامی جمهوری اسلامی، دست به کشتار دسته جمعی و گروهی مردم سوریه بزند و کار به جایی برسد که به گفته ای نزدیک به هشت میلیون از بیست و هفت میلیون جمعیت سوریه در سلک کشته شدگان، زخمی ها، آواره های جنگی، خانه پوشان، پناهندگان به کشورهای دیگر و... در آیند. حقیقتاً وجدان جامعه بشری بشدت از این لطمه ها به درد آمد و از اینکه کشورهای جهان غرب و در راس آنان آمریکا این اندازه از خود صبر و تحمل و حتی کاهلی نشان داده و دست به عملی

تحصیل کرده در آمریکا میتوان همکاری کرده و به تفاهم رسید. کار آبی و تجربیات وی به مراتب از جلیلی آسیب دیده در جنگ ایران و عراق بیشتر است و میتوان به نتیجه مذاکرات امیدوار بود. به طور خلاصه ظریف نشان داده است که وی برخلاف سلف خود جلیلی که رسماً مخالفت خود را با رفع تنش در جریان مبارزات انتخاباتی اعلام کرده بود، اما ظریف بیشتر متمایل به تنش زدایی است، مشروط بر آنکه منافع ایران نیز ملحوظ نظر گردد و در مذاکره با غرب جمهوری اسلامی بازنده از دور مذاکرات بیرون نیاید.

پاره ای از افرادی که روحانی برای همکاری با تیم خود انتخاب کرده است، امیدواری غرب را به دولت وی بسیار بالا برده است. نمونه ها کم نیستند، از جمله انتخاب شمشانی به دبیری شورای عالی امنیت ملی و تأیید او از سوی رهبری و صدور حکم نمایندگی رهبر در شورای عالی امنیت ملی که نشان دهنده نهایت اعتماد و اعلام موافقت ضمنی رهبری با او نشانه حسن نیت او با دبیرمنتخب ریاست جمهوری است. با همین انتخاب، نوعی امیدواری نیز در میان اصلاح طلبان و طرفداران موسوی و کروبی بوجود آمده است که بالاخره پس از چهارسال، ممکن است رنج و عذاب زندانیان سیاسی خاتمه یافته و آنان همراه با موسوی و کروبی و رهنورد از زندان و حصر آزاد گردند.

از سوی پاره ای از وزارت خانه ها و سازمان های دولتی نیز در عرض همین مدت کم، تحرکات و اقداماتی صورت گرفته و تصمیماتی اتخاذ شده است که نشان میدهد آنها، جدا قصد دارند با ایجاد زمینه لازم، دست به پاره ای از اقدامات اساسی بزنند. تصمیم وزارت ارشاد در بازگشائی خانه سینما، شایعات ایجاد شده مبنی بر رفع دست اندازه های سانسور کتابها و آسان شدن صدور مجوز برای چاپ کتاب و صدور مجوز و سخت گیری کمتر در مورد تولید فیلم های سینمایی. انتشار مجدد پاره ای از نشریاتی که سالهاست تعطیل شده اند، از جمله بازگشت "نشاط" شمس الواعظین به دکه های روزنامه فروشی و ... همه و همه نشانه حسن نیت و راضی کردن مردمی است که طی چهارسال گذشته، به شدت از اصلاحات و تغییرات ناامید و مایوس شده بودند.

رفتاری که مخالفان اسد از خود نشان دادند، دنیای غرب و بسیاری از مردم دنیا را پاک از آنان نا امید ساخته است. مردم از خود می پرسند، یعنی اگر اسد سکولار کنار رود، این افراد زمامدار امور خواهند شد که اولاً هنوز با هم توافق ندارند و به تیره های گوناگون تقسیم شده اند، بعلاوه تاکنون چنان خشونت از خود نشان داده اند که مردم دنیا را از خود بشدت بیزار کرده اند. بریدن سرفراد و نشان دادن آن در تلویزیون را چگونه میتوان تعبیر کرد؟ فتوای "کجاج جهادی" را با چه ترفندی میتوان به مسلمانان قبولاند؟ **دنباله مطلب در صفحه ۰۴**

ساعت

پس کشاورز کودک را به تنهایی به درون انبار فرستاد. بعد از اندکی کودک در حالی که ساعت را در دست داشت از انبار علوفه بیرون آمد. کشاورز از طرفی شادمان شد و از طرف دیگر متحیر گشت که چگونه کامیابی از آن این کودک شد. پس پرسید، «چطور موفق شدی در حالی که بقیه کودکان ناکام ماندند؟» پسرک پاسخ داد، «من کار زیادی نکردم؛ روی زمین نشستم و در سکوت کامل گوش دادم تا صدای تیک تاک ساعت را شنیدم و در همان جهت حرکت کردم و آن را یافتم.»

ذهن وقتی که در آرامش باشد بهتر از ذهنی که پر از مشغله است فکر میکند. هر روز اجازه دهید ذهن شما اندکی آرامش یابد و در سکوت کامل قرار گیرد و سپس ببینید چقدر با هوشیاری به شما کمک خواهد کرد زندگی خود را آتطور که مایلید سر و سامان بخشید.

روزی کشاورزی متوجه شد ساعتش را در انبار علوفه گم کرده است. ساعتی معمولی اما با خاطره ای از گذشته و ارزشی عاطفی بود. بعد از آن که در میان علوفه بسیار جستجو کرد و آن را نیافت از گروهی کودکان که در بیرون انبار مشغول بازی بودند مدد خواست و وعده داد که هر کسی آن را پیدا کند جایزه ای دریافت نماید.

کودکان به محض این که موضوع جایزه مطرح شد به درون انبار هجوم آوردند و تمامی کپه های علف و یونجه را گشتند اما باز هم ساعت پیدا نشد. کودکان از انبار بیرون رفتند و درست موقعی که کشاورز از ادامه جستجو نومید شده بود، پسرکی نزد او آمد و از وی خواست به او فرصتی دیگر بدهد. کشاورز نگاهی به او انداخت و با خود اندیشید، «چرا که نه؟ به هر حال، کودکی صادق به نظر میرسد.»

درسی پند آمیز از سقراط

من می خواهی بگویی چیز خوبی است؟ آشنای سقراط جواب داد: نه برعکس... سقراط گفت: پس تو می خواهی چیز بدی را درباره ی او بگویی اما مطمئن هم نیستی حقیقت داشته باشد. با این وجود ممکن است تو از آزمون عبور کنی چون هنوز یک سوال دیگر باقی مانده که مرحله ی پالایش سودمندی ست. آیا آنچه درباره ی دوستم می خواهی به من بگویی برای سودمند است؟ جواب داد: نه حقیقتا... سقراط نتیجه گیری کرد: بسیار خوب اگر آنچه می خواهی بگویی نه حقیقت است نه خوب نه سودمند چرا اصلا می خواهی به من بگویی؟ این چنین است که سقراط به چنان مقام والایی رسیده بود اما همین پالایش سه گانه باعث شد که سقراط هیچ وقت به ارتباط بهترین دوستش با همسرش پی نبرد.

روزی یکی از آشنایان سقراط وی را دید و گفت: سقراط آیا می دانی من چه چیزی در مورد دوستت شنیدم؟ سقراط جواب داد: یک لحظه صبر کن. قبل از اینکه چیزی به من بگویی مایلم که از یک آزمون کوچک بگذری. این آزمون پالایش سه گانه نام دارد. قبل از اینکه درباره ی دوستم حرف بزنی خوب است چند لحظه وقت صرف کنیم و ببینیم چه می خواهی بگویی. اولین مرحله پالایش حقیقت است. آیا تو کاملا مطمئن چیزی که درباره ی دوستم به من می خواهی بگویی حقیقت است؟ آشنای سقراط جواب داد: نه در واقع من فقط آن را شنیده ام... سقراط گفت بسیار خوب پس تو نمی دانی که آن حقیقت دارد یا خیر. حالا بیا از مرحله دوم بگذر مرحله ی پالایش خوبی. آیا آنچه درباره ی دوستم به

سخنش آنچنان جدی و تلخ بود که من هرگز تا مدت ها شعر نگفتم و ادبیات ایران از آثار یکی از فرزندانش برای همیشه محروم ماند!! اما بعد از انقلاب که همه چیز زیر و رو شده بود و فرخ تیمیمی هم دیگر زنده نبود؛ گاهی شعرکی میگفتم ولی جرات نمیکردم به کسی نشان بدهم. آن شب هم شعری گفته بودم و اعلام کردم که شعر تازه ای گفته ام و میخواهم به افتخار عزیزی که از ایران آمده است آنرا بخوانم. حرف من سکوت سنگینی در فضا ایجاد کرد و حضار که سابقه کار دستشان بود به احترام صاحبخانه اعتراضی نکردند ولی اشتیاقی هم از خود نشان ندادند.

من شعر را خواندم و منتظر ماندم عکس العملی از جمع ببینم؛ ولی کسی چیزی نگفت و سکوت ادامه یافت. بعد از مدتی یکی از مهمان ها بمن گفت: ببخشید! سرکار عمه دارید؟؟ منظورش معلوم بود. میخواست بگوید شعر سر کار برای عمه تان خوب است! ولی من بروی خود نیاوردم و یکی از مهمان ها گفت که ایشان عمه داشت که سالها پیش فوت کرده است.

محمد عاصمی که تا آنوقت خودش را حفظ کرده بود گفت: والله من هم بودم از غصه برادر زاده ای که چنین شعرهایی میگوید (آن هم شعر نو!) اگر نمی مردم خود را می کشتم!! «از حرف های سیروس آموزگار»



دشمن مام وطن را خوار دار
دزد را منبر منه؛ بر دار دار
ضمنا این را هم بگویم که اگر قرار باشد همه دزدان وطن را بر دار بکشیم؛ دیگر هیچ شیخ و ملا و مفتی و فقیه و آیت الله و حجت الاسلام و رهبر معظمی در روی کره زمین باقی نخواهد ماند.

آوارگان ایرانی و یهودیان
در سال ۱۹۳۹ میلادی؛ پس از حمله هیتلر به همه بنیاد ها و موسسات یهودیان؛ یک آقای یهودی به یک آژانس مسافرتی در برلن میروید تا بلیطی بخرد و از کشور آلمان خارج بشود.

مسئول فروش بلیط از او می پرسد: کجا میخواهی بروی؟
میگوید: نمیدانم
مسئول آژانس یک نقشه دنیا به دستش میدهد و میگوید: انتخاب کن!
مرد یهودی خوب به نقشه نگاه میکند. هی بالا و پایینش میبرد. هی از چپ به راست و هی از راست به چپ واکاوی اش میکند. دست آخر می پرسد: نقشه دیگری نداری؟
پس از گذر بیش از هفتاد سال؛ انگار آوارگان و پناه جویان ایرانی به همان سرنوشت آن انسان آواره یهودی گرفتار آمده اند.

شعر برای عمه جان....!
...چند سالی از انقلاب ویرانگر ایران میگذاشت. تازه اجازه داده بودند که ایرانی ها به خارج بیایند و یکی از خویشان نزدیکم از ایران به پاریس آمده بود. محمد عاصمی (مدیر مجله کاوه در آلمان) خبر شد و برای دیدن وی از مونیخ به فرانسه آمد. شب را با عده ای از دوستان خانه ما بود.

این مقدمه را بگویم که خدا ذره ای استعداد شعر گفتن به من نبخشیده است. در دوران جوانی یک بار شعری گفته بودم و برای فرخ تیمیمی خواندم. فرخ تیمیمی گفت: می توانم یک خواهش ازت بکنم؟

گفتم: البته!
گفت: ترا به حضرت عباس شعر نگو!
دوستانت را در محظور میگذاری و جرات نمی کنند بهت بگویند شعرت مزخرف است!

مملکت ما مملکت تناقضی است
کتابفروشی درست کرده بودم بنام کتاب ایران. وقتی شروع کردم عالی بود.

کتاب های افسستی؛ زیر میزی؛ جلد سفید؛ بی اجازه؛ با اجازه؛ هر جور کتابی در میآمد. مردم هم افتاده بودند به کتاب خواندن. دو سه مشتری از راههای دور، مثل شهرک غرب، ماهی یکبار می آمدند. صندوق عقب ماشین شان را پر میکردند و میرفتند تا ماه دیگر. یک آقای دیگری بود که با شنل زرشکی میآمد کتابفروشی. با بوی ادکلن بسیار و خیلی فرنگی. این آقا از مشتریان پر و پا قرص کتاب های سیاسی بود. خیلی هم پولدار بود. یک روز آمد و گفت به دلیل ریخت و قیافه و شنل ام دیشب مرا گرفتند و بردند کمیته و بعد از پرس و جو؛ مرا آزاد کردند. بچه های کمیته بچه های خوبی بودند. برای آنها می خواهم کتابخانه درست کنم.

حدود پانصد جلد کتاب مذهبی؛ سیاسی و رمان ساده. ما کتابها را آوردیم با بسته بندی شیک و کلی روبان و پاپیون؛ فرستادیم به کمیته. و بچه ها هم بمن زنگ زدند و تشکر کردند. مملکت ما پر است از تناقض و آدم های خوب.... "از حرف های لیلی گلستان"

نان جو
مرحوم وثوق الدوله نخست وزیر پیشین ایران که با امضای قرار داد ننگین ۱۹۱۹ صد ها هزار لیره از دولت فخریه! دستخوش گرفت و بیشتر عمر خود را در هتل نگرو Negro یعنی گران ترین هتل ساحلی نیس، گذرانده است؛ گاهگاهی شعر هم میگفت. او در یکی از شعر هایش چنین میفرماید:

خواب خوش؛ نان جوین؛ صحت تن؛ خاطر امن
گر میسر شود این چار؛ به از هشت بهشت!
بگمانم این جناب صدر اعظم ایران فروش؛ هرگز نان جو نخورده بود زیرا اگر چنین نان دندان شکن و چانه شکنی را، حتی برای یک بار، میل فرموده بودند چنین فرمایشاتی نمیفرمودند.

حضرت مولانا شعری دارد که میفرماید:
دشمن راه خدا را خوار دار
دزد را منبر منه؛ بر دار دار
این بنده با کسب اجازه از محضر مبارک جناب مولانا؛ میخواهم در شعر ایشان مختصری دستکاری کنم.

و الزامات قانونی مربوط به کسب و کار می باشد. بنابراین، اگر صاحب رستوران در مثال ابتدای این گفتار کار خود را به فرم Sole Proprietorship تشکیل داده باشد، نمی تواند دارایی های فردی خود را از دسترس خانواده قربانی دور کند.

فرم قانونی دیگر یک شرکت، فرم Corporation می باشد. صاحب یا صاحبان یک Corporation سهامدار (Shoreholder) آن شرکت نامیده می شود. یک Corporation می تواند تنها یک سهامدار داشته باشد که خود کارمند آن شرکت نیز هست. از لحاظ پروسه اداری، تشکیل یک Corporation کار دشواری نیست.

شما می توانید با آماده کردن یک مدرک به نام Articles of Incorporation و بایگانی آن در دفتر Secretary of State در ایالت کالیفرنیا، یا بیشتر ایالات دیگر، شرکت خود را به عنوان یک Corporation به ثبت رسانید.

مدرک Articles of Incorporation شما باید اطلاعات خاصی داشته باشد که از جمله آنها تعداد و انواع سهامی است که شرکت شما می تواند صادر کند. [دنباله مطلب در صفحه 81](#)

یک شرکت به نام خود تشکیل دهید. البته اگر می خواهید اسم شرکتتان چیزی جز اسم شما باشد، باید تقاضانامه ای برای یک «Fictitious Business Name» به همراه مبلغی به اداره شهرداری (County Records Office) دهید و اسم موردنظر را به مدت چند روز در یک روزنامه چاپ کنید. موردی که جدا از هر نوع فرم قانونی شرکت باید به آن دقت کنید این است که مطمئن باشید تمامی اجازه نامه های لازم برای انجام کار خود را در اختیار دارید. مثلاً اگر کسب و کار شما ساخت و ساز است، باید برای اجازه داشتن انجام کار ساخت و ساز از دولت کالیفرنیا Contractors Lisence بگیرید.

مزیت فرم Sole Proprietorship آسانی و ارزانی تشکیل آن می باشد. مزیت دیگر این است که درآمد حاصل از کسب و کار شما به عنوان درآمد فردی شما و تنها یک بار مشمول مالیات می شود و این به این دلیل است که از لحاظ حقوقی فرد و شرکت او یکی هستند.

اما این همانی فرد و کسب و کارش در فرم Sole Proprietorship زیان بزرگی نیز دارد و آن مسئولیت فردی در برابر خطاها

بررسی مختصر شکلهای مختلف ثبت شرکتها

را که سالها برای کسب آن زحمت کشیده اید حفظ کنید، بلکه مهمتر اینکه از صدمه بر افراد دیگر جلوگیری نمائید.

اما پاسخ به سؤال مطرح شده بستگی به این دارد که شما کسب و کار (Business) خود را به چه فرمی تشکیل داده اید. به طور کلی، یک کسب و کار را می توان به چندین شکل مختلف قانونی تشکیل داد. مسئولیت قانونی (Liability) ناشی از خطاهای مرتبط با کار، یکی از چند فاکتور مهمی است که باید برای انتخاب فرم قانونی کسب و کار در نظر گرفت. موارد مهم دیگر مالیات و شیوه مدیریتی ناشی از فرم خاص یک شرکت می باشند.

لازم به تذکر است که این روزها، شرکتهای مختلفی هستند که در اینترنت و یا جاهای دیگر تبلیغ می کنند که می توانند کسب و کار یا شرکت شما را به شکل قانونی تشکیل دهند و ثبت کنند. خیلی از شرکت ها تخصص کافی در زمینه تشکیل قانونی شرکتها ندارند و نمی توانند شما را از جوانب مختلف قانونی انتخاب شما آگاه کنند و به شما کمک کنند تا تصمیمتان را براساس نوع کسب و کار و جزئیات کارتان بگیرید.

همچنین، شما نیاز به مشاوره حقوقی در زمینه قوانین مربوط به امور مالیات و قوانین کار ایالتی یا فدرال دارید تا با مشکلی جدی برخورد نکنید. تشکیل یک شرکت صرفاً کاری اداری نیست و برای انجام درست آن باید با فردی آشنا در این زمینه مشورت کنید تا با اطمینان بیشتری در جهت رونق کسب و کارتان تلاش کنید. مهمترین فرمهای قانونی شرکتها Sole Proprietorship، Corporation، و شراکت (Partnership) می باشند. ساده ترین فرم قانونی یک شرکت فرم تک صاحبی یا Sole Proprietorship می باشد. تشکیل یک شرکت به این فرم نیاز به انجام کار زیادی ندارد. شما می توانید با گرفتن اجازه کسب و کار (Business Lisence) از شهرداری شهر خود به آسانی

فرض کنید که شما پس از سالها پس انداز و کسب تجربه تصمیم گرفته اید که یک رستوران افتتاح کنید. شما رستوران خود را افتتاح می کنید و با تمام سختیهای موجود موفق می شوید کسب و کار سودمندی داشته باشید.

شبی یکی از مشتریان شما که در نوشیدن مشروب زیاده روی کرده است، پس از صرف شام، از رستوران شما به سمت خانه در حالت مستی رانندگی می کند. مشتری شما، در حین رانندگی، چراغ قرمز را رد می کند و عابر پیاده ای را که در حال گذر از تقاطع است زیر می گیرد. متأسفانه این حادثه به مرگ عابر پیاده می انجامد. خانواده قربانی این حادثه با کمک یک وکیل مجرب تصادفات از شما و رستوران شما به دلیل سرو کردن بیش از حد الکل به مشتری شکایت می کند.

در دادگاه معلوم می شود که سرو بیش از حد الکل توسط کارمند رستوران شما به مشتری سبب تصادف و مرگ قربانی شده است و براساس تئوری حقوقی Respondent Superior غفلت کارمند شما به رستوران شما نسبت داده می شود. از قضا، قربانی تصادف پزشک نسبتاً جوانی است که در صورت زنده ماندن می توانست تا پایان عمر حداقل ۵ میلیون دلار درآمد کسب کند. دادگاه شما را محکوم به پرداخت این مبلغ به عنوان خسارت به خانواده قربانی می کند. اما ارزش کسب و کار یا بیمه شما بیشتر از یک میلیون دلار نیست. سؤالی که پیش می آید این است که آیا خانواده قربانی می تواند برای جبران ۴ میلیون دلار خسارت باقی مانده به دارایی های شخصی شما از جمله منابع دیگر درآمد، سپرده های بانکی، خانه، و غیره دسترسی پیدا کند؟

پیش از پاسخ به این سؤال باید یادآور شد که هیچ درمانی بهتر از پیشگیری نیست و در مثال ذکر شده بهترین پیشگیری این بود که شما در انتخاب، آموزش و نظارت بر کارمند خود بیشتر دقت می کردید تا نه تنها آنچه

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی

لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ♦ دریافت حقوق پرستاری
- ♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ♦ اخذ ویزای نامزدی
- ♦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ♦ تنظیم اوراق مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران در آمریکا

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

دانشتیهای پزشکی و علمی

خواص لوبیای سویا

و اشخاص ضعیف البنیه بسیار مفید است.
 (۸) سس سویا برای تحریک اشتها بکار می رود.
 (۹) سس سویا را برای از بین بردن بوی گوشت بکار می برند.
 (۱۰) سس سویا را به غذاهایی که تردید دارید سالم باشد بزنید سم آنرا خنثی می کند.
 (۱۱) سس سویا ملین، خنک کننده و ضد سم است.
 (۱۲) اگر زن حامله در معرض خطر سقط جنین باشد به او سس سویا بدهید.
 (۱۳) اگر ادرار کسی بخون آلوده است سس سویا درمان آن است.
 (۱۴) سس سویا برای سوختگی پوست مفید است.
 (۱۵) فرآورده های سویا برای پیشگیری از سرطان مفید است.
 (۱۶) سویا به فعالیت روده ها و دفع منظم سموم کمک می کند.
 (۱۷) سویا مقدار تری گلیسیرین خون را پائین می آورد.
 (۱۸) برای تمیز کردن شریان ها از فرآورده های سویا استفاده کنید حتی کسانی که مبتلا به شریان و در معرض خطر قلبی هستند اگر از سویا استفاده کنند و گوشت را از برنامه غذایی خود حذف کنند بزودی شریان های آنها تمیز و جوان خواهد بود. **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

می شود و باکتریهای مضر روده را از بین می برد.
خواص دارویی
 (۱) سویا مقوی و باد شکن است.
 (۲) دانه سویا، مدر، تب بر و ضد سم است.
 (۳) در چین دانه سویا را بعنوان ضد سم مصرف می کنند.
 (۴) شیر سویا غذای مفیدی برای کودکان است.
 (۵) نان سویا برای مبتلایان به بیماری قند بسیار مناسب است زیرا اولاً ارزش غذایی زیادی دارد ثانیاً مواد نشاسته ای که تبدیل



مسطح و گرد است. دانه سیاه سویا بیشتر در طب گیاهی مصرف دارد ولی از دانه زرد رنگ آن بیشتر برای روغن گیری استفاده می کنند. سویا بعلت داشتن پروتئین و مواد مغذی در تغذیه انسان بکار می رود. سویا از چین به نقاط دیگر دنیا راه یافته است و بطور وحشی در آن کشور وجود دارد. سویا در حدود ۳۵۰۰ نوع مختلف دارد که هر کدام آب و هوای مخصوصی را می خواهد.

ترکیبات شیمیایی

سویا از نظر ویتامین های گروه B بسیار غنی است و دارای مقاداری ویتامین های C, D, E, K کمی کاروتن می باشد. همچنین در سویا کلروفیل و آنتی بیوتیکی بنام کاناولین یافت می شود.

به قند می شود در آن کم است.
 (۶) دانه های سبز سویا را له کرده و بصورت ضما در آورید این ضما برای زخم های آبله و سایر زخم ها مفید است همچنین برای رفع التهاب و قرمزی پای بچه ها که در اثر ادرار بوجود آمده مفید می باشد.
 (۷) سویا برای مبتلایان به نقرس و رماتیسم

دانشمندان موفق شده اند که از لوبیای سویا یک نوع آنتی بیوتیک ارزان قیمت تهیه کنند که مورومیکس نامیده

سویا از نظر ویتامین های گروه B بسیار غنی است و دارای مقاداری ویتامین های C, D, E, K و کمی کاروتن می باشد. همچنین در سویا کلروفیل و آنتی بیوتیکی بنام کاناولین یافت می شود.


سویا قرنهایست که غذای مردم آسیا مخصوصا چین بوده است. چینی ها آن را همراه با برنج بعنوان غذای اصلی خود مصرف می کنند. ایالات متحده آمریکا بزرگترین تولید کننده سویا می باشد و تقریباً دو سوم محصول کل دنیا را تولید می کند. سویا در ایران بنام (لوبیا روغنی)، (لوبیا چینی) سوژا و دانه سویا معروف است.

سویا گیاهی است یکساله دارای ساقه پرشاخه، برگهای آن بیضی، نوک تیز و سبز رنگ می باشد. میوه آن شبیه لوبیا است که در هر غلاف آن سه تا پنج دانه جدا از یکدیگر وجود دارد. رنگ دانه سویا بر حسب انواع مختلف متفاوت است و برنگهای زرد، سفید، سیاه، خاکستری و خالدار دیده می شود. دانه سویا به بزرگی یک نخود کمی

دکتر علی شیرزادی

متخصص و جراح بیماری های مغز و اعصاب

Fellowship Trained in Spinal Disorder



کلینیک مجهز به پیشرفته ترین تجهیزات برای تشخیص و جراحی بیماری های مغز و اعصاب

Our mission is to serve our patients to the best of our ability by providing them with the best neurosurgical care available.

- * Brain & Spinal Tumors
- * Neck & Back Pain
- * Spinal Surgery
- * Neurovascular Surgery

- * تومور مغز و ستون فقرات
- * گردن و کمر درد
- * جراحی ستون فقرات
- * جراحی عصب ها

www.southbaybrainandspine.com

Tel: (408)358-0133 Fax: (408)358-8134

2577 Samaritan Drive, Suite 710, San Jose, CA 95124

کاوه میرشفیعی

Attorney at Law



وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال با دانش و تجربه در امور ورشکستگی، امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی

Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

* کلیه امور ورشکستگی * کلیه امور خانوادگی

* کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

* Business Law

* Bankruptcy * Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)418-4675

www.headwaylegal.com

111 N. Market Street, Suite 300 San Jose, CA 95113

دانستنیهای جالب!

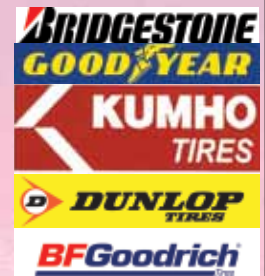
- ♦ بدن خود غذا مصرف می کند.
- ♦ رشد دندانهای سگ آبی هیچگاه متوقف نمی گردد.
- ♦ چیتا قادر است درحد سرعت خود گامهایی به طول ۸ متر بر دارد.
- ♦ شمشیرها قادرند مقابل آینه چهره خود را تشخیص دهند اما میمونها نمی توانند.
- ♦ روشنایی قرص کامل ماه برابر هلال ماه می باشد.
- ♦ یک خرس قادر است با سرعت یک اسب بدود.
- ♦ اسب ها قادرند در حالت ایستاده بخوابند.
- ♦ کانگرو ها قادرند ۳ متر به سمت بالا و ۸ متر به سمت جلو بپرند.
- ♦ گونه ای از خرگوش قادر است ۱۲ ساعت پس از تولد جفت گیری کند.
- ♦ دارکوب ها قادرند ۲۰ بار در ثانیه به تنه درخت ضربه بزنند.
- ♦ سالانه ۵۰۰ فیلم در آمریکا و ۸۰۰ فیلم در هند ساخته می شود.
- ♦ تمامی پستانداران به استثنای انسان و میمون کور رنگ هستند.
- ♦ تمام قوهای کشور انگلیس جزو دارایی های ملکه انگلیس می باشد.
- ♦ موریانه ها قادرند تا ۲ روز زیر آب زنده بمانند.
- ♦ فیل ها قادرند روزانه ۶۰ گالن آب ۲۵۰ کیلو گرم یونجه مصرف کنند.
- ♦ جغد ها قادر به حرکت دادن چشمان خود در کاسه چشم نمی باشند.
- ♦ ۸۰ درصد امواج مایکرو ویو تلفنهای همراه بوسیله سر جذب می شوند.
- ♦ قدقضا نوردان هنگامی که درفضا هستند ۵ تا ۷ سانتیمتر بلند تر میگردند.
- ♦ بلژیک تنها کشوری است که فیلمهای غیراخلاقی را سانسور نمی کند.
- ♦ موزیرمصرف ترین میوه کشور آمریکا است.
- ♦ در تمام انسانهای کره زمین ۹۹۹ درصد شباهت ژنتیکی وجود دارد.
- ♦ قلب انسان بطور متوسط ۱۰۰ هزار بار در سال میتپد.
- ♦ سطح شهر مکزیک سالانه ۲۵ سانتی متر نشست میکند.
- ♦ ۵۰ درصد جمعیت جهان هیچگاه در طول حیات خود از تلفن استفاده نکرده اند.
- ♦ در هر ۵ ثانیه یک کامپیوتر در سطح جهان به ویروس آلوده می شود.
- ♦ ظروف پلاستیکی ۵۰ هزار سال طول میکشد تا در طبیعت شروع به تجزیه شدن کند.
- ♦ موشهای صحرایی سالانه ۳/۱ منابع و ذخائر غذائی جهان را نابود می سازند.
- ♦ ۹۸۵ درصد از ژنهای انسان و شامپانزه یکسان می باشد.
- ♦ کانادا یک واژه هندی به معنی روستای بزرگ می باشد.
- ♦ سوسکها سریعترین جانوران ۶ پا می باشند با سرعت یک متر در ثانیه.
- ♦ جلیقه ضد گلوله، برف پاک کن شیشه خودرو و پرینتر لیزری همگی اختراعات زنان می باشد.
- ♦ خرگوشها و طوطی هابدون نیازی به چرخاندن سر خود ندارند پشت سر خود را ببینند.
- ♦ سگهای شهری بطور متوسط ۳ سال بیشتر از سگهای روستایی عمر می کنند.
- ♦ در آمریکا سالانه ۱۵ نفر بر اثر گاز گرفتگی توسط سگها جان خود را از دست می دهند.
- ♦ مادرو همسر گراهام بل مخترع تلفن هردو ناشنوا بودند.
- ♦ ۱۰ درصد وزن بدن انسان (بدون آب) را باکتریها تشکیل می دهند.
- ♦ ۱۱ درصد جمعیت جهان را چپ دستان تشکیل می دهند.
- ♦ از هر ۱۰ نفر یک نفر در سراسر جهان در جزیره زندگی می کند.
- ♦ ۹۸ درصد وزن آب از اکسیژن تشکیل یافته است.
- ♦ یک اسب در طول یک سال ۷ برابر وزن

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



Get up to \$160

Goodyear® Visa® Prepaid Card by Mail-In
Rebate with the purchase of a set of four select
Goodyear on the Goodyear Credit Card.

Offers valid between 10/01/13 – 12/31/13

Get \$70 OFF

On any four
MICHELIN Tire

Offers valid between 10/01/13 – 10/25/13

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

شهرام: من همیشه با بهترین ها بودم مثل منوچهر چشم آذر، خدا بیامرز آندرانیک. دیگه مثل بعضی از تنظیم کنندگان قدیمی پیدا نمی شه مثل نوید، منوچهر و ناصر چشم آذر، آندرانیک و خیلی کسان دیگر. البته الان هم بسیاری از جوانهایی هستند که به اینجا آمده اند و کار تنظیم موزیک انجام می دهند که کارشان هم خوب است. تنظیم آهنگ یک مسئله مهمی در این کار است. اول شعر بعد ملودی آهنگ، بعد تنظیم و بعد خواننده. همه فکر می کنند که خواننده نقش مهمی دارد در صورتیکه تنظیم کننده و آهنگساز نقششان به مراتب مهمتر از خود خواننده هستند. حتی یک تنظیم کننده خوب می تواند یک آهنگ را نجات بدهد. خواننده مادرزادی یک صدایی دارد. فقط هنرش در این است که می تواند بخواند. همین.

علیرضا: البته شما که هنرتان تا حدی کامل هست، هم شعر می گویند، هم آهنگ ساز هستید و هم می خوانید. **شهرام:** مسئله این است که وقتی اسم هنرمند روی یکی گذاشته می شود، آن شخص باید یک چیزی موثر از خودش نشان دهد و یک چیزی را بوجود بیاورد. وقتی شما نوعی آهنگی را بسازید بالاخره یک چیزی درست کردید و یک هنری از خودتان نشان دادید. حالا یک کسانی می توانند بخوانند و یک کسانی نمی توانند بخوانند. خواندن نیز خودش یک حرفه است ممکن است یکی صدایش خیلی خوب هم نباشد اما وقتی شروع به خواندن می کند همه لذت ببرند و یا بالعکس. این است که هنر خوانندگی خودش هم یک نوع هنر است.

علیرضا: نظر شما درباره نسل جدید موزیک ایران و لس آنجلس چیست؟ **شهرام:** والله درباره موزیک در داخل ایران باید بگم که آنها متأسفانه امکاناتشان خیلی کم است. موسیقی در ایران فعلی و با توجه به شرایط حاضر خوب است. موسیقی سنتی نیز از قدیم بسیار پیشرفت کرده و موسیقی پاپ نیز خوب دارد جلو میرود. من شخصاً موسیقی Rap اصلاً دوست ندارم. البته این نظر شخصی من است و نمی گویم که موسیقی Rap بد. موسیقی همیشه خوبه و هیچوقت بد نمی تواند باشد. من فقط شخصاً زیاد اهل موسیقی Rap نیستم.

علیرضا: لس آنجلس چطور؟ نظرتان را در این مورد بگوئید. **شهرام:** لس آنجلس هم کمی پس رفته ولی هنوز که هنوزه موسیقی ایرانی در دنیا از لس آنجلس صادر می شود.

آن زمان اینجا بود. این آهنگ زندگی من را عوض کرد و توانستم تا به امروز روی پاهایم بایستم. مهمتر این که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ در ایران فقط آهنگهای من بود که پخش می شد. هیچ خواننده ای تا دو سه سال اول انقلاب در ایران هیچ آهنگی نداشت. تمام مردم فقط با آهنگهای من زندگی می کردند بخاطر اینکه فقط من در آمریکا بودم. خیلی هم خوشحال بودم که میتوانستم هموطنانم را راضی نگهدارم. چهارتا آلبوم بیرون دادم و بعد یواش یواش خواننده های دیگه آمدند.

علیرضا: قبل از اینکه به آمریکا بیایید، در ایران، اون دوران طلایی که کار حرفه ای را شروع کردید تا وقتی که تمام شد، برای شما چطور گذشت؟

شهرام: برای من و امثال من در آن زمان مانند بهشت بود. و با عث آن هم شاه بود



که مملکت را اونطوری نگهداشته بود. نه جنگی بود نه بمبی بود و نه مشکلی داشتیم. برای همین بهترین دوران زندگی من از ۱۵ سالگی تا ۳۰ سالگی بود، بعد هم که به آمریکا آمدم.

علیرضا: خانواده شما، خواهر و برادرهایتان هم در کار موسیقی هستند. درست است؟

شهرام: فقط شهبال در کار هنری است. پدرم خدا بیامرز سرهنگ ارتش بود، مادرم هم مدیر مدرسه. البته همه ساز می زدیم. پدرم سنتور و مادرم تار، شهبال درام، شهنام گیتار و پیانو می زدند و شهناز خواهرم که بزرگتر از همه ماست در کنسروتری وین پیانو را با مهارت یاد گرفت. منم که کوچکترین بودم از همه اینها یاد گرفتم ولی بین ما فقط من و شهبال دنبال کار موسیقی رفتیم که من بیشتر از شهبال یاد گرفتم. او از من بزرگتر بود و من دنبال راه او رفتم.

علیرضا: ۹۰ درصد آهنگاینتان را خودتان ساختید. بنا بر تجربه ای که در این کار دارید، نظرتان در مورد تنظیم کنندگان چیست و با چه کسانی شما همکاری می کردید؟



دی جی علیرضا

djaliereza@yahoo.com

www.djalireza.com

Like me on Facebook DJ ALIREZA

صبحتی با شهرام شب پره

به لس آنجلس رفتیم و سه ماه در آنجا ماندیم. من آخر سال ۱۹۷۷ به ایران برگشتم. اواخر ۷۸ دوباره به آمریکا آمدم. البته ابی اینجا ماند و دیگر از سال ۱۹۷۷ به ایران بازنگشت. قرار بود با لیلیا فروهر برگردیم که به لیلیا ویزا ندادند. قرار شد

علیرضا: با تشکر و سپاس از وقتی که برای مصاحبه با ماهنامه پژواک می گذارید.

شهرام: با کمال میل هر سوالی که دارید در خدمت هستم.

علیرضا: شما از چند سالگی شروع به کار هنری کردید؟

شهرام: از سن پانزده سالگی. اولین صفحه ام در سال ۱۹۶۵ بود که به بازار آمد. در آن زمان در متل فو در شمال ایران شروع بکار کردم.

علیرضا: تحصیلات موزیک شما چیست و چه سازهایی را ادامه داده اید؟

شهرام: ساز اصلی من درام هست و بعد گیتار باس (Base Guitar) و تمام سازهای پروکاشن مثل کونگا (Conga)، بانگو (Bongos)، تیم بالس (Timbales) و مقداری هم پیانو می زنم و به مدت دو سال هم در آمریکا به مدرسه موسیقی رفتم.

علیرضا: سبک موزیکی که شما همیشه انتخاب کرده اید، غیر از آهنگهای شش و هشت که همیشه می خواندید، یک سبک gypsy اسپانیایی هم مثل همون چیلی پوم قدیم و یا آهنگهای نظیر آنکه در اینجا خواندید می باشد. درست است؟

شهرام: بله موسیقی من اصولاً ریتم ها و ملودیهایش بیشتر شبیه آمریکای جنوبی و اسپانیایی می باشد. موزیک شش و هشت را همه دارند. آمریکائیا هم این ریتم را دارند و فقط مال ایران نیست. البته شش و هشتی که ما می زنیم متفاوت است و آنها به صورت دیگری می زنند، ولی در اصل نوشتن و خواندن نت است که همه به یک فرم می باشد همه میتوانند بزنند فقط شماره هایش فرق می کند حتی مایکل جکسون هم این سبک را اجرا کرده. فقط تنبک ندارند.

علیرضا: لطفاً در مورد مهاجرت به آمریکا توضیحی بدهید.

شهرام: من سال ۱۹۷۷ یک قرارداد بستم و با ابی به نیویورک آمدم و بعد از دو ماه

آمریکا و سوریه:

راه حل صلح آمیز و اصرار بر تأیید گزینه نظامی

دکتر حسین باقرزاده

hbzadeh@btinternet.com



ولی گفتگو در باره گزینه جنگ در آن هم‌چنان ادامه داشت. درست در لحظاتی که خبرگزاری‌ها از آمادگی دولت سوریه برای واگذاری کنترل سلاح‌های شیمیایی به «جامعه بین‌المللی» و آمادگی آمریکا برای صرف نظر کردن از حمله به سوریه خبر می‌دادند، آقای اوپاما در گفتگوهای پیاپی تلویزیونی به دنبال جلب حمایت مردم آمریکا از حمله نظامی بود و وزیران خارجه و دفاع و رییس ستاد کل ارتش آمریکا به کنگره رفته بودند تا حمایت آنان را به دست آورند.

استدلال مشترک همه این‌ها هم یکی بود: اگر اسد طرح یاد شده فوق را پذیرفته، دلیل آن تنها تهدید آمریکا حمله به نظامی

در بحبوحه تلاش‌هایی که برای اقناع داخلی و بین‌المللی از سوی باراک اوپاما در حمایت از حمله نظامی به سوریه صورت می‌گرفت، ناگهان راه حلی صلح آمیز مطرح شد و آن فعالیت‌ها را تحت الشعاع قرار داد. راه حل ساده بود: خارج کردن کنترل زرادخانه سلاح‌های شیمیایی سوریه از دست دولت بشار الاسد.

خبر ابتدا از مسکو بیرون آمد و بلافاصله در کنفرانس مطبوعاتی مشترک وزیران خارجه آمریکا و بریتانیا در لندن مطرح شد و پاسخ جان کری که تا آن لحظه بر ضرورت حمله نظامی تأکید داشت مثل توپ در جهان خبر صدا کرد: «اگر دولت سوریه ظرف یک هفته این سلاح‌ها را در اختیار جامعه جهانی بگذارد آمریکا از حمله نظامی منصرف خواهد شد.» این سخن چند ساعت بعد از سوی اوپاما در مصاحبه‌های تلویزیونی با شبکه‌های آمریکایی تأیید شد و به سرعت مورد حمایت سایر رهبران غربی نیز قرار گرفت.

خبر اولیه این بود که روسیه این پیشنهاد را با وزیر خارجه سوریه در مسکو در میان گذاشته و او آن را پذیرفته است (بعدها گفته شد که پیشنهاد اول در گفتگوهای حاشیه‌ای همایش گروه ۲۰ در سنت پترزبورگ بین اوپاما و پوتین مطرح شده است). و اکنون که این پیشنهاد پذیرش عام یافته بود فضای دیپلماسی جهانی ناگهان تغییر یافت: شبح جنگ دور شده بود، بشار اسد و حامیان او نفس راحتی کشیدند، مخالفان مسلح او احساس یاس و ناامیدی کردند، جنبش ضد جنگ در اروپا و آمریکا احساس پیروزی کرد، و بازارهای بورس در سطح جهانی جهشی فوق‌العاده یافتند.

این خبر، اما، به معنای پایان تلاش‌های دولت اوپاما برای جلب حمایت داخلی و بین‌المللی از حمله نظامی به سوریه نبود. او و نمایندگان هم‌چنان به تلاش‌های خود ادامه دادند. کنگره آمریکا رأی‌گیری در این مورد را به دلیل تحولات یاد شده فوق به تأخیر انداخت،

آمریکا و هم به خصوص در بین اعضای کنگره برد زیادی دارد. در عین این که کاربرد بمب‌های شیمیایی در حومه دمشق که به مرگ دردناک بیش از ۱۴۰۰ زن و مرد و کودک منجر شده و پخش گسترده تصاویر و ویدئوهای آن مردم جهان را به شدت تحت تأثیر قرار داده، این حادثه برای اقناع افکار عمومی و کنگره آمریکا به حمله به سوریه کافی نبوده است. عواقب فاجعه‌بار و پر هزینه حمله نظامی به عراق و افغانستان چنان مردم آمریکا را از جنگ رمانده که وقایع تکان دهنده‌ای از این قبیل هم نمی‌تواند آنان یا نمایندگانشان را در کنگره به حمایت از حمله نظامی به یک کشور دیگر خاورمیانه‌ای باز دارد. از این نظر لابی‌های جنگ لازم دیده‌اند که پای «لولوی» ایران را به میان بکشند.

در یکی از مقالات اخیر این نظر را مطرح کردم که حمله به سوریه از سوی آمریکا به عنوان آزمایشی برای حمله به ایران به کار گرفته می‌شود و پیام اصلی آن در واقع خطاب به رژیم ایران است.

اکنون این نکته از سوی خود مقامات آمریکایی در روزهای اخیر به صراحت



مطرح شده است و برای اقناع نمایندگان کنگره و متحدان غربی آمریکا هم به کار گرفته می‌شود. در آن مقاله گفته شد که آمریکا از حمله به سوریه از جمله این هدف را در مورد جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند که «نشان دهد وقتی از گزینه نظامی سخن می‌گویند این یک تهدید توخالی نیست و باید آن را جدی گرفت» و اکنون، برای نمونه، سوزان رایس، مشاور امنیت ملی باراک اوپاما، می‌گوید «ایالات متحده ناگزیر است به سوریه حمله کند تا جمهوری اسلامی ایران دریابد که نمی‌تواند به راحتی به برنامه هسته‌ای خود ادامه دهد».

در واقع، این روزها کلمه «ایران» یا «جمهوری اسلامی» ترجیح‌بند سخنان

مقامات آمریکایی (و متحدان غربی آنان) در استدلال برای ضرورت ضرب شست نشان دادن به رژیم سوریه شده است. مقامات آمریکایی اصرار دارند نشان دهند حتی اگر رژیم سوریه با اجرای طرح یاد شده فوق کاملاً همکاری کند و طرح با موفقیت کامل به انجام برسد، ضرورت حفظ گزینه نظامی باید هم‌چنان باقی بماند. آنان استدلال می‌کنند که رژیم اسد تنها به دلیل تهدید نظامی آمریکا تن به قبول این طرح داده است و اگر موقعیت رییس جمهور اوپاما در کاربرد حمله نظامی تضعیف شود نه او به اجرای کامل طرح تن خواهد داد و از آن «هم‌متر» نه رژیم ایران دیگر تهدیدهای نظامی آمریکا را جدی خواهد گرفت و بلکه به سیاست‌های خود هم‌چنان ادامه خواهد داد.

و البته از دید غرب، «خطر ایران اتمی» به مراتب از کاربرد بمب‌های شیمیایی به وسیله رژیم اسد و کشتن چند صد نفر یا چند هزار تن این جا و آن جا بیشتر و سنگین‌تر است - و نمایندگان کنگره آمریکا که در اکثریت خود در مورد حمله نظامی به سوریه تردید نشان می‌دهند در مورد خطر رژیم جمهوری اسلامی برای منافع آمریکا و متحدانش در منطقه (به خصوص اسرائیل) و ضرورت مقابله با آن کمتر شک و تردید می‌کنند.

تفاوت‌ها هم روشن است: رژیم اسد که بیشترین صدمات را به مردم و کشور خود وارد کرده و حتی بمب شیمیایی علیه مردم بی‌دفاع به کار گرفته است کمترین صدمه‌ای مستقیماً به منافع آمریکا یا اسرائیل در منطقه وارد نکرده و بلکه طی قرارداد نانوخته‌ای منافع آنان را حفظ کرده است.

در برابر رژیم ایران نه فقط همواره تبلیغات خصمانه‌ای علیه آمریکا و اسرائیل به راه انداخته و بلکه عملاً و از طریق ایادی خود در کشورهای منطقه ضربات سهمگینی بر نیروها و منافع آنان وارد کرده و ضربات بزرگی به آنان زده است. از این رو، به روشنی می‌توان دریافت چرا مردم آمریکا عموماً و نمایندگان آنان در کنگره خصوصاً آمادگی بیشتری برای پذیرش ضرورت مقابله با رژیم ایران را دارند و متقابلاً از مشاهده صحنه‌های فجیع کشته‌های بمب‌های شیمیایی اسد در سوریه آن قدر متأثر نمی‌شوند که از برنامه حمله نظامی رییس جمهور «ضد جنگ» خود به سوریه حمایت کنند.

شیوه‌ای که زنان بسیاری برای مقابله با جریان مردسالار جامعه و کم کردن وابستگی اقتصادی خود به مردان به کار می‌برند، نتیجه معکوس می‌دهد.

زهره، ۲۲ ساله است و از ۲۳ سالگی و قبل از ازدواج سر کار می‌رود. حقوق او سهم مهمی در درآمد خانواده سه نفره‌شان دارد، چون دریافتی شوهرش به همه هزینه‌های زندگی‌شان نمی‌رسد. او تمام حقوق خود را در خانه خرج می‌کند. زهره به زمانه می‌گوید: «از ۸۰۰ هزار تومانی که حقوق می‌گیرم، حتی ۱۰ هزار تومان هم برای خودم نمی‌ماند. قسط خانه را من می‌دهم و بقیه پولم هم صرف خرج‌های دیگر خانه می‌شود. شوهرم از همه هزینه‌های من خبر دارد، اما من واقعا نمی‌دانم که آیا او همه پولش را خرج می‌کند یا چیزی را کنار می‌گذارد.»

خانواده‌هایی مثل زهره کم نیستند. در این نوع خانواده‌ها، از زن توقع می‌رود که اگر کار می‌کند یا درآمد مستقلی دارد، آن را تمام و کمال در خانه خرج کند، اما در مقابل، مردان موظف نیستند در زمینه مالی شفافیت کامل داشته باشند. بسیاری از این گروه مردان، بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند یا در اموری مانند بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند. اموال منقول هم در بسیاری از خانواده‌ها به نام مردان می‌شود و زنان از خانه و ماشینی که از درآمد خود خریده‌اند، سهمی نمی‌برند.

فرشته، زن ۴۵ ساله‌ای که ۲۵ سال است تدریس می‌کند، یکی از این زن‌هاست. او می‌گوید: «بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک، هم خانه داریم هم ماشین، اما هیچ کدامش به نام من نیست. آن موقع که جوان‌تر بودم، می‌گفتم فرقی نمی‌کند و از درآمد خودم بخش زیادی از هزینه‌ها را تامین کردم، اما حالا پشیمانم. فکر می‌کنم نتیجه‌ای از زحماتم نبرده‌ام و اگر روزی اتفاقی برایم بیفتد، چیزی ندارم. تنها دلخوشی‌ام همین حقوق بازنشستگی است.»

مالکیت زنانه، اختیار مردانه

در تفکر مردسالار جامعه ایران این تصور به شکل پنهان وجود دارد که اگر زن از نظر مالی استقلال داشته باشد، حرف شنوی از مردان نخواهد داشت و این موضوع زمینه ساز اختلافات خانوادگی خواهد شد.

گفت‌وگو پیرامون این مسایل بسیار کاهش یافته و می‌تواند باعث ایجاد گسل عاطفی میان زن و مرد شود.

زنان شاغل علاوه بر کار خارج از خانه ناچارند عمده‌ترین کارهای داخل خانه را هم به تنهایی به دوش بکشند. در حالیکه اکثریت مردان یا مهارت‌های مربوط به خانه‌داری را نیاموخته‌اند یا همکاری لازم را با همسری که پا به پای آنها در بیرون از منزل مشغول به کار است ندارند. این مسئله از یک طرف باعث خستگی بیش از حد زن می‌شود که نتیجه آن کاهش توجه و رسیدگی به همسر و فرزندان می‌شود و از طرف دیگر می‌تواند موجبات اختلاف میان زن و مرد را پدید آورد. و در نهایت آخرین و مهم‌ترین عیبی که اشتغال زن در بیرون از خانه دارد، مشکل نگهداری و تربیت فرزند است. در بسیاری از موارد کار مادر و بچه‌داری در تضاد یکدیگر قرار می‌گیرد. این استدلال، معمولا خلاصه‌ای از استدلال‌هایی است که مخالفان اشتغال زنان می‌آورند و در کنار آن، مسئله مراد زنی و مردان در خارج از خانه و احتمال استقلال زنان و کم شدن وابستگی آنها به مردان، موضوعی است که همواره چالش‌هایی را میان زنان و گفتمان مردسالار جامعه برمی‌انگیزد.

استقلال مالی، جایگزین کمبودهای اجتماعی

استقلال مالی زنان هرچند در نهایت به نفع خانواده است، اما به دلیل نبود حمایت‌های لازم اجتماعی نظیر بیمه و تامین اجتماعی و فقدان حمایت‌های قانونی از زنان تنها و سرپرست خانوار، به عنوان یک راه‌حل برای شرایط دشوار در نظر گرفته می‌شود و بسیاری از زنان آن را به عنوان وضعیتی برای حفاظت از خود در مقابل خشونت اجتماع و مردان استفاده می‌کنند.

بنا به اعتقاد رایج میان گروه‌های زنان، داشتن استقلال مالی می‌تواند به آنها کمک کند تا در شرایط دشوار بعد از طلاق یا مرگ همسر، خودشان از عهده زندگی‌شان بر بیایند، اما حتی در این حالت نیز استقلال مالی زنان به رسمیت شناخته نمی‌شود و درآمد آنان به شکل‌های مختلف از دست‌شان خارج می‌شود. به این ترتیب،



پول زنان در جیب مردان نعیمه دوستدار

اقتصاد خانواده به اقتصاد جامعه پیوند فزاینده است و دنیای امروز توسعه را مستلزم مشارکت اقتصادی زنان می‌داند. کار زنان برای بهبود شرایط اقتصادی هم از نظر فردی و جمعی، به فوایدشان و خانواده‌شان کمک می‌کند و هم جامعه از مزایای تلاش اقتصادی‌شان برخوردار می‌شود. براین اساس، میزان فعالیت اقتصادی زنان یکی از شاخص‌های توسعه در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. نسبت فعالیت اقتصادی زنان در کشورهای پیشرفته صنعتی می‌تواند تا حدود ۵۰ درصد برسد، اما این نسبت در ایران حدود ۲۰ درصد است. در ایران، موضوع اشتغال زنان همیشه در پالاش با گفتمان مردسالار ماکم بر جامعه بوده است.

اشتغال زنان، چالش با جامعه

این موارد را به عنوان مضرات اشتغال زنان بر می‌شمارد: «اشتغال زن در بیرون از منزل مسلما وقت و انرژی بسیاری را از وی می‌گیرد و لذا طبیعی است که چنین زمانی با خستگی روانی و جسمی بیشتری (نسبت به زن خانه‌دار) در منزل حضور یافته و آن انرژی را که باید صرف همسر و فرزندانش کند نمی‌تواند بگذارد. همچنین، یکی از مسائلی که باعث مراد و گفت‌وگوی بیشتر زن و مرد با یکدیگر می‌شود، مسایل اقتصادی و مالی است. در زنان شاغل به علت استقلال مالی، میزان

بخش سنتی جامعه کار زنان بیرون از خانه را تقبیح می‌کند و ضررهای آن را بیشتر از سود آن می‌داند. در ادبیات حاکم بر این گفتمان، جایگاه اصلی زن در خانه است و نقش او در ارتباط با همسر و فرزندان تعریف می‌شود.

برای تثبیت این گفتمان، همچنان مقاله‌ها، گزارش‌ها و اخبار زیادی منتشر می‌شوند که در آنها کار زنان مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در یک مقاله که در سایت تبیان منتشر شده است، نویسنده



دکتر ورقا روحپور

جراح و متخصص بیماری‌های ارتوپد

Varqa Rouhipour, M.D.

✓ Shoulder, Sports Medicine, Orthopedic
✓ Trauma, and Fracture Management Specialist

✓ Fellowship training in Orthopedic Trauma at Carolinas Medical Center
✓ Sports Medicine/Shoulder & Elbow Reconstruction fellowship at the University of Southern California.

- ◆ جراحی دست و پا
- ◆ جراحی تعویض مفاصل
- ◆ شکستگی‌ها و تصادفات
- ◆ معالجه صدمات ناشی از کار و از کار افتادگی
- ◆ جراحی‌های آرتروسکوپی مفاصل
- ◆ جراحی‌های ناشی از صدمات و شکستگی‌های ورزشی



“Seeing my patients smile after treating their injury or condition is what motivates me to become even more skilled and educated every day.”

(408) 412-8100

www.norcalorthopedics.com

3803 South Bascom Avenue, #102, Campbell, CA 95008

دنیاه مطلب در صفحه ۵۵



حرفه ای و روانشناسی و دانستی های اخلاقی بالاتر بوده و با استشمام فرهنگی کلی جاودانی بشر درباره انسان نزدیک تر بوده است تا به مطالعه و تفکر. لذا شایسته است بگویم که آن انسانی را که شوپنور در تمام قرون و اعصار موجود واحدی معرفی کرده و اختلافات را در اشکال لباس های گوناگون آن می بیند، جلال الدین در مثنوی او را قهرمان داستانهای خود قرار داده و تحولات تکاملی آن را تعلیم می دهد، اگر چه در آن مواردی که ارتباط انسان را با آغاز و پایان وجودش مورد بررسی قرار می دهد به اشتباهاتی دچار می شود که دلش همان تناقض گویی های اوست و ماکس بلانک در منتخباتی «از جملات علم به کجا می رود»، با جلال الدین در بسیاری موارد اشتراکات فکر و اندیشه نشان می دهد.

که زه آخر مصرع دوم ریسمان معنی می دهد. بیت زیر را به عنوان یک مسئله اجتماعی دقیق از مولوی می شود پذیرفت: من بهر جمعیتی نالان شدم جفت خوشحلالان و بدحلالان شدم نه تنها انسان در حال فردی برای جلال الدین مطرح بوده، بلکه کیفیت های ناشی از زندگی اجتماعی برای او از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است و بیانات واقع بینانه ای را در آن قلمرو ابراز کرده است. مثلاً بهره برداری از اختلاف در مسئله پادشاه جهود و نصاری را به قدری عالی متذکر شده است که گویی او سالیان دراز در مسائل سیاسی ورزیده بوده است. می توان گفت، اظهارات جلال الدین درباره مسائل فردی و اجتماعی انسانها از مجرد اندیشه های فلسفی



جلال الدین مولوی و داستایوسکی

دکتر حسین مسیح پور

فئودور داستایوسکی نویسنده روسی (تولد مستکو، ۱۸۲۱، وفات ۱۸۸۱م) در سال ۱۸۴۳ دوره تحصیلات مهندسی خود را به پایان رسانید و بعد از خدمت در اداره مهندسی و نقشه کشی استعفا داد و وجود خود را وقف ادبیات کرد. از آثار او «آقای پروفامین»، «دل نازک»، «تئوپانزه‌انوا»، «شواب عمویان»،



«دهکده استپانکوف»، «فیانت و تنبیه»، «در فانه اموات»، «ابله»، «برادران کارامازوف»، «آزادگان»، «تسفرشدگان»، «تئوشکا»، «پادشاهای زیرزمینی» و کتابهای دیگر، نوشته های او پدید آمده و به زبان دشوار روسی که فاص جامعه ممتاز روسیه قدیم و مشهور از اصطلاحات و جمله های فرانسوی که در زبان روسی نفوذ یافته نوشته شده ولی بعضی از آثار او به زبان فصیح و مردم پسند تمریر گردیده و تا مدی ساده است. او زندگی مردم روسیه را آنچنان که بودند توصیف کرده است و درست دست روی رگ فوای ملت فویش نهاده و بسیاری از معایب و مماسن و گیره‌داریهای زندگی مردم را به رشته تمریر کشیده که اگر با آثار و داستانهای مثنوی تطبیق شود، می بینیم که جلال الدین قرنهای بسیار قبل از داستایوسکی آن نکات افلاقی و اجتماعی و دردهای جامعه را بیان کرده است. ما قبلاً گفته ایم که مقصود از مقایسه این دو نویسنده به معنی افس کلمه نیست، بلکه مشترکات رومی، روانی، اجتماعی، انسانی و افلاقی است که این مسائل نه شرقی می شناسد، نه غربی، و این خود روشن ترین دلایل وجود فرهنگ مشترکاست که از مضامین دواوپانیشاد و آثار کفوتسه و افلاق (اسطو و غیره گرفته تا فرهنگ دارای سیستم باز آثار متفکرین انسانی قرنهای اخیر مغرب زمین مانند هوگو و بالزاک و تولستوی.

آیا جلال الدین یک انسان شناس است

نخواهد شد و از یافتن حقیقت آن اظهار ناتوانی می کند. با این حال تصورات و مفاهیم فراوان از انسان و شایستگی و بایستگی او در زمینه انالله و انالیه راجعون به دست آورده است به طوری که از یک نظر واقعاً می توان به کم نظیر بودن دریافت های او درباره انسان در میان اندیشمندان و عرفا عقیده مند گشت. مولوی او صاف پست و اخلاق عالیه بشری و مقدمات نتایج آنها را در شرایط مختلف و انگیزه های گوناگون چنان توصیف می کند که گویی برای تحقیق در هر یک از آن امور سالها در آزمایشگاههای روانی با نظر دقیق و اسباب های دقیق بررسی ها داشته است به اضافه اینکه جلال الدین گاهی لحن کلامش بالاتر از مجرد مطالعه و اندیشه را نشان داده، گویی همه آن پدیده ها را در درون خود داشته و برای خود مطرح نموده است وقتی که می گوید:

در هوای آنکه گویندت زهی
بسته ای بر گردن جانت زهی

پاسخ این سؤال را از مباحث و مضامین گوناگون مثنوی می توان به دست آورد که او در هیچ یک از مورد کتابش چنین ادعایی نکرده است بلکه با ابیاتی مانند: تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
لیک کس را دید جان دستور نیست
و مانند آن به این نوع سؤال ها پاسخ داده است. خلاصه جلال الدین از آن شعبده بازان نیست که مشتی معلومات محدود و نارسا با کلمات پریپیچ و خم اسرارآمیز را به رخ انسان ها بکشد بلکه می فرماید:

کاشکی هستی زبانی داشتی

تا ز هستان پرده برداشتی
هرچه گویی ای دم هستی از آن
پرده دیگر بر او بستی بدان
مولوی از شناسایی عالم هستی که بدون آن نه تنها موجود مرموز انسانی، بلکه می گوید حتی حرکت یک برگ ناچیز هم شناخته

هست برهان وجود رستخیز

هر چه خوردست این زمین رسوا شود
تا پدید آید ضمیر و مذهبش
جملگی پیدا شود آن بر سرش
از خمار می بود کان خورده‌ای
از کدامین می بر آمد آشکار؟
آن شناسد کاگه و فرزانه است

این بهار نو ز بعد برگ‌ریز
در بهار آن سرها پیدا شود
بر دم‌د آن از دهان و از لبش
سر بیخ هر درختی و خورش
هر غمی کز وی تودل آزرده‌ای
لیک کی دانی که آن رنج خمار
این خمار اشکوفه آن دانه است

Pain Management & Family Medicine Clinic



Dr. Sarkis Banipalsin

دکتر سرکیس بانپال سین

پزشک خانواده با ۲۰ سال سابقه با بُرد تخصصی

- ♦ متخصص پزشکی خانواده از دانشگاه Rosalind Franklin
- ♦ فوق تخصص کنترل و التیام درد از دانشگاه UCSD
- ♦ مدرس دانشکده پزشکی استنفورد
- ♦ رئیس بخش مراقبتهای اورژانسی
- ♦ پزشک منتخب بیماران برای ۵ سال

- ♦ Family Medicine Specialty ♦ Palliative Medicine & Pain Consultant
- ♦ Teaching Faculty at Stanford University ♦ Medical Director of Hospital Urgent Care
- ♦ Patient's Choice Physician Award Winner for 5 years

- ♦ مشاور تخصصی درد در امراض مختلف استخوانی، عضلانی، عصبی و سرطانی
- ♦ کنترل بیماریهای داخلی، قند، فشار خون، آسم، و کلسترول

Quality Healthcare,
Public Trust, Setting the standards
in Family Medicine

ویزیت فقط با وقت قبلی (408)448-2264

www.BanipalsinMD.com Mon-Fri: 9am-12pm ♦ 3pm-6pm
1610 Westwood Drive, Suite 5, San Jose, CA 95125

کاغذین جامه

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com



شده است:

کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک
رهنمونیم به پای علم داد نکرد
(حافظ)

سیمین بهبهانی، بانوی شعر پارسی، «کاغذین جامه» را عنوان دفتر شعرش قرار داده است (۱). سیمین در صدر مقدمه دفترش بیت بالا از حافظ را آورده و سپس می نویسد:

«... شعر این دفتر میان سال های ۶۰ تا ۶۸ می گذرد... تصویر این سالیان خونین را خامه ای خونین می بایست تا کاغذین جامه داد خواهی مان را رقم زند و دریغا که از علم داد کس نشان نداد» (۲).

نوشتن موضوع دادخواهی بر جامه کاغذین و پوشیدن آن به نشانه استغاثه و تظلم، یک رسم قدیم در ایران بوده است. منتظم از عجز و بیچارگی، ماجرای دادخواهی و تظلم خود را بر جامه کاغذین می نوشته و آن را می پوشیده و در پای «علم داد» که در معبر و منظر حاکم قرار داشته می رفته تا حاکم دریابد که او دادخواه است و به دادش برسد. قدیم ترین اشعاری که در آن ها این رسم دادخواهی مضمون قرار گرفته متعلق به خاقانی، عطار و کمال الدین اسماعیل شاعران قرن ششم و اوایل قرن هفتم می باشد. اینان و دیگر شاعران گاه از واژه پیرهن نیز به جای جامه استفاده نموده اند. پنج بیت زیر از خاقانی است. او در دو بیت نخست از دست به قلم نبردن و نامه نفرستادن یار تظلم و دادخواهی می کند:

از جور یار پیرهن کاغذین کنم
کاو کاغذ و سر قلم از من دریغ داشت
تا که دست قدر از دست تو بر بود قلم
کاغذین پیرهن از دست قدر باد به در
خاقانی در سوگ از دست دادن فرزندش رشیدالدین به فغان می آید:
کاغذین جامه هدف وار علی الله ز نیم

تا به تیر سحری دست قدر بر بندیم
هم او در قصیده ای در وصف آوردن تربت از مرقد پیامبر اسلام می گوید:

یک خدنگ از ترکش آن شهنه در پای عشق
نزد عقل از بیم چرخ جانستان آورده ام
حاسدانم چون هدف بین کاغذین جامه که من
تیر شهنه از پی امن شبان آورده ام
و در بیت زیر از او، برف نشسته بر کوهسار به جامه (سپید) کاغذین طبیعت در برابر جور و ستم دی یا زمستان تشبیه

بر باغ قلم درکش وز جور دی آتش کن
چون پیرهن از کاغذ کجسار همی پوشد
در نسخه دیگر: بر باغ قلم درکش و آن
کوره پر آتش کن.

عطار در منطق الطیر در حکایت شیخ صنعان به پیرهن کاغذی اشاره دارد. در این حکایت، یاران شیخ بدون او به دیار خود باز می گردند و ملامت می شوند که چرا شیخ را با دختر ترسا در روم تنها گذارده اند و سپس عزم دوباره می کنند که برخیزند، به روم بروند، معتکف شوند، و از حق شفاعت و یاری طلبند:

لازم درگاه حق باشیم ما

در تظلم خاک می باشیم ما
پیرهن پوشیم از کاغذ همه

در رسمیم آخر به شیخ خود همه
جمله سوی روم رفتند از عرب

معتکف گشتند پنجان روز و شب
تا سرانجام پس از چهل شبانه روز شیخ از بند آن چنان عشق رها گردید. عطار در جای دیگر نیز از پیرهن کاغذین نام برده است و در بیتی از غزلی سراسر در ملامت خویشان می گوید:

سزد که پیرهن کاغذین کند عطار

که شد ز نفس بد آموز پیرهن گفتم
کمال الدین اسماعیل چهار بیت با مضمون جامه کاغذی دارد:

تا کی از دست تو بر خود پیچم
کاغذین جامه ز تو چند درم

کاغذین باد جامه خصمت
بس که از غم بر او ستم باشد

کاغذین جامه پیوشید و به درگاه آمد
زاده خاطر من تا بدهی داد مرا

کنون کاغذین جامه پوشید و آمد
به درگاه صدر مظفر شکوفه

بیت بالا از قصیده ای است صد بیتی با ردیف شکوفه.

و مضمون زیر از امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ تا ۷۲۵ قمری) است:

این نامه نیست پیرهن کاغذین ماست

پر خون ز دست هجر به جانان که می بر د؟
سه بیت متوالی زیر از اوحدی مراغه ای، در منظومه جام جم، نیز ناظر بر همین رسم است

بعد از این چون قلم به سر کوشم
جامه کاغذین فرو پوشم

علم جامه جمله قصه ی داد

وندر او کرده غصه خود یاد

مگرم کاغذی شود روزی

بر سر آن غیاث دین سوزی

تقریباً دو قرن و نیم بعد وحشی باققی در مثنوی خلد برین چنین حکایت می کند که بی گناهی در بند بوده، شرح تظلم می نویسد و به کسی می دهد تا بر تن کند و به نزد پادشاه داد خواهی او را نماید:

جامه او ساخته ام کاغذین

داندزان راست لباس این چنین
آن سخن تازه ی بر سوز و درد

برد و به شه داد فرستاده مرد
شاه چو بر خواند در آمد ز جای

گفت شتابند به زندان سرای
مژده اش از فر همایی دهند

زودش از آن بند رهایی دهند
در تذکره هزار مزار (به تصحیح و تحشیه

نورانی وصال، صفحه ۳۸۹) که ترجمه کتاب شدالازار تألیف عیسی بن جنید شیرازی معاصر حافظ است، در احوال قاضی جمال الدین مصری چنین آمده (۳):

«...می گویند چون به شیراز آمد مدتی ذکر او پنهان بود و کسی او را نمی شناخت تا زمانی که کار به تنگ رسید.

پس برفت و کاغذی چند داشت. جامه ای از آن بساخت و در پوشید و به مدرسه خواجه عمیدالدین ابونصر رفت.

چون مولانا از درس فارغ شد و به دهلیم خانه نشست از جهت گذراندن حاجتها، ناگاه او را با آن جامه کاغذی بدید. پس شخصی بفرستاد تا از حال او بپرسند.

چون بیامد و تفحص احوال او کرد قاضی جمال الدین گفت در شهر مصر چنین رسم است که هر کس مظلوم گردد و از نصرت و یاری محروم شود کاغذ در پوشد و بانگ می زند. و حال آن که من

مردی عالمم، آمده ام در این شهر از بهر صلاح حال و یافتن جاه و مال، و چندانی که در شهر شما بودم که جامه ها دریدم و کتاب ها فروختم و هیچ در دست من

نماند. پس چون این خبر برسانید عذر وی خواست و کس بفرستاد تا اتاپیک را خبر کردند و قصه بگفتند و بعد از آن عمل به وی دادند و قضا به وی رجوع کردند...»

دو بیت زیر به ترتیب از بدر جاجرمی و سیف اسفرننگ نیز در مورد کاغذین جامه است (۴):

نیست از بیم سر خط تو جز خط نگار

کاغذین جامه کسی بر سر بازار جهان
کاغذین جامه چو صبح آهی بر آرم هر شبی

تا کجا خواهد رسیدن زین تظلم کار من
پوشیدن "جامه سرخ" دادخواهی نیز رسمی مشابه بوده است. می گویند «یکی از ملوک... فرمود که متظلمان

باید که جامه سرخ پوشند و هیچ کس دیگر نپوشد تا من ایشان را بشناسم» (۵).

و نیز آمده که «به فرمان یکی از شاهان چین که شنوایی خود را از دست داده بود دادخواهان لباس سرخ می پوشیده و در راه پادشاه می ایستادند و او که سوار بر فیل از گذرگاه ها می گذشته هر سرخ جامه ای را که می دیده به نزد خود می خوانده و ترتیب دادرسی به شکایت او را می داده است» (۶). قدیم ترین شاهد شعری برای دادخواهی با جامه سرخ از نظامی گنجوی دیده شده است

جامه را سرخ کرد کاین خون است

وین تظلم ز جور گردون است
زمانی نیز برای مطلق دادخواهی خون بر پیشانی می مالیده اند، با بیتی از تجلی لاهیجی به نقل از لغت نامه دهخدا:

نماند از گریه بسیار در دل آنقدر خونم

که گر خواهم به رسم دادخواهان بر جبین مالم
ضمنا خاک بر سر ریختن و به پای علم داد رفتن نیز احتمالاً رسم مشابه دیگری بوده، آنچنان که خواجهی کرمانی می گوید:

گر چه آن فسرو فوبان نهد داد کسی

فاک بر سر کن و پای علم از دست نده
در پایان، نقل این توضیح در خصوص

بیت مورد نظر از حافظ بی تناسب نمی نماید که «در زمان قدیم که کاغذ گران بود، زمانی که نوشته روی کاغذ مورد نیاز نبود کاغذ را پاره نمی کرده و به دور نمی افکنده اند، بلکه نوشته های کاغذ را شسته، کاغذ را خشک می کرده و آن را دیگر بار به کار می برده اند» (۷).

چون فلک یا روزگار حافظ را به پای علم داد رهنمون نشده و وی هم چنان مظلوم مانده بود [در می یابد که] دیگر کاغذین جامه پوشیدن را اثری نیست و باید نوشته های این کاغذین جامه دادخواهی را با اشک خونین شست و سترد» (۸). همچنان که در جای دیگر نیز از شستن اوراق سخن می گوید که:

بشوی اوراق اگر همدرس مایی

که درس عشق در دفتر نباشد
و بیت نخست از حافظ را دوباره می خوانیم:

کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک

رهنمونیم به پای علم داد نکرد
یادداشت ها:

۱. کاغذین جامه، سیمین بهبهانی، نشر زمانه، سن حوزه (کالیفرنیا)، ۱۹۹۲.

۲. کاغذین جامه، ابراهیم قیصری، آینده، جلد ۱۳، ۱۳۶۶، صفحه ۶۰۲ تا ۶۰۴.

۳. دیوان حافظ، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲، جلد دوم (ملحقات دیوان)، صفحه ۱۱۷۱.

۴. کلک خیال انگیز، پرویز اهور، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۲، جلد سوم، صفحه ۱۸۶۳.

داستان زندگی آقای مهندس...

COPYRIGHT 2013

جلد دوم: فصل دوم

با همکاری دکتر ابیث روانشناس تهیه و تنظیم: دکتر ابراهیم رشیدپور

داستان زندگی آقای مهندس... ملاحظه کن عناوین حکایت می کند قصه ای است نمره بازی با خیال و جور کردن تکه پاره های عمر... هرگونه شباهتی با آدمهای این داستان صرفاً تصادفی است.



با کمال در انجمن ایران و آمریکا!

دکتر ابیث روان شناس: به آقای مهندس... که جانشین امروزی خود را در وزارت... جمهوری اسلامی به باد انتقاد گرفته بود گفت: وقتی شما و امثال شما از سر ترس جا خالی کردید و صندلی های وزارت و ریاست و استادی دانشگاه بی صاحب ماند... کسانی که تنها هنر آنها همکاری با انقلاب و دیدن (مفسار) «پیشوا!» در قرص ماه بود، یک شب نامق و ناروا بر پای بزرگان تکیه زدند.

آقای مهندس، با تصدیق آن چه برخود او نیز آشکار و هویدا است، نامه ای را که به یکی از همکاران سابق دانشگاهی خود نوشته، نشان می دهد.

سر دار کمال... دانشجوی سابق موسسه ما!

دوست عزیز و ارجمندم اسفندیار... حدس شما صائب بود. این «سر دار کمال...» که نوشته بودی این روزها در جمهوری اسلامی شان و منزلت خارق العاده ای پیدا کرده و بقولی همه کاره وزارت خانه و موسسه تحقیقاتی ما شده... همان دانشجوی سابق ما است.

آن چه را چندماه قبل از گر گرفتن آتش انقلاب بین من و او گذشت، در یکی از یادداشت های ژورنال روزانه ام نوشته ام... برایت می فرستم. به خواندنش می ارزد...

کمال و دانشجویان «حزب الهی» دانشگاه

اینطور که می گویند کمال... از کارمندان وظیفه شناس وزارت خانه و دانشجویی درس خوان و با استعداد موسسه تحقیقاتی ما است. این نیم سال با من نیز درس دارد. از سر و وضعش پیدا است که از بچه های بااعتقاد مذهبی است. کمی ته ریش دارد و دکمه های پیراهنش را تا زیر یقه می بندد. نماز نیز می خواند. یک روز که از کنار کافه تریا رد می شدم و در نمازخانه باز بود، دیدم که همراه با تعدادی از دانشجویان موسسه در صف ایستاده است.

مهندس شریف که بطور حق التدریسی جامعه شناسی درس می دهد می گفت کمال با بحث های تند و بودارش اکثر جلسات درس او را میبدل به سالن بحث و مناظره می کند. دائماً پای مسائلی مثل «فرهنگ استعماری»، «اقتصاد جهان سوم» و «دارا و ندار» را به میان می کشد و دور را از دست استاد و سایر دانشجویان می گیرد. اوائل که به کلاس من آمده بود کمی ملاحظه اش را می کردم اما کم کم احساس کردم یا موضوع درس من گزگ بدست او نمی دهد و یا کمال در این ساعت

از روز حوصله بحث و جدال با من را ندارد... از این که با او و دانشجویان «حزب الهی» دانشگاه مسئله ای ندارم، خدا را شاکرم...

در راه «انجمن ایران و آمریکا»

امروز بعد از تمام شدن درس، کمال به دفتر کارم آمد که استاد می خواهم راجع به پروژه ام با شما صحبت کنم. از کتری بغل دستم برایش چای ریختم که معذرت خواست و گفت روزه دارم. به نظرم کسی که در ماهی غیر از رمضان روزه می گیرد یا بیش از اندازه مومن و معتقد است و یا صرفه جوئی می کند. بهرحال عذرش را پذیرفتم و تصمیم گرفتم خودم نیز جلوی روی او چای نخورم. نمی دانم چرا دلم برایش سوخته بود. سر و وضعش خیلی فقیرانه است هرچند با دانشجویان دیگر زیاد تفاوتی ندارد. مثل اینکه غیر از درس خواندن و کار وزارت خانه، نجاری نیز می کند.

پرسیدم: «چه کمکی می توانم به شما بکنم؟» گفت: «من و چند نفر از دانشجویان کلاس تصمیم داریم برای پروژه آخر ترم یک سری اسلاید درباره آموزش و پرورش کشورهای جهان سوم و ممالک صنعتی تهیه کنیم. احتیاج به یک مقدار عکس داریم که تا بحال موفق به تهیه آنها نشده ایم. گفتم شاید شما بتوانید راه حلی نشان بدهید». گفتم: «در حال حاضر بهترین منبعی که می تواند عکس های لازم را در اختیار شما و دوستانتان بگذارد کتابخانه انجمن ایران و آمریکا است. اطمینان دارم بهر صورت بتوانند در تهیه این پروژه به شما کمک خواهند کرد».

مثل اینکه پیشنهاد من زیاد باب طبع او نبود. چند لحظه سکوت کرد و بعد من من کنان بهانه آورد که راه کتابخانه دور است و حتما بدون معرفی نامه به آنها جواب رد خواهند داد. نگاهی به ساعت انداختم و به کمال که حتما گمان می کرد او را دست به سر می کنم گفتم: «اتفاقاً من همین الان عازم موسسه تحقیقاتی وزارت خانه در خیابان وزراء هستم. نزدیک انجمن ایران و آمریکا است. اگر دلت بخواهد می توانی با من بیایی. شما را به آنها معرفی می کنم و عکس ها را می گیریم».

گمان نمی کردم موافقت کند. حرف مهندس شریف یادم آمد که می گفت این بچه مسلمان های متعصب از هر چه مربوط به آمریکا و آمریکائی است دوری می کنند. با این همه، معلوم بود کار پروژه جدی است. بی گفتگو دعوتم را پذیرفت، کیفش را برداشت و دنبال راه افتاد.

از پله های وزارت خانه پائین آمدم و سوار

اینکه جواب سؤال من باشد چیزی خلاف انتظارم بود.

کمی بطرف من چرخید و با صدائی که کمی می لرزید گفت: «استاد اگر ناراحت نمی شوید می خواهم چیزی را به شما بگویم». فکر کردم شکوه و گلایه ای از درسم یا کار وزارت خانه دارد. گفتم: «خواهش می کنم بفرمائید». چند لحظه سکوت کرد و بعد در حالیکه دانه های تسبیح را به سرعت از میان انگشتان خود رد می کرد حرفی را که نمی دانم از کی در ذهنش بازی می داد بزبان آورد.

گفت: «دانشجویان موسسه و بعضی از کارمندان وزارت خانه حرف های مرموز و بوداری در مورد شما می زنند... نمی دانم چرا بدون اینکه معنی این حرف او را خوب درک کرده باشم یک لحظه ترسیدم و خشمم زد. نگاهی به طرفش انداختم و زیر لب گفتم: «چه حرف هائی؟». نمی دانستم چه جوابی خواهد داد. امیدوار بودم شوخی کرده باشد و یا لاف از آنچه بعداً می گوید کم آزارتر باشد. اما از قرار معلوم، کمال تصمیم خودش را گرفته بود تا بی رودریستی آنچه را در دل دارد بزبان بیاورد. ادامه داد: «بچه ها می گویند شما با جاها و مراکز خاصی تماس دارید...»

اتهامی سنگین و خطرناک!

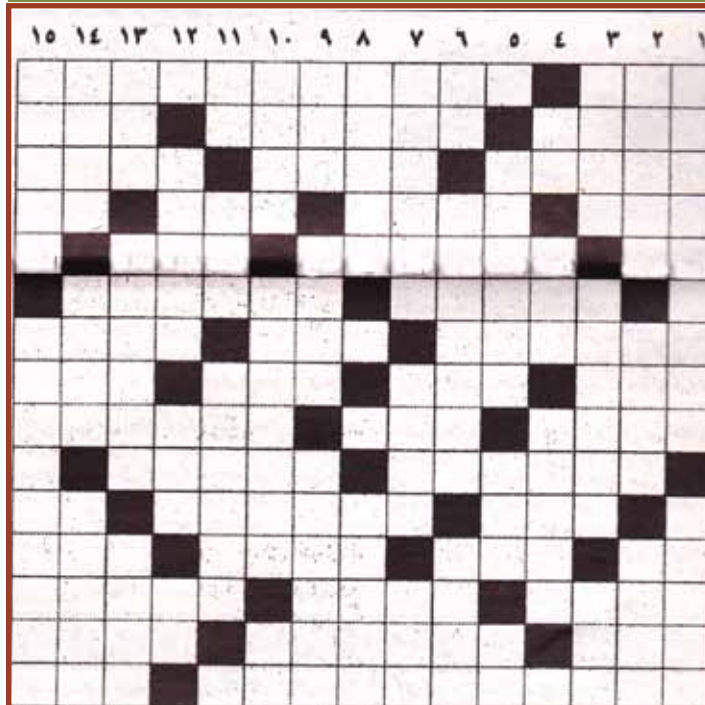
به آخرین چهارراه پارک وی نزدیک می شدیم. چراغ راهنمایی هنوز سبز بود. می خواستم دنبال بقیه اتومبیل ها به سرعت بگذرم که یک مرتبه قرمز شد. محکم پام را روی ترمز کوبیدم. اتومبیل با یک تکان سریع ایستاد و ماشین عقبی نیز به موقع ترمز کرد. هر دو سکوت کرده بودیم. احساس خوبی نداشتم. دنبال حرف و کلامی می گشتم که وقتی کمال صحبتش را تمام می کند بگویم، چیزی به عقلم نمی رسد. چراغ راهنمایی دوم مرتبه سبز شد و براه افتادیم. کمال برعکس چند لحظه پیش سرش را بالا گرفته بود و مستقیماً بطرف من نگاه می کرد. مثل اینکه می خواست عکس العمل حرف ناتمام خودش را در چهره بهت زده من تماشا کند. ادامه داد:

«خیلی عذر می خواهم که بدون رودریستی حرفم را گفتم. این عقیده بچه ها است استاد... ما فکر می کنیم شما... مأمور یک سازمان مخفی و تشکیلات پلیسی هستید و در وزارت خانه و موسسه مأموریت دارید...»

کمال یک مرتبه ساکت شد. شاید حرف دیگری نداشت بزند. شاید هم منتظر بود بلکه من در جوابش چیزی بگویم یا سؤالی بپرسم. و من نمی دانم چرا خودم را باخته بودم. دانشجویی که تا چند لحظه پیش گمان می کردم جوان خجالتی و متعصبی است که از ملاقات «آدم های اجنبی» آنها با زبان روزه، دل خوشی ندارد، به نظرم آدم خطرناکی می آمد که بی مجابا، استاد خود را متهم می کند.

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی



- ۱۱- بدی و فساد- پدران- قطعه است
تاریخی بین قم و کاشان.
- ۱۲- آن که سازش کند- پشته بلند
خاکی- حرفی سوار بر خودش.
- ۱۳- از اجزای دلار- آن که لبش پاره شده
باشد- بخت و اقبال.
- ۱۴- قدرت و یارایی- پرنده ای شکاری
است- بخشی توریستی با آب معدنی در
استان اردبیل.
- ۱۵- از خود دور کردن- اگر نوعی
غذا نباشد نویسنده ای فرانسوی است با
کتاب «نبوغ مسیحیت».

چهار مصراعی.

- ۱- بابا بزرگ همه- مستشار آمریکایی خزانه
دار کل ایران در سال ۱۲۹۰ شمسی.
- ۲- پیامبر زیبارو- حامی و طرفدار-
دستگاهی در موسیقی ایرانی.
- ۳- ناگزیر و ناعلاج- رسیدگی کننده-
از گازها.

عمودی:

- ۴- عقل و دانش- بنده کوچک خدا-
برگزیده و یگانه- چوبی است خوشبو.
- ۵- گاه از نهاد برآید- منسوب به یکی از
سلسله هایی که به مدت ۱۱۰ سال در بخشی
از ایران حکومت کردند- پرندگان دارند.
- ۶- شهر دانشگاهی فرانسه- حق خود را
خواستن.
- ۷- کنایه از دست حضرت موسی است-
یک دوم چیزی- از جمله مواد مخدر.
- ۸- مرکب، جوهر- از اشکال هندسی- قوت
لایموت- حرف انکار به معنای چنین نیست.
- ۹- زاری و شیون- ریشه و نژاد- نمک
معدنی یا نمک آلی.
- ۱۰- پایتخت کشوری است در نزدیکی
آمریکا- پشت سرهم.
- ۱۱- پروردگارا- کشور شوالیه ها-
دشنام و نفرین.
- ۱۲- دباغی پوست- اهلی شده- شهر
«هرات» که گرفتار زلزله شده!- جرقه
آتش.
- ۱۳- راه و روش- از اقوام تاریخ- اشعار
قرار- حرف ندا.

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از
ساعت: ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نیمروز
برگزار می شود. ورود برای عاشقان
شعر و ادب پارسی رایگان است. برای
آگاهی بیشتر با شماره
۰۹۳۹-۹۹۸-۹۲۵ یا ایمیل
mayheravi@yahoo.com
تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و
چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر
ماه میلادی در شهر فریمانت.
مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در
رستوران فیمس کباب.
تلفن اطلاعات:
۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰

**1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA**

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن
یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر
از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو
شنبه ها ساعت ۱۰ شب
از کانال ۱۵ سن حوزه

هزار و یکشب

برنامه ماهیانه شعر و موسیقی
شروع برنامه با شام
از ساعت ۷ عصر
۴۰۸)۳۶۹-۱۲۳۴
۴۰۸)۳۷۵-۶۲۹۹
ورود برای عموم آزاد است

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه
شروع برنامه با شام و موزیک
از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
۴۰۸)۳۶۹-۱۲۳۴
۴۰۸)۳۷۱-۶۴۴۰
مکان: رستوران چاتانوگا
2725 El Camino Real, Santa Clara
ورودیه با شام ۲۰ دلار

زندگی و اشعار بزرگان ادب پارسی

برنامه ای از پرویز نظامی
در تلویزیون آپادانا
یکشنبه ها ساعت ۲ بعدازظهر
جمعه ها ساعت ۶ بعدازظهر
به وقت غرب آمریکا
۵ بعداز ظهر و ۹ بعدازظهر
به وقت شرق آمریکا

نیاز مندیها



آگهی استخدام

به یک خانم آرایشگر، دارای گواهینامه مجوز آرایش از آمریکا و با آشنایی با بند و ابرو نیازمندیم. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید.
۶۳۴۱-۵۱۵(۴۰۸)

HIRING ASSISTANT HOUSE MANAGER

Part-time evenings/weekends - \$15/hr.

Assist with all front of house operations:

Usher supervision, customer service, first aid, volunteer training. No experience necessary – will train. Must be reliable, personable and motivated. Send letter of introduction with 2 references to:

Flint Center
P.O. Box 1897
Cupertino, CA 95015

تازه چه خبر!

- ◆ سخنرانی دکتر رضا اصلان، روز ۵ اکتبر در میلیتاز
 - ◆ کلاس یادگیری رقص و فرهنگ آذربایجان، روز ۵ اکتبر در لوس گاتوس
 - ◆ کنسرت فرزاد ارجمند، روز ۶ اکتبر در سن رافائل
 - ◆ جشن مهرگان، روز ۶ اکتبر در کوپرتینو
 - ◆ شب شعر و موسیقی سنتی، روز ۱۰ اکتبر در وودسایت
 - ◆ سخنرانی در مورد منشور کوروش توسط محمد توکلی طرقي، روز ۱۶ اکتبر در دیویس
 - ◆ شب شعر، روز ۱۷ اکتبر در سن رافائل
 - ◆ ماز جبرانی در روزهای ۱۷ تا ۲۰ اکتبر در سانفرانسیسکو
 - ◆ کنسرت شهریار قنبری و فرزاد ارجمند، روز ۱۸ اکتبر در سن رافائل
 - ◆ کنسرت فرامرزی آصف، روز ۱۹ اکتبر در رزویل
 - ◆ کنسرت محمد رضا لطفی، روز ۱۹ اکتبر در سن حوزه
 - ◆ پارتی شب هالووین، روز ۲۶ اکتبر در هیوارد
 - ◆ شبی با موزیک زیبا شیرازی، روز ۲۷ اکتبر در دنویل
- برای افزودن برنامه خود به این فهرست، به طور رایگان، با دفتر پژواک تماس بگیرید.

خالد ستارگان

دعا

تعادل برقرار کردن بین خوشبینی و واقع بینی می‌تواند حقایق خیلی جالبی را برایتان فاش کند و شما را قادر می‌سازد کارهایی که می‌خواهید در آینده انجام دهید را انتخاب کنید. از نگاه کردن به آینده هراس نداشته باشید. قدم هایتان را محکم و بدون واهمه برداشته و نگران حرفهای مردم نیز نباشید.

مهتر

از کمک‌های خانواده، تان نسبت به خود شگفت زده خواهید شد، چراکه اصلاً انتظار چنین حمایت‌هایی را نداشتید. اما آنها با روش‌های عجیب خود از شما حمایت می‌کنند. شما باید اصرار و لجبازی را کنار بگذارید و به دوستان و حامیان خود اجازه بدهید هرطور که دلشان می‌خواهد رفتار کنند.

تیر

تا چند هفته دیگر ملاقات دوستانه ای با یکی از همکارانتان خواهید داشت تا درباره بعضی از مشکلات محل کارتان صحبت کنید. با تنی چند از دوستانتان دور هم جمع شده و ساعت‌های خوشی را می‌گذرانید. تلفن از راه دور دارید که منتظرش بودید. به نزدیکانتان بیشتر توجه نشان دهید. ورق برنده در دست شما است.

شورودین

شما بالاخره نتیجه سخت کار کردن خود را می‌بینید و پاداشی که در جستجوی شما بودید به شما داده خواهد شد. متأسفانه شما اعتقاد پیدا کرده‌اید که لیاقت زندگی لوکس و تجملی‌تری را دارید و این موضوع باعث تبیل شدن خواهد شد. حتی اگر شما احساس خوبی نسبت به خود داشته باشید، این نباید باعث شود از زیر بار مسئولیت‌های روزانه و همیشگی خود شانه خالی کنید.

بهمین

امروز رویاهای شما می‌توانند سرمنشا الهام باشند، اما شما باید حواستان را جمع کنید. شما به راحتی می‌توانید در دنیای درون خود غوطه ور شوید، به خصوص اگر یک نفر احساسات عاشقانه شما را تحریک کند. فراموش نکنید که شما قدرت این را دارید که رویاهای خود را در مسیر درستی هدایت کرده و بدین وسیله زندگی‌تان را تغییر دهید.

آبان

تا چند هفته دیگر به هدفی که دارید نزدیکتر می‌شوید. امید خود را از دست ندهید. سعی کنید تا آنجایی که می‌توانید به آینده به طور مثبت نگاه کنید. تغییراتی در خانه انجام می‌شود مانند خریدن اسباب. اجازه ندهید کسی در نزد شما از اشخاص دیگر حرف‌های نامربوط بزند. سعی کنید سرتان مشغول به کارهای خودتان باشد.

مرداد

این ماه ممکن است یک تغییر شغلی خیلی خوب و یا ارتقا درجه داشته باشید. اما شما هنوز وظایفتان را در محل کارتان به طور کامل انجام نداده‌اید و مجبورید بیشتر تلاش کنید. اگر می‌خواهید استراحت کنید پس نباید انتظار داشته باشید که کارهایتان تمام شود. حالا شما باید افکار بزرگ داشته باشید و با اطمینان و ثبات قدم این افکار را دنبال کنید.

اردیبهشت

امروز شما خیلی سریع ایده‌های جدید را می‌گیرید، شاید دلیلش این است که شما دوست دارید افق فکری خود را گسترش دهید. چیزهایی که امروز شما یاد می‌گیرید با زیربنای زندگی معنوی شما ایجاد تناقض نمی‌کند و می‌تواند در کنار چیزهایی که قبلاً می‌دانستید استفاده‌شان کنید.

اسفند

امروز شما می‌توانید با دوستان و همکاران خود مشورت کرده و در مورد اهداف آینده خود با آنها تبادل نظر کنید. اما نگران رسیدن به اهدافتان نباشید. الان زمان برنامه ریزی کردن برای رسیدن به موفقیت نیست؛ در عوض شما باید با افراد هم‌فکران که حرف‌های شما را سوء تعبیر نمی‌کنند صادقانه در مورد نگرش‌های خود صحبت کنید.

آذر

شما نتیجه کار سخت خود را خواهید دید و آن می‌تواند افزایش چک حقوقی‌تان و یا حداقل قولی برای افزایش حقوق باشد. مهمانی از راه دور به دیدنتان خواهد آمد. یکی از نزدیکان در آینده نزدیک ازدواج خواهد کرد و شما نقش مهمی در کمک کردن با این شخص خواهید داشت. زیاد به خودتان سخت نگیرید.

شهریور

امروز شما می‌توانید با اطمینان کامل از از خلاقیت خود بهره بگیرید، ولی فکر نکنید که خودتان به تنهایی می‌توانید این کار را بکنید! لازم است که فکر بازی داشته باشید و هوش خود را تقویت کنید. هر وقت که پروژه‌های را شروع کردید، حتی اگر فکر می‌کنید ممکن است خیلی خسته‌تان کند، ولی باز هم آن را ادامه بدهید.

خرداد

شما احساس می‌کنید که رشد و پیشرفت یکنواخت برایتان مانع ایجاد می‌کند، چون شما می‌خواهید رویه خود را پیش بگیرید و سریع‌تر جلو بروید. حمایتی که بدان محتاج هستید را از سوی خانواده خود دریافت کنید. به یک مسافرت کوتاه می‌روید. از شخصی ناراحت شدید، اما به مرور زمان او را می‌بخشید.

CALIFORNIA TRIP SERVICES

(408)674-3562

info@californiatripservices.com



**Need Transportation
To or From the Airport?**

Call us.
We are at your service!

Santa Clara County to San Francisco or San Jose Airport

San Francisco:	One or two persons	\$65.00
San Jose:	One or Two persons	\$35.00

San Francisco or San Jose Airport to Santa Clara County

San Francisco:	One or two persons	\$65.00
San Jose:	One or Two persons	\$35.00

Notes:

- ♦ Any additional passenger with 2 suite cases \$15.00
- ♦ Passenger is responsible for parking Fee
- ♦ \$1.00 per mile for additional distance over 45 miles

(408)674-3562



California Trip Services

(408)674-3562

info@californiaservices.com



تورهای یک روزه، یک و یا دو نفره

سافرانسیسکو: ۲۰۰ دلار

پل گلدن گیت، خیابان لامباردو، محله چینن ها و جزیره آلتاتراز

سوسالیتو: ۲۵۰ دلار

پل گلدن گیت، گشتن و دیدنی های شهر، گردش با کشتی به سانفرانسیسکو پیر ۴۹ و برگشتن به سوسالیتو

سونوما و ناپا: ۳۰۰ دلار

گردش و بازدید از دیدنی های شهر، کارخانه های شراب سازی و تاکستانها و در صورت تمایل رفتن به کازینو

مانتری و کارمل: ۳۰۰ دلار

گردش و بازدید از دیدنیهای شهر، فروشگاه ها، بازدید از آکواریوم و موزه

سن حوز و سنتاکلارا: ۱۵۰ دلار

باغ زیبای ژاپنی ها، خانه اسرار آمیز وینچستر، استنفورد مال، بلکه هاگ مال

علاقه مندان برای بازدید از جزیره آلتاتراز لازم است از یک هفته جلوتر اطلاع دهند تا بلیط را رزرو نماییم. قیمت بلیط اضافه بر بهای تور می باشد. ساعت حرکت برای تمام تورها از ۹ صبح از جلوی منزل و ساعت برگشت ۷ عصر می باشد. کل مبلغ از قبل دریافت میگردد.

(408)674-3562



Pickup & Delivery

(408)674-3562

sbon1998@yahoo.com

Same day pick up & delivery Coast to Coast in California

All packages up to 25 lbs

Medical supplies, Parts, Letters & Boxes

- ♦ All requests are accepted, Monday through Saturday via phone or e-mail. Must contact 24 hours in advance.
- ♦ Upon request, any orders received before 7 am will be pick up and deliver the same day.
- ♦ The request received on Saturday and Sunday will be delivered on Monday.
- ♦ We will set up a delivery schedule for you

On Time...

On Schedule...

On Demand...

زندگی نامه آلبرت انیشتین

دانشمند آلمانی (۱۸۷۹-۱۹۵۵)

جوان در ده سالگی مدرسه ابتدائی را ترک کرد و در شهر مونیخ به مدرسه متوسطه « لویت پول» وارد شد.

ذوق هنری

ذوق هنری انیشتین چنان بود که وقتی در سن پنج سالگی، پدرش قطب نمایی جیبی را به او نشان داد، خاصیت اسرار آمیز عقربه مغناطیسی تأثیر عمیقی بر وی گذاشت. زمانی که انیشتین پانزده ساله بود، حادثه ای اتفاق افتاد که جریان زندگی او را به سمت جدیدی سوق داد. پدر او در کار تجارت با مشکلاتی مواجه شد و صلاح رادر آن دید تا کارخانه خود رادر مونیخ بفروشد و جای دیگری را برای کسب و کار خود ترتیب دهد. از آن جا که وی خوش بین و علاقمند به کسب لذت بود، تصمیم گرفت به کشوری مهاجرت کند که زندگی در آن با سعادت بیشتری همراه باشد و به این منظور، ایتالیا را انتخاب کرد و در شهر میلان مؤسسه مشابهی را ایجاد نمود. هنگامیکه وارد شهر میلان شدند، آلبرت به پدر خود گفت که قصد دارد تابعیت کشور آلمان را ترک گوید، اما آقای هرمان به وی تذکر داد که این کار زشت و ناپهناج است.

دوران دانشجویی

در این دوران، مشهورترین مؤسسه فنی در اروپای مرکزی به استثنای آلمان، مدرسه دارالفنون سوئیس در شهر زوریخ بود. آلبرت در امتحان ورودی این مؤسسه شرکت کرد، ولی بخاطر اینکه در علوم طبیعی اطلاعات وسیعی نداشت، پذیرفته نشد. با این حال، مدیر دارالفنون زوریخ تحت تأثیر اطلاعات وسیع او راجع به

«آلبرت انیشتین» در چهاردهم مارس ۱۸۷۹ در شهر «ولم» واقع در ناحیه «ورتمبرگ» آلمان متولد شد. وقتی که آلبرت یک ساله بود، خانواده وی از اولم عازم مونیخ گردیدند. پدر آلبرت، هرمان انیشتین، کارخانه کوچکی برای تولید محصولات الکتروشمیایی داشت و با کمک برادرش که مدیر فنی کارخانه بود، از آن بهره برداری می کرد. وی از لحاظ عقاید سیاسی با حکومت پروسه ها مخالفت داشت، اما امپراتوری جدید آلمان را ستایش می کرد و صدر اعظم آن «بیسمارک» و ژنرال «مولتکه» و امپراتور پیر یعنی «ویلهلم اول» را مورد تجلیل قرار می داد. مادر انیشتین که پائولین کوخ نام داشت، بیش از پدر زندگی را جدی می گرفت و از احساسات هنرمندانه ای برخوردار بود.

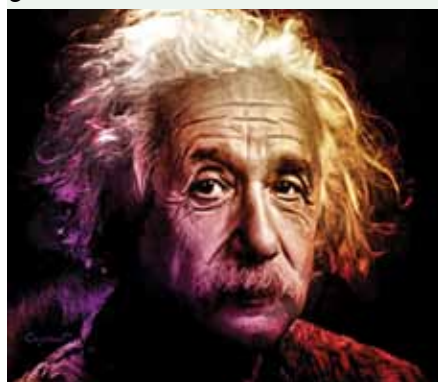
آلبرت کوچولو به هیچ عنوان کودک اعجوبه ای نبود و حتی مدت زیادی طول کشید تا سخن گفتن را بیاموزد؛ بطوریکه پدر و مادرش وحشت زده شدند که مبادا فرزندشان ناقص و غیرعادی باشد. اما بالاخره شروع به حرف زدن کرد، ولی غالباً ساکت و خاموش بود و هرگز بازیهای عادی کودکان را دوست نداشت. تحصیلات ابتدائی خود را طبق تعالیم کاتولیک گذراند و از آن لذت فراوان برد و حتی در دروسی که به شرعیات و قوانین مذهبی کاتولیک بستگی داشت، چنان قوی شد که توانست در هر مورد که همشاگردانش قادر نبودند به سوالاتی معلم جواب دهند، به آنها کمک کند. انیشتین

گردید و پذیرفته شد. انیشتین از کار خود راضی بود؛ چرا که می توانست به پرورش جوانان بپردازد، اما بزودی متوجه شد که معلمان دیگر نیکی را از او ضایع و فاسد می کنند و این شغل را ترک کرد. بعد از مدتی، در دفتر ثبت اختراعات مشغول به کار شد و به شهر «برن» انتقال یافت. کمی

ریاضیات واقع شد و از وی درخواست کرد تا دیپلم متوسطه ای را که برای ورود به دارالفنون لازم است، در یک مدرسه سوئیسی بدست آورد و او را به مدرسه ممتاز شهر کوچک «آرائو» که با روش جدیدی اداره می شد، معرفی کرد. وی بعد از یک سال اقامت در مدرسه مذکور،

دیپلم لازم را بدست آورد و در نتیجه، بدون امتحان در دارالفنون زوریخ پذیرفته شد. با این که درس های فیزیک دارالفنون از هیچ گونه عمق فکری برخوردار نبود، اما حضور در آنها آلبرت را تحریک کرد تا آثار استادان کلاسیک فیزیک نظری از قبیل بولترمان، ماکسول و هوتز را با حرص عجیبی مطالعه کند. آلبرت درست در اواخر قرن

۱۹، تحصیلات خود را به اتمام رساند و با مسأله مهم کسب شغل مواجه گردید. از آنجا که نتوانست مقام تدریس در مدرسه پلی تکنیک را بدست آورد، تنها راه باقی مانده این بود که چنین شغل و مقامی رادر یک مدرسه متوسطه جستجو کند. در سال ۱۹۱۰، آلبرت بیست و یک سال داشت و تابعیت سوئیس را بدست آورده بود. وی داوطلب شغل معلمی خصوصی



بعد از انتقال به شهر برن، با میلواماریچ همشاگردی قدیم خود در مدرسه پلی تکنیک ازدواج کرد و حاصل آن دو پسر بود که اسم پسر بزرگتر را آلبرت گذاشتند. کار انیشتین در دفتر اختراعات خالی از لطف نبود و حتی بسیار جالب به نظر می رسید. او وظیفه داشت، اختراعاتی را که به دفتر مذکور می آوردند، مورد آزمایش اولیه قرار دهد.

دنباله مطلب در صفحه ۴۸

ادامه مطلب پول ندارند... از صفحه ۱۱

که دانش آموزان مجبور شوند معلم خصوصی بگیرند و چون فرزندان کارگران پول این کار را ندارند از نظر آموزشی افت می کنند، مردود می شوند و در نهایت از مدارس اخراج می شوند.»

بر اساس گزارش های مرکز آمار ایران از جمعیت ۱۹ میلیون و ۴۳۵ هزار نفری در سنین هفت تا ۱۹ سال در سال ۹۱-۹۰ که باید آموزش خود را در مدارس ادامه می دادند، بیش از ۷ میلیون و ۱۳۵ هزار نفر به دلایل اقتصادی و غیره قادر به ادامه تحصیل نبوده اند و در حقیقت بیش از ۳۷ درصد دانش آموزان ایرانی در همان سال مجبور به ترک تحصیل شده بودند.

او که خودش یک کارگر است از تجربه خودش برای خرید وسایل مورد نیاز فرزند دانش آموزش در آستانه شروع سال تحصیلی جدید می گوید: «یک هفته می شود که همسرم می گوید برای فرزندمان خرید کنیم ولی من فعلاً پولی در بساط ندارم که وسایل مورد نیاز فرزندم را بخرم. این مشکل تعداد زیادی از همکاران من است.» عظیم زاده ترک تحصیل فرزندانش کارگران را فقط خروج آنها از چرخه تحصیل نمی داند: «در حال حاضر حقوق معلمان به اندازه های کم است که آنها انگیزه کار با کیفیت در کلاس ها را ندارند و به همین دلیل ترجیح می دهند طوری در مدارس درس دهند

ادامه مطلب مخالفت پلیس... از صفحه ۷

نباید قدرت را استفاده کرد. باید پلیس اتباع، وزارت اطلاعات، شورای عالی امنیت و وزارت خارجه در یک جلسه در این رابطه بحث منطقی کرده و پس از بحث منطقی بازه زمانی برای خروج آنها و مدیریت خروج اعلام شود.»

موضوع اخراج افغان های مقیم ایران در حالی مطرح می شود که سال آینده میلادی نیروهای بین المللی از افغانستان خارج می شوند و برای همین هم برخی کارشناسان، اوضاع امنیتی این کشور را بعد از خروج نیروهای بین المللی غیرقابل پیش بینی می دانند.

رئیس پلیس ایران برای نشان دادن وضعیت افغان ها در ایران مثال می آورد که «وقتی پاکستانی ها و بنگلادشی ها را در تلویزیون می بینیم تاسف می خوریم اما اگر این افراد وارد ایران شوند کلی پیام می دهید که بیائید این افراد را جمع کنید.»

بنابر گزارشها، بیشتر از دو میلیون افغان در ایران زندگی می کنند. رئیس پلیس ایران می گوید که «اگر به ما بگویند اتباع افغان را از کشور طرد کنید ما در کمتر از سه ماه می توانیم همه را بیرون بریزیم به طوری که هیچ افغان قابل رویت نباشد، ما قدرت داریم اما هر جا

TAVAN MUSIC STUDIO
استودیو مجهز صدا برداری توان
1454 POLLARD ROAD LOS GATOS, CA
WWW.TAVANMUSIC.COM | (408) 692-4222

تو بی نظیری، خودت خبر نداری!

عزت نفس عبارت از ارزشی می باشد که از اعتقادات فرد در مورد تمام ویژگی ها و صفاتی که در او وجود دارد نشأت می گیرد. پس عزت نفس هر کس بر اساس ترکیبی از اطلاعات عینی در مورد خودش و ارزشمندی ذهنی که برای آن اطلاعات قائل است بنیان نهاده می شود.

عزت نفس درجه تصویب، پذیرش، تأیید و ارزشمندی می باشد که شخص درباره خود یا خویشتن احساس می کند. این احساس می تواند در مقایسه با دیگران یا مستقل باشد. احساس ارزش نسبت به خود همچون خودپنداره یک هسته مرکزی ثابت دارد که همراه با یک سلسله احساس ارزش های پیرامونی، یک مجموعه را تشکیل می دهند. هر چه خود ایده با خود یا خویشتن فرد همخوانی و نزدیکی بیشتر یداشته باشد عزت نفس فرد نیز به همان اندازه بیشتر و در نهایت فرد متعادل تر و طبیعی تر است. اگر چه ما در دنیایی زندگی می کنیم که یکی از اساسی ترین قواعدش تطبیق حاصل کردن است یعنی این که الگوهای وجود دارند که باید از آنها پیروی و قوانینی که باید از آنها اطاعت شود. افراد همیشه سعی دارند که دیگری بشوند ولی سرانجام این کار سودی نمی تواند داشته باشد. عشق این امکان را می دهد تا آن گونه که هستیم مورد پذیرش قرار

عزت نفس بالا به عنوان یک دیدگاه سالم از خود مورد بررسی می باشد. دیدگاهی که واقعیت نگر است و کمبودها و نقطه ضعفها را می بیند ولی نه به آن حدی که منجر به انتقاد شدید از خود شود. در واقع کسی که از عزت نفس بالایی برخوردار می باشد همواره خودش را به شکلی مثبت ارزیابی می کند و برخورد مناسب و منطقی نسبت به نظریات خود و دیگران دارد. در مقابل، کسی که از عزت نفس پائینی برخوردار است نگرش منفی و ناامیدانه دارد و تلاش خود را با این بینش انجام می دهد. شخص مبتلا به عزت نفس پائین انزوا طلب بوده و از ارتباط با دیگران اجتناب می کند. اکثر روان شناسان برخورداری از عزت نفس را به عنوان هسته مرکزی و اساسی در سازگاری فرد می دانند. داشتن عزت نفس علاوه بر این که جزئی از سلامت روانی محسوب می شود یک جنبه مهم در کارکرد یا کنش کلی فرد است.

دارد. عزت نفس تجربه این مطلب است که ما، در خور زندگی و نیازمندی هایش می باشیم. به تعبیری دیگر این که عزت نفس اطمینان یافتن به توانمندی خود برای اندیشه کردن و چیره شدن بر مشکلات اصلی زندگی است. همین طور اطمینان حاصل کردن به حق مسلم خود برای شاد بودن، احساس ارزشمندی، شایستگی و لذت بردن از ثمره کوشش هایمان در زندگی است. عزت نفس انعکاسی است از نحوه نگرش و ارج گذاردن فرد بر خود خویشتن در بنیادی ترین سطوح تجربه روانی می باشد.

عوامل پیچیده ای عزت نفس ما را تأمین می کنند. چگونگی رفتار والدین و نقش خودمان در این موضوع اصلی ترین عوامل به حساب می آیند. محیط خانواده می تواند آشکارا اثری جامع بر شایستگی ما به جا بگذارد. والدین می توانند اعتماد به نفس را بیورانند و یا موانعی در این مسیر قرار دهند. والدینی که به فرزندشان اعتقاد دارند می توانند آنها را در فضایی مملو از امنیت و آسایش خاطر پرورش دهند. موانعی که والدین بر سر راه فرزندانشان می گذرانند به شکل ها و شیوه های متعددی بروز می کند، که می توان به طور خلاصه به آنها اشاره کرد:

گیریم و از شکل گرفتن غیر از خود دورمان می کند. در واقع ارزش هر کس در این واقعیت وجود دارد که او خودش است و ارزش او نیز در این مطلب نهفته است.

لازم و ضروری است که به ما گفته شود که تا چه اندازه منحصر به فرد هستیم. لازم است از تلاشی که برای ساختن انسان ها به شکلی که دلخواه ماست دست بکشیم و به



آنها کمک کنیم که خودشان باشند و خود واقعی را کشف کنند و بدانند که کیستند. در آن صورت نه تنها احساس نزدیکی بیشتری با آنها داریم بلکه خود ما نیز از این تجربه مثبت بهره می بریم. عزت نفس نیروی قوی است که در درون مان وجود

دنیاله مطلب در صفحه ۴۹

کیترینگ رز مارکت

خدمات ما شامل طیف گسترده ای از کباب ها و غذاهای ویژه و با تجربه جهت پذیرایی می باشد

ROSE MARKET CATERING

Offers preparing kabob at your location & serve your guests with our experienced Personnel

گوشت حلال
Halal Meat & Poultry

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به سایت اینترنتی کیترینگ رز مارکت رجوع کنید

www.rosemarketcatering.com

rose_catering@yahoo.com

Cell: (650)222-9253 فانم گیتی هارپر Tel: (408)867-1666

14445 Big Basin Way, Saratoga, CA 95070

داد و هنوز به حالت عادی برگشته بود که او را از روی چهار پایه پشت بار به پائین کشید و در یک چشم بر هم زدن نقش زمینش کرد.

من به مجرد دیدن این وضع خودم را به او رساندم، لیکن همان مرد درشت هیكل که گویا صاحب رستوران بود و جان صدایش می کردند جلو آمد و مانع حرکت بعدی گل نم که قصد داشت ضربه ای دیگر با لگد به آن مرد بزند شد و او را کمک کرد تا از روی زمین بلند شود و به ما اشاره کرد که به سرمیز برگردیم. گل نم که از این ماجرا هنوز بدنش می لرزید خودش را در آغوش من انداخت و گریه را سرداد. سعی کردم او را آرام کنم. به سرمیز برگشتیم. من از جریان کاملاً بیخبر بودم. شیشه آبجو را در لیوان خالی کردم و جلوی او گذاشتم. قدری از آبجو خورد و نفس عمیقی کشید. یک دو تا بدو بیراه نثار آن مرد کرد و گفت می خواستم درسی بهش بدم که برای تمام عمرش بس باشد. پرسیدم: جریان چه بود؟

خوب بدیهی است که وقتی شما با دختر جوانی بیرون می روید که ۳۲ سال با شما تفاوت سنی دارد. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

همان آبجو سفارش دادم و بعد دست در جیب عقب شلوارش کرد و لیست غذاها را بیرون آورد و گذاشت روی میز و رفت تا مشروب ما را بیاورد. نگاهی به در و دیوار رستوران انداختم چیز جالبی که آنجا دیدم اینکه تعداد زیادی یک دلاری به در و دیوار آنجا چسبانده بودند و روی هر اسکناس جمله ای یادگاری نوشته و یا امضاء شده بود. گل نم هم یک اسکناس یک دلاری از من گرفت و اسم خودش و من را روی آن نوشت تاریخ زد و رفت به دیوار در جایی چسباند.

آبجوها آماده بود و گل نم بلند شد که به طرف بار برود که بیاورد سرمیز. من هم رفتم تا دستهایم را بشویم. وقتی برگشتم دیدم گل نم در حالیکه رنگ صورتش پریده سرمیز نشسته و مرد جوانی که پشت بار بود و معلوم بود کمی هم مست باشد از همانجا خطاب به گل نم بلند می گوید: من منتظرم. درباره اش فکر کن. گل نم نگاهی به آن مرد که پشت بار نشسته بود انداخت و از جایش بلند شد و رفت طرف او. دست گل نم رفت بالا و آنچنان کشیده ای بیخ گوش مردک زد که خنده از لبش رفت و تعادلش را از دست

گل نم شیدوش باستانی



مقدمه: همراه با شکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود برشته تحریر در آورم. این داستان برای گل نم ۲۵ سال درد و رنج و سختی و برای من فقط یک ماه خاطره بود، خاطره ای برای تمام عمر. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. بنابر خواهش گل نم از ارائه و چاپ عکس خودداری گردیده است. سننا باربارا- کالیفرنیا

ادامه داستان از شماره گذشته...
پنجشنبه ۸ آگوست ۹۵

با تعجب صبح بخیر گفت و پرسید: اینجا اتاق منته یا اتاق شما؟
- قابلی نداره اتاق مال شما باشه.
خنده ای کرد و گفت: جدی میگوید؟
بشوخی گفتم: مثل اینکه شراب دیشب زیاد هم بد نبود؟ لابد نیمه شب بلند شدی که بری دستشویی که در برگشتن اشتباهی آمدی تو اتاق من. بلند شو یک صبحانه ای بخوریم و برویم کارمل. با ناباوری خیلی زیادی از تخت پایین آمد و رفت تو اتاق خودش و ساعتی بعد آرایش کرده آمد و گفت: حتما همینطور بوده که گفتم. خوب من برای رفتن حاضرم.

هر دو به رستوران هتل رفتیم صبحانه کاملی خوردیم تا شب که بخواهیم شام بخوریم اول به تماشای جنگلهای ساحلی کارمل که بنام ۱۷ Miles Drive معروف است رفتیم و سپس دو ساعتی هم در شهر قدم زدیم. خلاصه آن روز هم تا ساعت ۵ بعدازظهر به نوعی گذشت که من برخلاف میل گل نم که اصرار داشت یک چند ساعتی بیشتر بمانیم اظهار برگشتن کردم.

در برگشتن به سوسالیتو گل نم گفت که گرسنه است. من جلوی یک رستوران بین راهی که در شهرکی کوچک قرار داشت نگه داشتم. داخل رستوران عده ای مرد و زن سرمیزها و یا پشت بار که معلوم بود برای خوردن غذا و یا رفع خستگی به آنجا آمده بودند. با گل نم بر سر میزی نشستیم. مردی که هیكل درشت و تقریباً بلندی داشت به سر میز ما آمد و در حالیکه با دستمالی که نشان نمی داد زیاد تمیز باشد میز را پاک کرد و در ضمن پرسید: نوشیدنی چی می خوریم؟

گل نم گفت که آبجو می خواد، من هم از

صبح وقتی چشمم باز شد احساس کردم کس دیگری در رختخواب من خوابیده. گوشه لحاف را بالا زدم دیدم که گل نم است که آنجا خوابیده. با تعجب نگاهی کردم متوجه شدم که دیشب درب داخلی را همینطور باز گذاشته بودم و این دختر که از خوردن شراب حسابی مست کرده بود همان شبانه به اتاق من آمده و پیش من خوابیده و من آنقدر خوابم سنگین بود که بیدار نشدم.

آرام از پهلوی بلند شدم و رفتم زیر دوش بیاد دیشب و حرکاتش افتادم. فکر کردم که او چه نوع دختری باید باشد؟ ظاهراً جوان و زیبا، حتماً وضع مالی خوبی هم دارد که اینطور پول خرج می کند. مشکل چیست که گفت کاش فردایی نبود؟ و بنظر هم نمی آید که بیماری افسردگی داشته باشد؟ و باز در تعجب بودم که چرا هرگز از گذشته اش هیچ صحبت نمی کند؟ چرا فکر می کند که جواب سوالات من باعث ناراحتی است؟ این چراها و دنیایی از چراهای دیگر مرا کلافه کرده بود و به خودم هم اجازه نمی دادم که مجبورش کنم چیزی را که نمی خواهد کسی بداند بازگو کند. و اما این حرکت دیشب او؟ مقصودم تکیه دادن به من و آمدن به اتاق خوابم چه معنی می داد؟

از زیر دوش بیرون آمدم. مساکی زدم و صورتی تراشیدم و کمی ادکلن به سر و صورتم زدم و برگشتم تو اطاق. او هنوز خواب بود، رفتم و صورتش را بوسه ای زدم. چشم باز کرد، مثل اینکه حواسش نبود که آمده توی رختخواب من خوابیده

آکادمی موسیقی تاران

PIANO/GUITAR
LEARN TO PLAY - LOVE TO PLAY

فراگیری پیانو، گیتار، ویولن، فلوت
ساکسیفون، صدا و ضبط صدا
و همینطور آواز و سازهای ایرانی
شناخت ریف ها با معلمین پر تجربه
زیر نظر استاد پیانو امیررضا خستوان

اولین جلسه رایگان

TAVAN
MUSIC ACADEMY
1454 POLLARD ROAD LOS GATOS, CA
WWW.TAVANMUSIC.COM | (408) 692-4222

TOUCHFREEWASH.COM

OPEN 24 HOURS



آنجا که فریاداز جگر باید کشیدن،
من با صبوری، بر جگر دندان فشردم!
اماگر پیکار با نابخردان را
شمشیر باید میگرتم
بر من نگبری، من به راه مهر رفتم
در چشم من، شمشیر در مشت،
یعنی کسی را میتوان کشت!
شعرم اگر در خاطری آتش نیفروخت
اما دلم چون چوب تر، از هر دوسر سوخت
برگی از این دفتر بخوان، شاید بگویی:
- آیا که از این می تواند بشتر سوخت؟!
اما هنوز این مرد تنهای شکبیا
با کوله بار شوق خود ره میسپارد
تا زدل این تیرگی نوری بر آرد
در هر کناری شمع شعری میگذارد
اعجاز انسان را هنوز امید دارد!
فریدون مشیری

باری اگر روزی کسی از من بپرسد
(چندی که در روی زمین بودی چه کردی؟)
من، می گشایم... پیش رویش دفترم را
گریان و خندان، برمی افرازم سرم را
آنگاه، میگویم که: بذری (نوفشاند) است،
تا بشکفتد، تا بردهد، بسیار مانده است
در زیر این نیلی سپهر بیکرانه
چندان که یارا داشتم، در هر ترانه
نام بلند عشق را تکرار کردم
با این صدای خسته، شاید خفته ای را
در چارسوی این جهان بیدار کردم
من مهربانی را ستودم
من با بدی پیکار کردم
پژمردن یک شاخه گل را رنج بردم مرگ قناری در قفس
را غصه خوردم
وز غصه مردم، شبی صدبار مردم
شرمنده از خود نیستم گر چون مسیحا،

به قبرستان گذر کردم مساهی
شنیدم ناله و افغان و آبی
شنیدم گدای با خاک می گفت
که این دنیایم از زرد کجایی
بیابانها



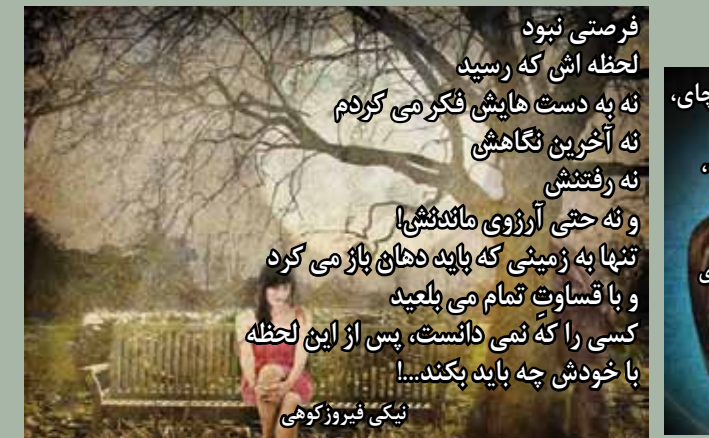
این دود سیاه فام که از بام وطن خاست
از ماست که بر ماست
وین شعله سوزان که بر آمد ز چپ و راست
از ماست که بر ماست
جان گر به لب ما رسد، از غیر ننالیم
با کس ننگالیم
از خویش بنالیم که جان سخن اینجاست
از ماست که بر ماست
ما کهنه چناریم که از باد ننالیم
بر خاک ببالیم
لیکن چه کنیم، آتش ما در شکم ماست
از ماست که بر ماست
اسلام گر امروز چنین زار و ضعیف است
زین قوم شریف است
نه چرم ز عیسی نه تعدی ز کلیساست
از ماست که بر ماست
گویم که بیدار شدیم! این چه خیالی است
بیداری ما چیست؟
بیداری طفلی است که محتاج به لالا است
از ماست که بر ماست
ملک الشعرا بهار

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی
دست خود ز جان شستم از برای آزادی
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را
می دوم به پای سر در قفای آزادی
با عوامل تکفیر صنف ارتجاعی باز
حمله میکند دایم بر بنای آزادی
در محیط طوفای زای، ماهرانه در جنگ است
ناخدای استبداد با خدای آزادی
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار
چون بقای خود ببندد در فنای آزادی
دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین
می توان تو را گفتن پیشوای آزادی



فرخی ز جان و دل می کند در این محفل
دل نثار استقلال، جان فدای آزادی
فرخی یزدی

فرستی نبود
لحظه اش که رسید
نه به دست هایش فکر می کردم
نه آخرین نگاهش
نه رفتنش
و نه حتی آرزوی ماندنش!
تنها به زمینی که باید دهان باز می کرد
و با قساوت تمام می بلعید
کسی را که نمی دانست، پس از این لحظه
با خودش چه باید بکند...!
نیکی فیروز کوهی



مثل یک فنجان چای،
و کنارش عشق است،
مثل یک حبه قند،
زندگی را با عشق،
نوش جان باید کرد.
سهراب سپهری



در خواب ناز بودم شبی
دیدم کسی در میزند
در را گشودم روی او
دیدم غم است در میزند
ای دوستان بی وفا
از غم بیاموزید وفا.....
غم با همه بیگانگی
هر شب به من سر میزند
منبع: اینترنت

اون چشما رو هم بذار
یا اقلا دیگه این ریختی بهش نیگا نکن
آخه من قربون اون هیکت برم
اگه هر نیگا بخواد این جوری آتیش بزنه
پس باهاس تموم دنیا تا حالا سوخته باشه
بخشی از نمایشنامه شهر قصه،
به قلم بیژن مفید



تقصیر ما که نبود
هر چی بود زیر سر چشم تو بود
یه کاره تو راه ما سبز شدی
ما رو عاشق کردی
ما رو مجنون کردی
ما رو داغون کردی
حالیته؟
آخه آدم چی بگه، قربونتم
حالا از ما که گذشت
بعد از این شبی، نصفه شبی
به کسونی مثل ما قلندر و مست و خراب
تو کوچه بر خوردی



Let Us Take You on a Journey

Blowfish Sushi offers more than just a meal – we provide a true dining experience. Executive Chef Ritsuo Tsuchida has dreamed up an eclectic menu of sushi and Asian Fusion dishes that are as much a treat for the eyes as they are for the palate. Attention to detail makes every dish an exciting journey into the mind of a chef whose background is steeped in Japanese tradition but whose methods are unequivocally modern. Come in and experience for yourself what happens when past meets presents and the freshest ingredients are transformed into works of edible art.



Simply The Best

Monday – 11:30 am – 2:30 pm (lunch) 5:00pm – 10:00pm (dinner)*
Tuesday – 11:30am – 2:30 pm (lunch) 5:30pm – 10:00pm (dinner)*
Wednesday-Thursday – 11:30am – 2:30 pm (lunch) 5:30pm – 10:30pm (dinner)*
Friday – 11:30am – 2:30pm (lunch) 5:30pm – 11pm (dinner)*
Saturday - 5:30pm – 11pm (dinner)
Sunday - 5:30pm – 10pm (dinner)
*Happy Hour Cocktail service begins at 5pm

Monday-Tuesday-Wednesday-Thursday
11:30 am – 2:30 pm (lunch) 5pm – 10:30pm (dinner)*
Friday – 11:30am – 2:30pm (lunch) 5pm – 11pm (dinner)*
Saturday – 11:30am – 5pm (lunch) 5pm – 11pm (dinner)*
Sunday – 11:30 am – 5pm (lunch) 5pm – 10:30pm (dinner)
*Fugu Sake Lounge Open Until 1:30am

San Jose
355 Santana Row #1010
San Jose, CA 95128
(408) 345-3848

San Francisco
2170 Bryant Street
San Francisco, CA 95128
(415) 285-3848

خوراکی هایی که با دندان ها ناسازگار است

اغلب ما از مراجعه به دندان پزشک واهمه داریم. زیرا علاوه بر هزینه بالا، درد ناشی از پر کردن و عصب کشی دندان را نمی توان به راحتی فراموش کرد. پس آیا بهتر نیست از همان ابتدا با اتخاذ یک برنامه غذایی مناسب، اتمتال فرای دندان را کاهش داد؟ دندان پزشکان توصیه می کنند که برای حفظ سلامت دندان باید از مصرف برخی مواد غذایی پرهیز شود. در ادامه مطلب به برخی از این مواد اشاره می شود.

نوشابه گازدار، چه معمولی و چه رژیمی؛ این نوشیدنی حاوی اسید است که مینای دندان را ضعیف می کند. استفاده از نی برای نوشیدن باعث می شود تا میزان تماس آن با دندان محدود شود.

بعضی میوه ها؛ اگر دندان های ضعیفی دارید بهتر است از گاز زدن سیب، هویج و ذرت پرهیزید؛ زیرا این امر باعث ترک خوردن دندان های آسیب دیده می شود، لازم نیست کاملاً از مصرف این مواد غذایی دست بردارید بلکه آن ها را قبل از خوردن به تکه های کوچک دریاورید.

آب نبات سفت؛ با مکیدن آب نبات، دندان ها به مدت طولانی در معرض قند قرار می گیرد. جویدن آن نیز ممکن است باعث شکستن و یا درآمدن ماده

باعث پوسیدگی دندان می شود. شکلات چسبناک؛ شکلات چسبناک مانند تافی بین دندان ها گیر می کند و باعث ایجاد پوسیدگی می شود. علاوه بر آن در برخی مواقع این نوع شکلات باعث کنده شدن دندان هم می شود. چیپس؛ با گیر کردن تکه های چیپس بین دندان ها، باکتری های تولیدکننده اسید حمله ور می شود و خطر پوسیدگی دندان افزایش می یابد.



افزودن کمی لیمو به آب آشامیدنی نیز برای دندان مضر است زیرا اسیدیته آب را افزایش می دهد. ذرت بوداده؛ همانند چیپس، ذرت بو داده نیز بین دندان ها گیر می کند و باعث رشد باکتری می شود. دانه های پف نکرده نیز باعث شکستن دندان می شود. میوه خشک؛ کشمش، انجیر، زردآلوی خشک سرشار از مواد مغذی است. اما قند آن نیز زیاد است. این مواد روی دندان می چسبند و باعث خرابی آن می شود. بهتر است به جای این مواد از میوه های تازه استفاده کنید.

نوشیدنی های انرژی زا؛ قند و اسید موجود در این نوشیدنی ها، احتمال خرابی و ساییدگی دندان را بسیار بالا می برد. قرص های ویتامین؛ اگرچه این قرص ها علائم سرماخوردگی را تسکین می دهد اما میزان قند آن به اندازه آب نبات سفت است. «برای پیش گیری از خرابی دندان به جای این قرص ها، از آب یا چای گیاهی استفاده کنید».

میوه های مرکباتی؛ میوه های مرکباتی سرشار از ماده مغذی است. اما به دلیل داشتن اسید به مینای دندان آسیب می رساند.

لیموناد؛ اسید سیتریک موجود در لیموترش به دندان آسیب می رساند. لیموناد، ترکیب مخرب اسید و قند است و هر دو باعث پوسیدگی دندان می شود.

این مشکل پس از صرف غذا، دندان را با آب کافی بشویید. هنگام روند تصفیه، میزان اسیدیته آب بالا می رود و این اسید

ارتش آمریکا استخدام می کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، مأموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاشهای نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می توانید در ارتباط با شغل زبان مترجمی و یا موقعیت های دیگر در ارتش آمریکا، سئوالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سئوالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your *Citizenship* within six to eight months



For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

Sergeant Lexie Mitchell (925)518-5846



Home Alarm & Monitored Security Systems

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.



- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty

Health Response Systems



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.

Shop Now



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.

ADT Pulse Remote Security



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

CALL NOW 1-888-298-9274



برخی از شیرزنان جنگاور ایران باستان

از آنجا که بزرگترین کتابخانه های ملی و تاریخی و علمی ایران (گندی شاپور - کسروی) توسط تازیان (اعراب) به آتش کشیده شد و هزاران کتاب ایرانی به گفته مورخ و جامع شناس بزرگ عرب (ابن فلدون) نابود و به دریا ریخته شدند و بسیاری از بزرگان این سرزمین گمنام ماندند و اثری از آنان یافت نشد ولی با همه فراز و نشیب های یورش اسکندر گمستگ و یورش تازی بدوی هنوز نام شیرزنان بزرگی از سرزمین مقدس ایران برای ما به جای مانده است که گوشه ای از نام و منگاوریهایشان را در اینجا از نظر فواید گذراند.

ماندانا

ماندانا یا ماندانا در لغت به معنی شاه بوی عنبر سیاه، دختر آژی دهاک آخرین پادشاه ماد که همسر کمبوجیه پدر کوروش شد و از این وصلت کوروش متولد گردید. او در تربیت و نیز انتقال قدرت به کوروش سهم بسیار موثری داشت. ماندانا اولین مدرسه جمعی که در آن برگزیدگانی از پسران بودند بنیان مینهد که خود شخصا به دانش آموزان این مدرسه درس حقوق و قانون را می آموخت و به کوروش می آموخت که باید پایه و اساس ظلم و بیدادی را ویران نماید و در هر حال یار و همیار زیردستان باشد. در این مدرسه فنون سوارکاری و تیراندازی و نبرد نیز آموزش داده میشد.

شیرین

شاهزاده ارمنی و برادر زاده و جانشین مهین بانو فرمانروای ارمنستان و زنی خردمند که همسر وفادار خسرو پرویز بود. در آن زمان ارمنستان یکی از شهرهای کوچک ایران و شاه ارمنستان زیر نظر شاهنشاه ایران بود. خسرو پرویز و شیرین حماسه ای از خود ساختند که همیشه در تاریخ ماندگار ماند. شیرین از خسرو چهار فرزند به نام های نستور، شهریار، فرود و مردانشه بدینا آورد که هر چهار فرزند وی در زندان کشته شدند. داستان عشق او و خسرو پرویز و دلدادگی او و فرهاد در ادبیات ایران مشهور است. پس از این که خسرو پرویز بدست افسری جوان به نام مهرهمز (که پدرش مرزبان نیم روز "بابل و عراق" بوده و دو سال پیش از این واقعه، به دست خسرو پرویز مجازات شده بود) کشته می شود، به پسرش شیرویه گفت که من به عنوان ملکه ایران باید بهترین مراسم سوگواری را برای پدرت خسرو پرویز بجا آورم و در حالی که زیباترین لباس و آرایش را داشت با منانت به همراه موبدان و بزرگان به تشیع جنازه خسرو پرویز پرداخت. پس از انجام مراسم از حاضران خواست که او را برای آخرین

وداع با جنازه همسرش تنها بگذارند در آن هنگام با خنجری در کنار جسد همسرش، خود را کشت.

دغدویه

دغدویه یا دوغدو مادر زرتشت است که اصلا از شهر ری بوده است. وی در آنجا با کوی ها و کرپن ها که مردم را گمراه می کردند و از آنها مرتب فدیه و قربانی می خواستند و دین را وسیله ای برای رسیدن به امیال و خواستهای ناروای خود کرده بودند به مبارزه پرداخت. پدر و مادرش چون جان او را در خطر دیدند او را نزد یکی از نزدیکان خود به آذربایجان فرستادند او در آنجا با پوروشسب ازدواج کرد و ثمره این پیوند همایون، زرتشت پیامبر بزرگ ایرانیان است.

کاساندان

کاساندان یا کاساندانه تنها همسر کوروش بزرگ، شهبانوی ایران (ملکه جهان) دختر فرناسه از شاهدختان و دختر فرناسه هخامنشی از دودمانی بود که از نجبای پارس محسوب می شدند و پدر واجدادش در چند نسل شاه پارسیان بودند. کاساندان ملکه ۲۸ کشور آسیایی بوده و همواره در کنار همسرش کوروش بزرگ پادشاهی میکرده و پس از او نخستین فرد قدرتمند و سیاستمدار دربار هخامنشیان بشمار می آمده است. او ۵ فرزند با نام های کمبوجیه، بردیا، آتوسا، رکسانه و ارتیستونه داشت. هر یک از فرزندان کاساندان و کوروش بزرگ به نحوی در تاریخ هخامنشیان دارای نقش تعیین کننده بوده اند و از نشانه ها چنین بر می آید که آنها از تربیتی خاص برخوردار بودند.

به نقل از هرودوت: کاساندان در ۶ نوامبر ۵۲۹ پیش از میلاد فوت کرد و هنگام مرگ وی در بابل ۶ روز همه به سوگواری همگانی فراخوان شدند. کاساندان قبل از کوروش درگذشت و بعد از او کوروش در اندوهی فراوان ماند و برای همیشه و به

احترام همسرش تنهایی را برگزید. مقبره شهبانو کاساندانه در پاسارگاد، در کنار آرامگاه کوروش بزرگ میباشد.

آتوسا

آتوسا در لغت به معنای خوش اندام است. همچنین به معنای قدرت و توانمندی نیز میباشد. آتوسا (۵۵۰ تا ۴۷۵ پیش از میلاد مسیح) شهبانوی ایران یکی از برجسته ترین زنان در تاریخ ایران قدیم است. وی دختر کوروش کبیر و کاساندان، خواهر کمبوجیه، و همسر دو پادشاه هخامنشی، کمبوجیه و داریوش یکم، و مادر خشایار شاه بود.

آتوسا بانویی زیبا بود و هم شاعر و هم ادیب بود و به نوجوانان پارسی درس ادبیات پارسی میداد. به خاطر خرد و اندیشه نیکویش داریوش با ایشان در مسائل مملکتی و سرنوشت ساز مشورت میکرد و نیز به ایشان اعتماد کامل داشت. اگر داریوش به منطقه ای لشکر میکشید شورای سلطنت برای اداره امور کشور تشکیل میشد و رئیس و مافوق همه در راس شورای سلطنت شهبانو آتوسا بود.

هرودوت در مورد زندگی سیاسی وی می گوید: آتوسا از قدرت فوق العاده ای برخوردار بود و علاقمند بود که در میدان کارزار نیز شوهرش را همراهی کند. وی همواره یاور فکری داریوش بزرگ بوده و چندین نبرد بزرگ را شخصا فرماندهی کرده و یا با نقشه های جنگی او انجام گرفته است. از زمان مرگ او هیچ اطلاعی در دست نیست. تنها می دانیم تا زمانی که خشایار از جنگ یونان بر میگردد زنده بوده است. احتمالا آرامگاه او در کنار آرامگاه داریوش کبیر در نقش رستم می باشد. گفته میشود که "هما" در اساطیر ایران، بر مبنای یادمانهایی از "آتوسا شهبانوی پارسی" و رویدادهای دوران داریوش و خشایارشا، همسر و پسرش شکل گرفته باشد. "هما" در افسانه های مردمی مرغ فرخنده ایست که گاه از آن با نام "مرغ سعادت" نیز یاد می شود و

در این باورها همان مرغی است که اگر سایه او بر کسی افتد او را سعادتمند و اگر بر تارک کسی نشیند او را به شهریاری رساند و شاید واژه "همایون و همایونی" با این نام پیوند دارد.

یوتاب

یوتاب در لغت به معنی درخشنده و بیماند است. از یوتاب به عنوان یکی از سردارن زن ایرانی نام برده اند. یوتاب خواهر آریوبرزن سردار نامدار ارتش شاهنشاهی داریوش سوم بوده است وی در نبرد با اسکندر گمستگ همراه آریو برزن فرماندهی بخشی از ارتش را بر عهده داشته است. او در کوههای بختیاری راه را بر اسکندر بست ولی یک ایرانی خائن راه را به اسکندر نشان داد و او از مسیر دیگری به ایران هجوم آورد. از یوتاب به عنوان شاه آتروپاتان (آذربایجان) در سالهای ۲۰ قبل از میلاد تا ۲۰ پس از میلاد نیز یاد شده است. آریو برزن و یوتاب در راه وطن کشته شدند و نامی جاویدان از خود بر جای گذاشتند.

آرتمیسیس

آرتمیسیس یا آرتیمیز در لغت به معنی راست گفتار بزرگ است. او نخستین و تنها بانوی دریاسالار جهان است. تاریخ نویسان یونان او را در زیبایی و برجستگی و منانت سرآمد همه زنان آن روزگار نامیده اند. آرتمیسیس نخستین زن دریانورد ایرانی است که در حدود ۲۴۹۴ سال پیش فرمان دریاسالاری خود را از سوی خشایارشا هخامنشی دریافت کرد. در سال ۴۸۴ پیش از میلاد فرمان بسیج دریایی برای شرکت در جنگ با یونانیان توسط خشایارشا هخامنشی صادر شد. آرتمیسیس فرماندار سرزمین کاربه با پنج فرزند کشتی جنگی که خود فرماندهی آنها را در دست داشت به نیروی دریایی ایران پیوست. در این نبرد ایران موفق به تصرف آتن شد. در این نبرد نیروی زمینی ایران از ۸۰۰ هزار پیاده و ۸۰ هزار سواره تشکیل شده بود. دنباله مطلب در صفحه ۵۰



تا نظر شما چه باشد!

نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر نشریه «پژواک»

پژواک با درج نامه های سراسر تحسین از سردبیر در صفحات خود موافق نیست، به قول مولای رومی:

خوشران باشد که سر دلبران \ گفتہ آید در حدیث دیگران

با تشکر از آقای مهاجرانی، این بار در برابر اصرار فوق العاده ایشان سنت شکنی می شود. پژواک در انتظار دریافت نظرات و پیشنهادات سازنده خوانندگان است. سردبیر

سرکار خانم افلیا پرویزاد، سردبیر و صاحب امتیاز ماهنامه پژواک، با درود بی پایان به حضور سرکار عالی، من یکی از خوانندگان و علاقمندان ماهنامه پژواک هستم. بازگشت روزنامه پژواک را بصورت ماهنامه در میدان ادبی و فرهنگی و سیاسی خارج از میهن عزیز که در نتیجه درایت و پشتکار و زحمت و فعالیت های خستگی ناپذیر آن بانوی نیکوکار و بزرگوار است، که همه ماهه بصورت جالب، زیبا و خواندنی منتشر می شود، بحضور سرکار عالی تبریک عرض می کنم. هرچند برای ایرانیان مقیم کالیفرنیا نام و چهره آشنائی چون شما، نیازی به قلم فرسایی نیست.

آنچه مرا وادار باین سطور می نماید تواضع، فروتنی و مهربانی یکی از سجایای اخلاقی بانو افلیا در حدی است که تصورش برای خوانندگان عزیز متصور نباشد. من به شخصه بسهم خود، به وجود چنین بانویی مبارز و آزادیخواه که در خارج از میهن عزیز با انتشار ماهنامه ای شایسته و خودکفا و بدون وابستگی بهیچ حزب، دسته و جمعیتی منتشر می شود افتخار و احساس غرور می کنم و باید عرض کنم سرکار خانم افلیا یکی از بهترین، لایق ترین و شایسته ترین بانوان هموطن عزیز هستند که به تنهایی و بدون کمک و پشتوانه مالی از موسسه ای چگونه بار سنگین چنین ماهنامه ای را بر دوش دارند و همه ماهه با مقالات مفید و ارزنده در انتشار آن کوشا هستند. و با قلمی که در دست این بانوی تواناست حاکی از عزم و اراده ثابت و پیگیری است که سالیان متمادی برای آزادی وطن و رهائی هموطنان عزیز از زیر بار ستم و ظلم ستمکاران و اعمال برخلاف اصول انسانی و اخلاقی مبارزه می کند.

وقتی در مقام مقایسه برآئیم می بینیم روزنامه کیهان لندن با کادر ورزیده و امکانات وسیع تعطیل می شود، پی به عظمت، قدرت، توان و فعالیت خستگی ناپذیر بانویی مانند سرکار خانم افلیا برده و آگاه می شویم که یک تنه کار ده ها نفر مرد ورزیده و مبارز در سطح روزنامه نگاری را انجام می دهد و به تنهایی در تمام مراحل انتشار مجله از ابتدا تا انتها و حتی توزیع ماهنامه را در بی اریا به بهترین نحو ممکن در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار می دهد نه تنها باعث افتخار جامعه بانوان است بلکه صراحتا باید عرض کنم کار بانو افلیا از عهده و توان چند مرد ورزیده و باتجربه در امر روزنامه نگاری خارج است و باید توجه داشت فعالیت های این بانوی نیکوکار و از خود گذشته برای آزادی و عظمت و سربلندی نام ایران عزیز در مجامع فرهنگی، ادبی و سیاسی برون مرز قابل تحسین، احترام و شایسته تقدیر و تمجید بی پایان است.

از همه مهم تر بانو افلیا با داشتن همسری فداکار و فرزندان لایق و تحصیل کرده علاوه بر اداره و مدیریت امور خانه به تنهایی و شخصا در خارج از محیط منزل در دوران فعالیت های اجتماعی و سیاسی اش همیشه از هواداران صلح و آزادی بوده و هست و با تغییراتی که برور زمان در وضع سیاسی جهان و انقلابی که در وطن بوقوع پیوست سعی کرد با افکار بلند عقلانی سخن گوی وطن پرستان و آزادی خواهان برون مرزی و درون مرزی باشد و از جاده عفاف و آزادی خواهی و صداقت و درستی در کار مطبوعاتی خارج نشد. با توجه بعرض بالا مرتبه علمی، انسانی، وطن پرستی، عطف و قهرمانی این بانوی نیکوکارسی برتر از این است که در این مقاله به نگارش در آید.

در هر صورت در جهان امروز بانوانی که از نعمت آزادی در جوامع فرهنگی و سیاسی برخوردارند بین آنها عده معدودی پیدا می شود که صدها مرد و زن به اطراف او برای خدمت به انسانیت و بشریت آزادی حلقه می زند و او برای آنها منشأ اثر معنوی است که یکی از این بانوان بانو افلیا است که امیدوارم هموطنان عزیز و بزرگوارم در این امر فرهنگی و اجتماعی این بانوی مبارز و فعال و نیکوکار را یاری فرمایند. در خاتمه با یک بیت شعر به عرایض خاتمه می دهم و بانو افلیا را در انجام این کار مهم به خدا می سپارم.

غلام دست توانای آن کسی هستم قلم بدست بگیرد نویسد آزادی

با سپاس، اصغر مهاجرانی

خطر؟ زنان!

(رومانی: "چون امسلس فطر می کنم، یا به میدان گذاشته ام." (ژیمی که امسلس فطر کند، دست به هر کاری می زند. سرکوب، زندان، تجاوز، شکنجه، وعده، دروغ و گاهی نیز با (اکردن) (روزه ای که ابعاد آن را به طور کامل در اختیار فود دارد).

اگرچه مجاری انرژی هسته ای و به تبع آن تحریم و بحران اقتصادی، خود به یک بمب درحال انفجار مبدل شده است و در رأس لیست خطراتی که متوجه رژیم است، قرار دارد، اما خطرناک ترین "قشری" که از سال ها پیش با مطالبات خود ریشه و موجودیت و هویت رژیم جمهوری اسلامی را نشانه رفته است، زنان هستند. رژیم این خطر را به خوبی می شناسد و رد پای آن را در همه جا دنبال می کند. اگر بخواهیم مطالبات زنان را ملاک بگیریم، در واقع شامل بسیاری از مردان حامی این مطالبات نیز می شود که امروزه تعدادشان به سرعت افزایش می یابد. بنابراین می توان گفت، اگر بیش از نیمی از جامعه به مطالباتشان برسند، دیگر نشانی از این رژیم باقی نخواهد ماند. خطر واقعی ست، هرچند که هنوز باقوه است.



اکنون روحانی بعد از انتخابات است که می گوید: "مسئله زنان، مسئله پیچیده ای ست که با روی کار آمدن یک یا دو رئیس جمهور حل نمی شود." او تلاش می کند تا با شعار "شادی" و "ازدواج" تاکتیک تحمیل را به پیش برد. هرکدام از طرح ها و لایحه هایی که در ضدیدت با زنان (هرچند با ظاهر حمایت از زنان) چه از طرف دولت و چه از طرف مجلس ارائه شدند، به خوبی نشان دهنده حرکت و اعتراضات افزایش یابنده زنان در جامعه بوده اند. از ورود دختران به دانشگاه ها گرفته تا موفقیت شان در مشاغل و هم چنین بالا رفتن سن ازدواج و کم شدن زاد و ولد، استقلال زنان و دختران و سفرهای به خارج و غیره. هر چند جنبش زنان در بجهوه سرکوب و فضای امنیتی، عمدتا به حرکت های دفاعی در مقابل چنین مصوبه هایی روی آورد، اما فراموش نکنیم که خود این مصوبه ها ناشی از فشارهایی بود که از جانب کلیت زنان به رژیم جمهوری اسلامی که هویت زن را مادر و زن خانه می داند، وارد می آمد.

زنان اما، حضور دارند. مطالبات شان جاری ست. در همه جا به چشم می خورد و به گوش می رسد. در راهروی دادگاه ها، در خیابان ها، در ادارات، بیمارستان ها، مدارس و کارخانه ها، در بستوی خانه ها... پشت های قوز کرده شان را می بینیم، درد و رنج پنهان و آشکارشان را در نگاه شان می خوانیم. این زنان و مردان حامی شان در تمام جامعه حضور دارند. فقط می بایست آنان را دریابیم.

زنان محدود به تعدادی کنش گر که زمانی دستگیر و در زندان ها زیر شکنجه و تجاوز جان خود را از دست می دهند و یا با اعتصاب می شد.



Sundays at 10^{PM}
only on HBO

ادامه مطلب خطر؟ زنان... از صفحه ۴۵

زندگی خصوصی و اجتماعی مردم حاکم است، لازم است که خود سازمان گری به شکل شبکه ای و نهادهای مدنی با خصلت افقی و بدون سر (رهبر) انجام گیرد و هرچه تعداد شبکه ها بیشتر و میزان جمعیت در آن ها کمتر، بهتر!

بنابراین در شرایط کنونی که "امید" در ذهنیت بسیاری از جوانان و کنش گران در ایران (چرا که در خارج از کشور، این امید در حداقل ممکن بوده و اساساً "بدبینی" حاکم است که چرایی آن نیاز به بررسی جداگانه دارد) رخنه کرده است، می توان از هر لحظه آن استفاده بهینه کرد. اما اگر تصور کنیم که اکنون رژیم توپ را در زمین مردم رها کرده است، اشتباه بزرگی کرده ایم. حتی جناح رفسنجانی- روحانی نیز نمی تواند ادعا کند که سکان رژیم را در دست گرفته است. این جناح با زنجیرهایی قطور به جریان ولایت فقیه- پاسداران متصل است و هر آن لازم باشد، عرصه مجدداً تنگ خواهد شد.

در نتیجه لازم است زودبوری و خوش باوری را نسبت به وعده های روحانی کنار گذاشته و هم چنان بنا به ملزومات شرایط امنیتی، به اختفای موارد ضربه پذیر ادامه دهیم. به ویژه مواردی که توسط شوند مکالمات کاملاً خصوصی تلفنی و اس ام اس، به سوء استفاده رژیم بعد از دستگیری و داشت آتو از فعال مدنی منجر می شود. خوش بینی غیرواقعی را باید کنار گذاشت و بدون بدبینی خارج از واقعیت و با استفاده مؤثر از کوچک ترین روزنه ای که به وجود آمده، هوای تازه را استشمام کنیم. حتی اگر عمر این روزنه ها به چندین روز هم برسد، می توان از آن برای برداشتن گامی به جلو سود برد. گامی که جایای خود را برای دوره های بعدی بر جای نهد.

لاله حسین پور

خون در اندام تناسلی می شود. لیموترش که به تولید و تحرک سلول های اسپرم کمک می کند. زغال اخته که با زودن کلسترول رسوبی در رگ ها تاثیر کوتاه مدتی بر جریان خون داشته و بعضی از متخصصان تغذیه از آن به عنوان ویاگرای طبیعی نام برده اند. سوپ جو، عسل، اووکادو، انجیر، بادام، مارچوبه و جگر که به علت داشتن ویتامین B6 به تولید هورمون مردانه تستوسترون کمک می کند. این را هم بدانید بر طبق نظر حکمای چینی جوشاندن و خوردن مارچوبه به مدت سه روز متوالی سیستم تناسلی مرد و زن را تقویت کرده و برای بعضی بیماری های جنسی و کلیوی استفاده می شود.

ریحان و اسطوخودوس هم یکی از موادی است که بوی آن محرک قوای جنسی در زنان است. البته به یاد داشته باشید تاثیر این غذاها بر روی قوای جنسی اشخاص متفاوت است. به نقل از جام جم

برای مثال نیروی عظیم پیگیر حق آزادی پوشش که بالقوه و در مواردی بالفعل و البته بدون تشکل و سازماندهی، در جامعه، در خیابان ها و مکان های عمومی درگیر مبارزه با نیروهای امنیتی بودند، به طور نسبتاً مطلق از زاویه دید این کنش گران به دور ماندند. درحالی که شعار حق آزادی پوشش، با وجودی که به حیات این رژیم گره خورده است و رسیدن به آن در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی ناممکن به شمار می رود، اما خود شعاری ست سازمان ده و بخش بزرگی از زنان و دختران را در خود جای می دهد. در شرایط حاضر نیز همان کنش گران هم چنان به دنبال وحدت با "مدافعین حقوق زنان" در ساختار و جناح های حاکمیت هستند و نیروی اکثریت عظیم زنان زحمت کش را نادیده می گیرند. اکنون اما، به جای نگاه به بالا و گذاشتن انرژی در امر "چانه زنی" که عملاً یا به شکست منتهی شده و یا در حد چانه زنی باقی می ماند، زمان آن فرا رسیده که به اکثریت زنان در اقصاء مختلف جامعه بپردازیم. معلمان و پرستاران دو قشری هستند که با وجود شاغل بودن، زیر خط فقر به شمار رفته و به شدت تحت فشار شغلی قرار دارند. توجه ویژه به این دو قشر یکی از وظایف کنش گران جنبش زنان محسوب می شود. شرایطی که بر زنان شاغل در کارخانه ها حاکم است، اسفناک است. با وجودی که این زنان نیروی اصلی جنبش زنان محسوب می شوند، اما عملاً از دایره فعالیت این جنبش خارج مانده اند.

ارائه آگاهی و سازمان گری در این بخش مستلزم کار بلند مدت و نهادی بوده و شروع آن هیچ گاه زود نیست. تاریخ جنبش زنان، غفلت از آن را بر ما نمی بخشد. در شرایطی که سرکوب در جامعه ما حرف اول را می زند و فضای امنیتی بر

قدرت تمرکز و تخیل جنسی بیفزاید.

افزایش دهنده های قوای جنسی

برای مرحله بعد که باید به اندازه کافی خون به سیستم تناسلی برسد و هورمون های جنسی تراوش کند و انرژی فرد تامین شود، باید از این غذاها استفاده کرد: غذاهای دریایی که حاوی روی، سلنیوم و ید است، شکلات تلخ که محرک سیستم مغزی است، زنجبیل که باعث افزایش خونرسانی به دستگاه تناسلی مرد و زن می شود. زیتون سبز برای مردان و زیتون سیاه برای زنان و سیب که سبب تحرک و افزایش قوای جنسی می شود.

همچنین برای پیشگیری از اختلال نعوذ در مردان مصرف روزانه یک لیوان آب انار طبیعی توصیه شده است. میگو، سبزیجات برگ پهن مثل کاهو، گوجه فرنگی و روغن زیتون با تامین مواد لازم قدرت اسپرم سازی را افزایش می دهد.

اسفناج که سرشار از منیزیم است و سبب گشاد شدن رگ های خونی و جریان بهتر

تأثیر تغذیه بر تقویت میل جنسی

وقتی در مورد سلامت جنسی صحبت می شود، پای مسائلی زیادی از جمله فلق و فو و سازگاری زومین تا خوردن غذاهایی که بر بهبود عملکرد جنسی مردان و زنان تاثیر می گذارد به میان کشیده می شود. از آنچه بزرگان طب سنتی و متخصصان علوم غذایی گفته اند این گونه برمی آید که تاثیر برخی مواد غذایی، مهارکننده های قوای جنسی را کاهش می دهد و باعث افزایش میل جنسی می شود. برخی دیگر براین فوون سیستم تناسلی را افزایش می دهد و تصدای به ترشح هورمون های شادی بفش کمک کرده و می تواند فرد را سرمال آورده و فوش فلق کند. البته به گفته مکما پاسف به غذا در هر فردی با فرد دیگر تفاوت دارد و دلیل این تفاوت ها طبیعت یا مزاج مختلف افراد است. نکته دیگر آن که غذاهای ممرک جنسی در همه جای دنیا یکسان نیست و در هر منطقه جغرافیایی مردم انواع فاصی از فواکی ها را می شناسند که به نظر آنها چنین فاصیتی دارد.

زن و شوهر باید دارای مزاج یکسانی باشند

انسان ها دارای دو طبع گرم و سرد با اخلاط سوداوی، صفراوی، بلغمی و دموی هستند که طب سنتی از روی همین موضوع مزاج شناسی کرده و به رفع مشکلات جنسی زوج ها می پردازد. با بررسی روی مزاج ها مشخص شده است گرم مزاجان افرادی فعال و پر جنب و جوش و افراد سرد مزاج کند و کم



۴۰ درصد می تواند از حرارت جنسی فرد بکاهد. بسیاری از مواد غذایی مانند گوشت گوسفند، شتر، بوقلمون، مرغابی، انواع شیرینی ها، کشمش، خرما، عسل، ارده، انجیر، انگور، موز، خرمالو، خربزه، گردو، نمک، روغن، هل، تخم مرغ، نان گندم، ادویه جات تند و غذاهای فرآوری شده همچون سوسیس و کالباس طبع گرمی دارند، اما از غذاهای سرد می توان به گوشت گاو، گوساله، مرغ، ماهی، برنج، ماست، خیار، هندوانه، جو، ماش، باقلا، ذرت، زرشک، انواع لبنیات، کدو، ریواس، قارچ، تمبرهندی، گوجه سبز، چغاله بادام، گیلاس، کاهو، آلو، انار، سرکه، مرکبات ترش و آب یخ اشاره کرد.

غذاهای مؤثر در آمادگی روحی

یکی از مراحل آمادگی روحی برای داشتن یک رابطه جنسی موفق اعتماد به نفس بالا و روحیه بانشاط است که بتواند با استرس و تنش های روزمره مقابله کند. در نتیجه خوردن غذاهایی مانند ماهی، شیر، عسل، گوشت بوقلمون، گردو، موز، تخم مرغ، گوشت گوساله کم چرب و غذاهای تند و پرادویه می تواند با کمک به ترشح مواد شیمیایی خاص و افزایش سروتونین (هورمون شادی بخش) درگیری های ذهنی را کم کرده و با افزایش پمپاژ قلب و خونرسانی به مغز بر

انرژی هستند. در نتیجه برای ایجاد عشق و صمیمیت زوجین و تطابق جسمی و جنسی آنان، زن و شوهر باید دارای مزاج یکسانی باشند. یعنی فرد گرم مزاج با فرد گرم مزاج و فرد سرد مزاج با فرد سرد مزاج ازدواج کند، زیرا در غیر این صورت زن و شوهر بسختی می توانند تمایلات عاطفی و جنسی همدیگر را درک و تحمل کنند.

در واقع فردی که گرم و پرانرژی است در کنش ها و واکنش های جنسی یا حتی خلقی و احساسی پررنگ تر و سریع تر از فرد سرد و منفعل جنسی است و این همان عاملی است که موجب نارضایتی زناشویی می شود و خوب است بدانید این مسأله در مورد تفاهم و همدل بودن دو دوست هم صادق است.

در میان مشکلات جنسی آنچه بیشتر در جامعه ما مشاهده می شود، ضعف، ناتوانی و سردی میل جنسی است که برای به تعامل رسیدن زوجین در این زمینه، فردی که میل جنسی اش زیاد است باید از مواد غذایی کاهنده میل جنسی و فردی که از این لحاظ ضعیف است باید از غذاهای مولد این میل استفاده کند. البته این را بدانید با مواد غذایی طبع گرم هیچ گاه یک فرد سرد مزاج را نمی توان گرم مزاج کرد و اگر هم بتوان او را تغییر داد بسیار اندک خواهد بود.

ادامه مطلب هادی خرسندی... از صفحه ۱.

پس از آنهمه کشتن و قتل عام دم از نیکی و مردمی میزنی بنامم به گوزت که خوش باسنی کلام تو گوز است ای پهلوان رها گشته در مارکت مسگران تو ای یکه آخوند امنیتی کجا باشدت جز بدی نیتی تو بیچاره نیکی چه دانی که چیست در انبان تو جز بدی هیچ نیست اگر یادت آید ز کشتار شصت تو هم داشتی در جنایات دست تو با آن امام جنایت شعار تو با رهبر ناقص نابکار تو با هاشمی، خاتمی، موسوی نمودید باند جنایت قوی کنون گر رسیدی به کاخ ملل وز آنجا اگر بگذری تا زحل میندار گشتی عوض ای حسن ببین تا چه گفتم به شهنامه من: «درختی که تلخ است وی را سرشت» «گرش برنشانی به باغ بهشت» «ور از جوی خلدش به هنگام آب» «به بیخ، انگبین ریزی و شهید ناب» «سرانجام گوهر بکار آورد» «همان میوه تلخ بار آورد» پس اکنون تو ای جانی نابکار غلط کن، بزنجار، درش را بذار

رو، انیشتین به شهر پرینستون در آمریکا رفت. در سال ۱۹۳۶ همسرش الزا از دنیا رفت و خواهر انیشتین که در فلورانس بود، به شهر پرینستون نزد برادرش آمد. در همین دوران، انیشتین تابعیت کشور آمریکا را پذیرفت.

آخرین سالهای زندگی انیشتین

دوران تحقیق در شهر پرینستون آمیخته با اضطراب بود. هنوز ده سال دیگر از زندگی انیشتین باقی مانده بود؛ لیکن این دوره ده ساله، درست مصادف با عهد بمب اتمی بوده و بشریت، تمرین و آموزش خود را در این زمینه آغاز نمود. بنابراین، مسأله واقعی که برای او مطرح شد، موضوع چگونگی پیدایش بمب اتمی نبود.

سرانجام در روز هجدهم آوریل ۱۹۵۵ بزرگترین دانشمند و متفکر قرن بیستم، پیغمبر صلح و حامی محنت دیدگان جهان، مردی که احتمالاً همراه با ناپلئون و بتوهون مشهورتر از همه مردان جهان بوده است، در شهر پرینستون واقع در ممالک متحده آمریکای شمالی از زندگی، تفکر و مبارزه دست کشید و درگذشت.

پاسخ فردوسی به روحانی که در اجلاس سازمان ملل بیٹی از شاهنامه در نقش گنجانده بود شنیدم فریدون صاحب کلید به تالار (یوان) پیامد پدید بچسباند بر هم در و تخته را به هسته هلو زد زغال اخته را سخن گفت از صلح و نیز از ترور که این یک چطور است و آن یک چطور پس آنگه بیان را به او جش رساند یکی بیت زیبای شهنامه خواند «بکشید نیکی به کار آورید - چو دیدید سرما بهار آورید» من اول ز کارش شدم شادمان ز نام فریدون دلم شد جوان ولی بعد دیدم که آن، پوشش است به امنیتی کاریش کوشش است پس اینک بگویم که روحانیا تورو حضر تعباس کوتاه بیا مخوان شعر فردوسی پاکزاد بتو هیچکس این اجازه نداد ترا من فریدون نه بشناختم چه شد آن فریدون که من ساختم فریدون من ضد ضحاک بود نه در خدمتش مثل دلاک بود فریدون من با بدی بود بد نه همدست بودی به بشار اسد تو حالا برای فریب عوام

ممالک، بازیگران بزرگ سینما و تئاتر، شهرت عام بدست آورد.

مسافرتهای انیشتین

تبلیغات مخالف و حملاتی که علیه انیشتین می شد، موجب گردید که در تمام ممالک جهان و در همه طبقات اجتماعی، توجه عموم مردم به سوی تئوریهای او جلب شود. در این زمان، انیشتین ابتدا به هلند و سپس به کشورهای چکسلواکی، اسپانیا، فرانسه، روسیه، اتریش، انگلیس، آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر سفر کرد. اما نکته قابل توجه این است که وقتی انیشتین و همسر او به بندرگاه نیویورک رسیدند، با استقبال شدید و تظاهرات پرشوری مواجه شدند که به احتمال قوی نظیر آن هرگز هنگام ورود یکی از دانشمندان رخ نداده بود.

انیشتین به آسیا و کشورهای چین، ژاپن و فلسطین سفر کرد و این خاتمه سفرهای او بود. وی در سال ۱۹۲۴ بعد از مسافرتهای متعدد به اکناف جهان، بار دیگر در برلن مستقر گردید. حملات همچنان بر علیه او ادامه داشت و نظریات او را بعنوان بیان افکار قوم یهود و به سوی فاشیسم می دانستند. از این

ادامه مطلب زندگی نامه... از صفحه ۳۷

پلی تکنیک زوریخ مشغول به کار شد. شهرت انیشتین تا بدانجا رسیده بود که بسیاری از مؤسسات و سازمانهای علمی جهان علاقه داشتند که وی بعنوان عضو وابسته با مؤسسه ایشان در ارتباط باشد. مقامات رسمی آلمان، سالها کوشش می کردند که شهر برلن نه فقط مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی، بلکه در عین حال کانون فعالیت هنری و علمی نیز محسوب گردد؛ بهمین جهت از انیشتین دعوت بعمل آوردند. انیشتین مدت کمی بعد از ورود به برلن، از همسر خویش هیلوا که از جنبه های مختلف با او توافق نداشت، جدا گردید. هنگامیکه به عضویت آکادمی پادشاهی انتخاب شد، سی و چهار سال سن داشت و نسبت به همکاران خود که از او مسن تر بودند، بیش از حد جوان می نمود. فعالیت اصلی انیشتین در برلن این بود که با همکاران خویش و یا دانشجویان رشته فیزیک، درباره کارهای علمی مصاحبه و مذاکره نموده و آنها را در تهیه برنامه علمی راهنمایی کند. هنوز یکسال از اقامت انیشتین در برلن نگذشته بود که در ماه اوت ۱۹۱۴ جنگ جهانی شروع شد. در طی جنگ جهانی اول، روزنامه های برلن همه روزه از وقایع جنگ و شروع فتوحات ارتش آلمان سخن می گفتند. در عین حال، انیشتین در منزل خود با دختر عمه خویش الزا آشنایی پیدا کرد. الزا زنی مهربان و خونگرم بود و از شوهر مرحوم سابق خود دو دختر داشت؛ با این حال، انیشتین با او ازدواج کرد.

جنگ بین المللی و شرایط معرفت النفسی که در نتیجه آن پر دنیای علم تحصیل گردید، مانع از آن نشد که انیشتین با حرارت فوق العاده به توسعه و تکمیل نظریه ثقل خویش بپردازد و با پیمودن راه تفکری که در پراگ و زوریخ در پیش گرفته بود، در سال ۱۹۱۶ توانست نظریه ای برای ثقل ارائه دهد. وی جاذبه عمومی را بنا نهاد که به کلی مستقل از نظریه های گذشته و از نظر منطقی دارای وحدت کامل بود. اهمیت نظریه جدید به زودی مورد تأیید و توجه دانشمندان واقع گردید که دارای قدرت خلاق علمی بودند. تأیید تجربی نظریه انیشتین، توجه عموم مردم را نیز به شدت جلب کرده بود.

از این پس، دیگر انیشتین مردی نبود که فقط مورد توجه دانشمندان باشد. به زودی، او نیز همچون زمامداران مشهور شاید تمرین در همین کار موجب شده بود که وی با قدرت خارق العاده و بی مانند، بتواند نتایج اصلی و اساسی هر فرض و نظریه جدیدی را به سرعت درک و استخراج کند؛ چرا که انیشتین به قوانین کلی فیزیک علاقه داشت و به حقیقت درصدد بود تا میدان وسیع تجارت را به وجهی منطقی استنتاج کند. در اواخر سال ۱۹۱۰ کرسی فیزیک نظری در دانشگاه آلمانی پراگ خالی شد. انتصاب استادان این قبیل دانشگاهها طبق پیشنهاد دانشکده بوسیله امپراتور اتریش انجام می گرفت که معمولاً حق انتخاب خویش را به وزیر فرهنگ واگذار می کرد. تصمیم قطعی برای انتخاب داوطلب، قبل از همه، برعهده فیزیكدانی به نام «آنتون لامپا» بود و او برای انتخاب استاد، دو نفر را مد نظر داشت که یکی از آنها «کوستاویائومان» و دیگری «انیشتین» بود. یائومان این پیشنهاد را رد کرد و انیشتین پس از کش و قوس های فراوان، این مقام را پذیرفت. دو ویژگی انیشتین موجب شد که استاد زبردستی گردد: نخست اینکه، علاقه فراوانی داشت تا برای عده بیشتری از هموعان خود و بخصوص کسانی که در حول و حوش او می زیستند، مفید باشد. ویژگی دوم، یعنی ذوق هنریش، وی را وای داشت که افکار عمومی خود را به نحوی روشن و منطقی مرتب سازد. از سوی دیگر، روش تنظیم آنها به نحوی بود که چه خود او و چه مستمعان از نظر جهان شناسی نیز لذت ببرند.

عزیمت از پراگ

انیشتین در مدتی که در پراگ تدریس می کرد، نه تنها نظریه جدید خود را بنا نهاد، بلکه با شدت بیشتری، نظریه خود درباره کوآتوم نور را که در شهر برن شروع کرده بود، توسعه داد. با همه این تفاسیل، انیشتین به دانشگاه پراگ اطلاع داد که در خاتمه دوره تابستانی سال ۱۹۱۲ این دانشگاه را ترک خواهد کرد. عزیمت ناگهانی انیشتین از پراگ، سر و صدای زیادی را در این شهر بوجود آورد. در سر مقاله بزرگترین روزنامه آلمانی شهر پراگ نوشته شد: «نوغ و شهرت فوق العاده انیشتین باعث شد که همکارانش او را مورد شکنجه و آزار قرار دهند و به ناچار شهر پراگ را ترک کرد».

انیشتین عازم شهر زوریخ گردید و در پایان سال ۱۹۱۲ در سمت استاد مدرسه

ادامه مطلب داستان زندگی آقای ... از صفحه ۳۳

که حتماً او و دوستانش سرهم کرده اند نقل قول کرده است. هرچه بگوئی چیزی را عوض نخواهد کرد. بی خود و بی جهت خودت را به دردمی اندازی. جواب تو هر شکل و صورتی به خودش بگیرد، تأیید اتهام خطرناکی است که از کم و کیف آن خبر نداری. کلام تلخ او را نادیده بگیر. حرفی زن و طوری رفتار کن انگار نشنیدی که چه گفت».

با این فکر، در حالیکه سعی می کردم لیخندم صمیمانه و از سر محبت باشد، گفتم: «شما و بچه ها، کار پروژه کلاس را شروع کنید انشاء الله سرفروخت می نشینیم و با هم حرف می زنیم». کمال متحیر از سرسختی من در دنبال کردن بحث که حتماً امیدوار بود «استاد را بدام می اندازد»، زیر لب چیزی گفت که درست متوجه نشدم... چند لحظه بعد در سرسرای وزارت خانه از هم جدا شدیم. بقول معروف او به خیر و ما به سلامت.

می دانم که این آخرین دیدار ما خواهد بود. شاید باید خودم را برای روبرو شدن با او و دوستانش آماده کنم. از طرفی کلی قضیه به نظرم اتفاق ساده و مسخره ای می آید که بی جهت ته دل من را خالی کرده است. از طرف دیگر می ترسم اشاره اسرار آمیز کمال به شایعه ای که بچه های موسسه در مورد من بر سر زبان انداخته اند، بعدها کار دستم بدهد. بقول مهندس شریفی، توی این مملکت و در این اوضاع احوال آشفته که هر دسته و گروهی ساز خودش را می زند باید سخت مواظب نشست و برخاست خودمان باشیم...

من تا آنجا که بتوانم خودم را از این جور آدم ها کنار می کشم. فکر می کنم اصولاً همراه بردن کمال به کتابخانه انجمن کار درستی نبود... دنیای آدم ها بیش از اندازه پیچیده و اسرار آمیز است. بهرحال الان که در آخرین ساعات شب این یادداشت را می نویسم احساس می کنم تمام روزم بی جهت تباہ شد. در واقع گز نکرده پاره کردم و پشیمان شدم... ای گاش از آنچه کمال و دوستانش در مورد من باور کرده اند، خبر نداشتم و در دنیای شلوغ و ساختگی خودم، مثل همیشه از آن چه دور و برم می گذرد بیگانه بودم.

ادامه مطلب از درگوشی ها ... از صفحه ۳۳

مختصری توجه دقیق تر به عوامل بزرگی و شئون و موقعیت ها و ترقیات و احترامات بدون کم و کاست زیربنای مادی دارد و بس هرآنچه بیشتر و فراوان تر بازده اش ارزشمندتر، خرج کن بهره برداری را دریاب برنده همانست که دانست همه چیز خریداری است و باید رفت دنبال تدارک وسیله خرید و من و هایده هر دو بازنده ایم.

مات و متحیر نمی دانستم چطور و از کدام جهت با این «اتهام» سنگین و خطرناک روبرو بشوم. آیا باید خشمگین و آزرده از خودم دفاع کنم؟ آیا باید حرف بی اساس او را در حد یک شایعه بی ارزش پشت گوش بیاندازم و بی جهت خودم را با او و بچه های وزارت خانه درگیر نکنم؟ و یا از این فرصت غیرمنتظره استفاده کنم و چون پدری مهربان و معلمی دلسوز و با حوصله، به او ثابت کنم که مأمور مخفی هیچ تشکیلات و سازمانی نیستم؟

عقل سلیم حکم می کرد که راه سوم را انتخاب کنم. راه ناآشنا و دشواری که نه می دانستم از کجا و چطور در آن قدم بگذارم و نه معلوم بود که به کجا منتهی خواهد شد. برای این کار باید یک قدم از مقام تشریفاتی «استادی» پائین می آمدم و از جهت روحی و عاطفی نزدیک می شدم. باید حوصله به خرج می دادم و به حرف های او که می توانست خوشایند و باب طبعم نباشد گوش بدهم. باید به سوالات «بودار» و احیاناً «خصوصی» او جواب «قانع کننده» می دادم. و بالاخره باید صادقانه خودم را جای او می گذاشتم و با افکار، اعتقادات و تمایلات او از نزدیک آشنا می شدم... گمان نمی کنم از عهده من برمی آمد. زندگی شلوغ و پرمشغله امروز من، دست و بالم را بسته است. وقت و انرژی و حوصله زیادی برای قاطعی شدن با کمال و دوستانش را ندارم. در سکوت آزار دهنده ای که مجدداً بین ما برقرار شده بود، از خیابان های شلوغ شهر می گذشتم و کم کم به ساختمان اصلی وزارت خانه نزدیک می شدم. کمال آرام و خونسرد، از پنجره ماشین خیابان را تماشا می کرد و من آشفته و منقلب هنوز دنبال جواب کوتاه و مناسبی می گشتم که بیش از این حرمت استادی را نشکند و پایان گفتگوی بی حاصل ما باشد.

گز نکرده پاره کردم و پشیمان شدم!

سرانجام، درست در لحظه ای که وارد پارکینگ وزارت خانه می شدم متوجه نکته حساس و ظریفی شدم که تا آن دقیقه از نظرم دور مانده بود. به خودم گفتم: «پسرک سوالی از تو نپرسید که دست به نقد به او جواب بدهی. شایعه ای را قیمت و چانه زدن و زمینه بده بستن در بازار پول امروز دنیا اعم از دوستی و محبت، مروت و انسانیت مقام و موقعیت روابط و ضوابط و جمیع الزامات بشری حتی «سلامتی» خریداری است و آنکه بیشتر دارد و زیادتر مایه می گذارد، از هر جهت زودتر می خرد، آسان تر می خرد، مرغوب تر می خرد و کلا خریدار اصلی است.

ادامه مطلب تو بی نظیری ... از صفحه ۳۸

ناگوار و ستیزه جو.
 ✱ جرات و جسارت در برابر رفتار با دیگران.
 ✱ راه رفتنی طبیعی بدون غرور و خودپسندی.
 ✱ چهره و گونه ای طبیعی و هماهنگ با جسم.
 ✱ صدایی منظم و ادای کلمات با روشنی.
 ✱ ریلکس بدن در اغلب شرایط.
 چند رهنمود برای افزایش عزت نفس
 ✱ همواره در برخورد با دیگران منطقی و ملایم باشید.
 ✱ به نظرات دیگران احترام بگذارید.
 ✱ خود را با دیگران مقایسه کنید.
 ✱ سعی نکنید نظریات خود را به دیگران تحمیل کنید.
 ✱ همواره توانمندی های خود را مد نظر داشته باشید.
 ✱ در حد توان خود مسئولیت قبول کنید.
 ✱ تجارب موفقیت آمیز را افزایش دهید.
 ✱ سعی کنید محکم، مستدل و منضبط باشید.
 ✱ سعی کنید عصبانی نشوید.
 ✱ مهارت های اجتماعی خود را افزایش دهید.
 ✱ با همسر و فرزندان خود صادق باشید.
 ✱ از وابستگی بیش از حد به دیگران بپرهیزید.
 ✱ حد اعتدال را رعایت کنید.
 ✱ نسبت به احساسات و عواطف دیگران بی تفاوت نباشید.
 ✱ تحمل خود را برای مواجه شدن با ناکامی های احتمالی افزایش دهید.
 ✱ با دیگران مخصوصاً اعضای خانواده مثل یک دوست صمیمی برخورد کنید.
 ✱ در پرورش استعدادهای بالقوه خود تلاش کنید.
 ✱ دیگران را با القاب نامناسب صدا نزنید.
 ✱ از تمسخر دیگران بپرهیزید.
 ✱ توقعات معقول و درست دیگران را برآورده سازید.
 ✱ احساس ارزشمند بودن را در خود تقویت کنید.
 ✱ به سرگرمی ها و تفریحات مناسب بها دهید.
 ✱ از مشاجرات لفظی با دیگران خودداری کنید.
 ✱ محبت خود را به دیگران خالصانه بروز دهید.
 ✱ در محبت کردن افراط و تفریط نکنید.
 ✱ به دیگران احساسی بدهید که بدانند دوست داشتنی هستند.

دائماً فرزند را ملامت و سرزنش کردن.
 ✱ آشکار سازند که فرزند دارای کفایت نیست.
 ✱ تحقیر و مذمت دائمی فرزند.
 ✱ ارزش و اعتباری برای افکار فرزند قائل نشدن.
 ✱ ندادن نقش و مسئولیت به فرزند.
 ✱ دادن نقش های بی اعتبار و گمراه کننده به فرزند.
 ✱ ایجاد موانع بر سر راه رشد طبیعی فرزند.
 ✱ برخورد غیر واقعی با حقایق آشکار.
 ✱ تهدید و ترساندن فرزند از راه خشونت های فیزیکی.
 ✱ القای بی ارزشی و بی لیاقت بودن.
 ✱ تقویت نکردن حس منطق و خودگرایی.
 ✱ ایجاد شرمندگی و احساس گناه.
 ✱ حفاظت و حمایت بی اندازه و بی مورد.
 ✱ اگر به فکر و ارزش خود اعتقادی راستین داشته باشیم و در درون خود احساس امنیت کنیم، جهان در برابر خود گشوده می بینیم و به مشکلات زندگی جوابی شایسته می دهیم. هیچ راه حل واحدی برای تمام مشکلات وجود ندارد. نبودن عزت نفس از توانایی ما برای کنش و واکنش کم می کند. عزت نفس سالم در طریقه ها و نمونه های متعددی از جمله موارد ذیل آشکار می شود:
 ✱ پذیرش انتقاد و حفظ آرامش در زمان آگاهی از اشتباهات
 ✱ نمودار بودن طریقه ای در گفتار و حرکات که نشانه رضامندی و لذت در زندگی است.
 ✱ آسودگی صادقانه به هنگام سختی ها و پیشرفت ها.
 ✱ آرامش به هنگام تعریف و تمجید، مهر و محبت و چیزهایی از این قبیل.
 ✱ نشان دادن آسودگی و آرامش در گفته ها و حرکات فردی.
 ✱ کنجکاوی در کسب عقاید و نگرش تازه، تجربیات جدید و امکانات تازه زندگی.
 ✱ تهدید کمتر احساس اضطراب و ناامنی در هنگام ظاهر شدن و کنترل آنها بدون مشکلی خاص.
 ✱ توانایی حفظ تعادل و وقار در شرایط استرس زا.
 ✱ چشمانی هوشیار و نافذ.
 ✱ توانایی لذت بردن از زندگی.
 ✱ انعطاف در واکنش نسبت به شرایط

منبع: تیبیان



ادامه مطلب گل نم... از صفحه ۱۳۹

یا باید پدر و دختر باشید و یا همین موضوع به دیگران این اجازه را می دهد که هرچه دلشان می خواهد بگویند. گویا وقتی گل نم برای برداشتن آبجوها به پشت بار می رود آن مرد که قدری هم مشروب خورده بود پس از اینکه نگاهی به اندام گل نم می اندازد رو به او کرده می پرسد: آن آقاهه پدرته؟ گل نم در جواب می گوید: به تو مربوط نیست. و آن مرد می گوید: من هم جوان تر از او هستم، و هم بیشتر پول می دهم.

این حرف سبب خنده چند نفری پشت بار می شود. گل نم که از توهین آن مرد در جلوی دیگر مشتریان حاضر در رستوران ناراحت شده بود در ابتدا حرفی نمی زد و آبجوها را بر می دارد و به سر میز میاید و زمانی که آن شخص دوباره حرفش را تکرار می کند دیگر نتوانسته بود که درد آن توهین را تحمل کند و در صدد این برآمد که جواب آن مرگ بی ادب را همانجا بدهد.

هر چند هم اگر روی کمک من حساب کرده بود باز درست بنظر نمی رسید که در محیطی که برای هردو ما بیگانه بود بخواهیم در دسر بیافرینیم. بگذریم ولی این کار او برای من خیلی تعجب برانگیز بود. هرگز فکر نمی کردم او دارای این چنین شهامت و اینطور ورزیده باشد. کاری که گل نم کرد من فقط در زمانی که در خدمت نظام بودم در تمرین های رزمی و فنون جود دیده بودم و گل نم هم بی شک به فوت و فن این عملیات آشنائی داشت.

پس از گذشت ساعتی و خوردن غذا و یک دو تا آبجو هنگامی که از رستوران خارج می شدیم جان و همان مرد جلو آمدند و از من و گل نم معذرت خواهی کردند و جان گفت که از اتفاقی که افتاد واقعا متاسف است.

توی ماشین نگاهی به گل نم انداختم و پرسیدم که این فنون را کجا آموختی؟

- از پدرم و چند ماهی هم آموزش دیدم. و بعد بلافاصله موضوع را عوض کرد و از اینکه آن ماجرا پیش آمده بود معذرت

خواست و گفت که این دو روزه گردش به او بسیار خوش گذشته است. و می خواهد تا باز هم تکرار شود و او را به جاهای دیدنی بیشتری ببرم منجمه لس آنجلس و لاس وگاس. من نمی خواستم بیشتر این برنامه را ادامه دهم، البته او به من اطمینان کرده بود، لیکن من به خودم اطمینان نداشتم و نمی خواستم از اطمینان او سوء استفاده نمایم. فقط می ترسیدم او به کسی دیگر روی آورد و آن وقت مورد اذیت و آزار قرار گیرد در صورتیکه می توانستم از او چون دخترم مواظبت نمایم هرچند که دخترم نبود. وقتی مرا در فکر دید گفت: من شما را ناراحت کردم؟

- ایدا. فقط باید اول برنامه کاری ام را ببینم. مسافره های دیگری هم دارم که باید با آنها باشم. در اولین فرصت خبرت می کنم. پرسید: مسافر مشکل سازی هستم؟ - نه! نه! بهیچوجه. اتفاقا کاش همه مسافران من مثل تو بودند.

و بعد موضوع را عوض کردم پرسیدم: راستی تو چرا در سن حوزه اطاق نمی گیری؟ با یک نوع ناراحتی گفت: نمی دانم!! شاید!! چطوری؟

گفتم: چطوری نداره همان طوریکه در آن هتل اطاق گرفتی.

دوباره سکوت کرد و دیگر تا هتل هیچ حرفی نزد، فقط در وقت پیاده شدن دوباره تشکر فراوانی کرد و در حالیکه شماره تلفن هتل و اطاقش را به من می داد گفت: اگر دوست داشتید برای برنامه لس آنجلس به من هرچه زودتر تلفن کنید چون ممکن است من بزودی از این هتل بروم و خداحافظی کرد و رفت.

تمام زمان برگشتن را تا به خانه در فکر او بودم، حرفهایش و برنامه هایش، که می خواست بیشتر و بیشتر با من باشد، حتی می دانستم که تمام علاقه ای که به رفتن جاهای دیدنی دارد یک بهانه است تا بیشتر با او باشم. وقتی به منزل رسیدم اولین کاری که کردم یک دوش گرفتم و بعد رفتم جلوی آینه و شروع کردم به دقت به خودم در آینه نگاه کردن. هرچه بیشتر نگاه کردم چیز جالبی در خودم ندیدم که بتواند دختر زیبا و جوانی را که مطمئنا با من تفاوت سنی زیادی داشت عاشق خود کند. خوب پس موضوع چیست؟ آن شب وقتی روی تختم رفتم هرکاری کردم که خوابم ببرد نمیشد.

ادامه مطلب دانستیهای پزشکی... از صفحه ۱۴۴

های مصنوعی در دوران یائسگی باشد. پس خانم ها در دوران یائسگی بهتر است از فرآورده های سویا استفاده کنند.

طرز استفاده

فرآورده های سویا زیاد است و بسته به نوع سلیقه می توانید از آنها استفاده کنید مانند شیر سویا، شیر بریده سویا، بلغور سویا، سویای بو داده، پروتئین سویا، سس سویا، سویای تخمیر شده، جوانه سویا و غیره.

مضرات

مضرات خاصی برای آن بیان نشده است.

ادامه مطلب برخی از... از صفحه ۱۴۴

فرمان دریا سالاری از سوی خشایارشا رسید. او به خشایارشا پیشنهاد ازدواج نیز داد که بدلالی این پیوند صورت نگرفت. در سالهای دهه شصت میلادی (دهه چهل خورشیدی) نیروی دریایی ایران، برای نخستین بار ناو شکن بزرگی را به نام یک زن نام گذاری کرد و او "آرتیمیس" بود. ناو شکن آرتیمیس در دوران خدمت "دریا سالار فرج الله رسایی" به آب انداخته شد و سالها بر روی آبهای خلیج همیشه فارس پاسدار سواحل ایران بود.

به هتل تلفن کردم. شماره اطاق گل نم را به دفتر هتل دادم، لحظه ای بعد آنرا وصل کردند، صدای تلفن از گوشی شنیده میشد لیکن کسی جواب نمی داد. کمی دلواپس شدم که نکنند از آن هتل رفته باشد ولی به خودم گفتم تازه یک روز گذشته است، به این زودی که نمی رود بهرحال چهار، پنج بار زنگ تلفن به گوش رسید لیکن کسی گوشی را برنداشت. آن روز دو الی سه بار دیگر هم تلفنش را گرفتم ولی کسی جواب نداد. با خود فکر کردم شاید هم رفته باشد. مگر برای من فرقی هم می کند! بهتر. اصلا مسئله ای نبود که من اینقدر در فکرش باشم، اما می دانستم که دروغ می گویم احساس من چیز دیگری بود که در آن موقع هنوز برایم آشنا نبود.

چند روزی گذشت از گل نم خبری نشد دیگر می رفت تا به دست فراموشی سپرده شود.

دنباله داستان در ماه آینده



ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ... از صفحه P.

آخر مگر می شود این همه سال نطق کرد. درباره سجایای اخلاقی صاحب عکس داد سخن داد، او را در هوش و خرد و خیرخواهی و نیک اندیشی نابغه و یگانه گفت و در خلوت با این همه ناباوری از او حرف زد؟ لاید می شود. لاید باید بشود تا آدم این همه سال رئیس الوزراء بماند. دم کافه شهرداری شعر پروین دولت آبادی را فریاد زد:

عشق را از عشق باید داوری

باوری بایست در ناباوری
چرا باوری نیست؟ چرا همه ناباوری است؟
آیا صاحب عکس این را می داند؟ اینها را می داند؟ چرا او یک روز مثل سلیمان نبی و زغن و پوپک و فاخته درباره اش چه می گویند. چرا منطق الطیر را نخوانده است؟
چرا به جستجوی سیمرغ برنیا آمده؟

زیر تیغ شعر

احساس می کنم در آغاز این دهه دوم

دوری و دلگیری سخت بیهوده ام. آی کجایی نادرپور؟ خدا به تو جای همه چیز تیغ برای شعر را داده. چرا گردنم را می زنی؟ چرا؟ چرا هر روز گردنم را با تیغ تیز شعرت می زنی؟ چرا شده ای آن ملک عذاب که روزی صدمبار می کشد و زنده می کند. من از این شعر تو وحشت دارم. محمدبن عبدالله هم از شعر وحشت داشت. دارم پیر می شوم و تو به جای من حرف می زنی. تو از جلاذ می گویی و من به خود می گویم «ای جلاذ ننگت باد».

اینجاست که من جبین پیری را

در آئینه پیاله می بینم

اوراق کتاب سرنوشتم را

در سطل پر از زباله می بینم

خود را به گناه کشتن ایام

جلاذ هزار ساله می بینم

مارچ ۱۹۸۹، اسفند ۱۳۶۷

ادامه مطلب همه جا تقسیم ... از صفحه P۱

و بیش از گذشته تنها می شود. با وضعیت حاد روانی که دچارش شده و بر اثر هذیانهای ذهنی بدن خود را غرق در کرمهایی می بیند که در حال خوردن او هستند. او را برای اجرا روی صحنه می برند. در حین اجرا خود را در هیات یک دیکتاتور فاشیست می بیند که اعضای گروه سربازان فرمانبردار او هستند و او آنها را وادار می کند که با خنوشن با بقیه برخورد کنند و چکشها در شهر رژه برونند و همه چیز را خرد کنند. اما ناگهان وجدانش بیدار می شود و در صحنه دادگاه به او دستور می دهد که «دیوار را فرو بریزد» تا احساس رهایی دنیای بیرون دیوار به او دست دهد؛ دیواری که در انتهای اجرای واقعی هم فرو ریخت.

تماشای اجرای زنده «دیوار»، شبی به یادماندنی را برای جوانان ترک و ایرانی به ارمغان آورد. برگزاری اتفاقی این کنسرت با اعتراضات میدان «تقسیم» و اعتراض به محدودسازیهای هرروزه اردوگان که از سر اتفاق درونمایه تند و تیز آلوم دیوار هم بوده ماجرا را دوچندان جذاب کرده بود.

او در ابتدا اجرایش را به زبان ترکی تقدیم کرد به «همه مردمانی که زندگی شان را به خاطر ترور دولتی و جنگ از دست داده اند». همزمان جوانان ترک شعار «همه جا تقسیم همه جا مقاومت» را سر دادند. اینها شعارهای اصلی اعتراضات میدان «تقسیم» بود که در دیگر لحظات کنسرت هم هرجا فرصت دست می داد فریاد زده می شد. ولی نفسگیرترین لحظه برای حاضران لحظه ای بود که عکسهای کشته شدگان جنگ و قهرمانان کشورهای مختلف روی دیوار نقش بست. از

ادامه مطلب بررسی مختصر... از صفحه P۵

مرحله مالیات تعلق می گیرد. در مرحله اول، از سود Corporation در انتهای سال مالیات کسر می شود و در مرحله دوم، پس از اینکه آن سود مالیات برداشت شده میان صاحبان آن تقسیم شد، از سود تقسیم شده هریک از صاحبان مالیات بردارنده برداشته می شود. سود شرکت را می توان به عنوان کارمزد (Wage) یا به عنوان سود سهام (Dividend) میان سهامداران شرکت تقسیم کرد. در هر دو حالت سود تقسیم شده برای بار دوم مشمول مالیات می شود، هرچند که نرخ مالیات بر سود سهام (Divident) معمولاً کمتر از مالیات بر کارمزد می باشد.

البته نکته ای که وجود دارد این است که می توان Corporation هایی را که کمتر از صد سهامدار دارند را به گونه ای تشکیل داد که سود حاصل از فعالیت آنها تنها در یک مرحله و به عنوان درآمد فردی مشمول مالیات شود. به چنین شرکتی S-corporation گفته می شود.

فرم دیگر شرکتها فرم مشارکت (Partnership) می باشد که زمانی می تواند شکل بگیرد که فردی با همکاری فردی دیگر کسب و کار خود را مدیریت نماید و هر دو در سود و زیان شرکت سهیم باشند. مشارکت خود انواع مختلفی دارد که مهمترین آنها مشارکت عمومی (General Partnership) و مشارکت محدود (LP, LLP, LLC) می باشند.

گفتگو در مورد شیوه کسب و کار مشارکتی و بررسی انواع آنها را به دلیل طولانی شدن گفتار حاضر به فرصتهای بعدی موکول می کنم.

«مطالب بیان شده در این ستون مشاوره حقوقی نمی باشد و صرفاً برای اطلاع عمومی خوانندگان محترم مطرح شده اند»

نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و بنیادگرایی. اجرای جدید دیوار تلاشی است برای مطرح کردن دوباره خطرات مخصه ای که ما همگی در آن در حال زندگی هستیم. ممکن است بگویند من زیادی رویابین هستم ولی مسلماً در این راه تنها نیستم. برای گرامیداشت یاد پدرم و دیگر کشته شدگان راه عشق در کشورهای مختلف، عکسهای آنها را برای اجرام انتخاب کردم تا بتوانم با خانواده های قربانیان خنوشن احساس همدلی کنم. من با کمک هنر نهایت تلاش را برای سرفرازی و فراموش نشدن کشته شده هایمان و اعتراض به نبودنشان انجام خواهم داد.»

مهمترین ویژگی یک Corporation این است که، به دلیل داشتن هویت حقوقی مستقل از صاحبان آن به عنوان سپری نیرومند میان مسئولیتهای ناشی از کسب و کار و صاحب (صاحبان) آن عمل می کند. به این ترتیب، در فرم Corporation، مسئولیتهای قانونی مرتبط با کسب و کار کاملاً مستقل از صاحبان آن می باشند و دارایی های فردی صاحبان نمی توانند برای جبران خسارات ناشی از فعالیت شرکت به کار برده شود.

البته باید در نظر داشت که چنین سپری تنها به واسطه اینکه شما شرکت خود را به عنوان یک Corporation تشکیل داده اید به وجود نمی آید. برای بهره بردن از سپر یک Corporation شما باید در عمل شرکت خود را به صورت یک Corporation اداره کنید. مثلاً شما باید حسابهای فردی و حسابهای شرکت را کاملاً از هم جدا نگهدارید و امور فرمال یک Corporation مانند میتینگ سالانه را رعایت کنید. در غیر اینصورت، طلبکاران شما می توانند با استفاده از تئوری به نام «Piercing of the Corporate Veil» از دادگاه بخواهند که سپر میان شما و Corporation شما را از بین ببرند.

مزیت مهم دیگر Corporation این است که تشکیل شرکت در این فرم به صاحبان آن اجازه می دهد تا سهم خود در شرکت و قدرت مدیریتی خود را در آن به آسانی و براساس توافق تنظیم کنند. قدرت مدیریتی در یک Corporation به واسطه تعیین اعضاء هیئت مدیره (Board of Directors) و سهم مالی به واسطه نوع و اندازه سهام (Share) اعضاء آن تنظیم می شود.

اما عیب مهم Corporation این است که بر درآمد حاصل از فعالیت آن، در دو ترکیه تا عراق و هند و اسپانیا و آمریکا. از گاندی و ویکتور خارا تا صحنه های دلخراش کودکان کشته شده در عراق همزمان با لوگوی برندهای شرکت های غول آسای آمریکایی و صحنه در آغوش کشیدن فرزندان آمریکایی که بعد از سالها پدران سرباز خود را می دیدند.

واترز خود در مورد ایده اجرای دیوار می گوید: «زمان زیادی طول کشید تا من بر ترس دوران کودکی ام فایق شوم. بر اثر مرور زمان توانستم تدریجاً داستان ترسها و تردیدهام را بازگویم. تسخر، تحقیر، تنبیه در کودکی و در نمایی کلی تر ناسیونالیسم،

ادامه مطلب گپی با شهرام... از صفحه ۲۸

علیرضا: منظور تان موزیک پاپ است. شهرام: بله موزیک پاپ.

علیرضا: در زمانی که شما به آمریکا آمدید، بنا به گفته خودتان، از آنهایی که در آن زمان شما را در موسیقی حمایت کردند هیچکس اینجا نبود و شما تنها بودید. البته کسانی که در آن زمان شما را حمایت کردند همیشه مهم هستند. می توانید در مورد آنها صحبت کنید؟

شهرام: در زندگی هنری من هیچکس به من کمک نکرده به غیر از مردم. من همیشه تنها کار می کردم و همه جا هم یک قدم سعی می کردم از دیگران جلوتر باشم. هم بخاطر روحیه ام و هم بخاطر پر جنب و جوش بودنم. برای همین در ایران هیچکس در کارهای هنری بهم کمک نکرد. البته به غیر از شهبال و همین. اینجا هم که آمدم تشکر می کنم از تمام هموطنانم که در تمام این سالها که امسال ۵۰ سال میشود من را حمایت کردند و پشت من بودند.

علیرضا: در تمام دوران سالهای هنریتان از چه کسانی تقدیر می کنید؟

شهرام: من فقط از مردم تقدیر می کنم. از تمام ایرانیانی که موسیقی را دوست دارند و با تشویق هایشان و خرید آلبومهای من و دیگران، ما را سراپا نگهداشتند که ما هم بتوانیم در مقابل برای آنها خوشی فراهم کنیم. مخصوصاً من که هدفم فقط خوشحال کردن هموطنان است.

علیرضا: موزیک پاپ ایران را در آینده چطوری می بینید؟

شهرام: فکر نمی کنم که آینده زیاد خوبی داشته باشه. بعد از انقلاب و بعد از خارج شدن هنرمندانی که در ایران بودند، فکر کنم تا هفت هشت سال دیگر کاملاً پایین بیاد. چون پایه اش زیاد محکم نیست. ما پایه هایمان در ایران محکم بود و درست کار می کردیم. در اینجا هرکسی آمد و یک پولی خرج کرد و وارد این کار شد. اما دیگر آهنگسازان و یا شاعران خوب مثل سابق نداریم. در مجموع سواد شعر و ملودی پائین آمده است.

علیرضا: شما به پدر و مادرهایی که فرزندانیشان می خواهند وارد این کار بشوند، اما مانع آنها می شوند و فکر می کنند که با درس خواندن آینده ای بهتر می توانند داشته باشند چه می گوئید؟

شهرام: من فکر می کنم که هرکسی هر کاری که دوست داشته باشد در آن موفق خواهد شد، ولیکن الان زمانه عوض شده. من توصیه می کنم که پدر و مادرها

اجازه بدهند که بچه ها کارهای هنری را یاد بگیرند ولی اگر می خواهند وارد این کار بشوند، باید کار دومشان باشد. حتماً کار دیگری برای امرار معاش داشته باشند. این کار را فقط از نظر اینکه لذت ببرند و خستگی در کنند انجام دهند. پیانو، سنتور و گیتار یاد بگیرند. اگر صدای خوب دارند تمرین خوانندگی کنند. تا این حد خوب است اما اگر بخواهند زندگیشان را از کار هنری بچرخانند خیلی برایشان سخت خواهد شد و زندگیشان ممکن است که از بین برود. بخصوص در اینجا چون ما در اقلیت هستیم. کار کردن خیلی سخت است.

علیرضا: همیشه در دنیای هنر ما ایرانیان، بخصوص در لس آنجلس، همه به نرخ روز به جلو می روند. حتی اگر شده ظاهرش و یا سبکش را عوض کنند که فقط بتوانند به جلو بروند. ولی شما هیچوقت تغییر نکردید، چه از نظر سبک موزیک و یا حتی قیافه. چرا نخواستید که هیچ تغییری در خود بدهید؟

شهرام: این جزو روحیه من است، و مسئله مهمتر این است که وقتی می بینم سبک موزیک و قیافه ام همیشه مثبت بوده و به نفعم شده و مردم هم حمایت کردند، پس سعی کردم همان را دنبال کنم. در زندگیم ریسک کردم اما نه در کارهای هنری. هرکسی سبک خودش را دارد. کسی نمی تواند مثل من کار هنری اجرا کند و یا بخواند، فقط کار خودمه. در مورد ظاهر من نیز من اصولاً دوست دارم که راحت باشم و زیاد به مد اهمیت نمی دهم فقط یک چیزی بپوشم که مرتب و راحت باشد و در عین حال هم احترام برای تماشاگران. اگر پیراهن تنگ بپوشم که نفسم را بگیرد، نمی توانم که بخوانم. حالا مد باشد که باشد، من زیاد به این مسائل فکر نمی کنم.

علیرضا: حالا از همه اینها گذشته این راز و سر موی شما چیست؟ ما همه داریم موهایمان را از دست می دهیم ولی موی شما ماشاء الله هر روز پُرتر می شود.

شهرام: مال ما ارثی است. خدا بیمارز پدرم که در سن ۸۶ سالگی فوت کرد حسابی موهایش پرپشت بود. پوستمان زود چین و چروک نمی افتد و نسبت به سنمون جوانتر نشان می دهد و موهایمان هم معمولاً پرپشت می ماند.

علیرضا: لذت بخش ترین و تلخ ترین لحظه زندگیتان در آمریکا در چه موقع بوده است؟
شهرام: لذت بخش ترین زمان زندگیم وقتی بود که دخترم به دنیا آمد و تلخ ترین در سه زمان بود. یکی وقتی پدرم فوت کرد، یکی وقتی انقلاب شد و یکی

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

هستم، البته راست گفته ام و در آینده این نکته برایت بیشتر روشن خواهد شد. در روستا خودم را در زادگاه اصلی خود احساس می کنم. شبهای دراز به کلبه روستائیان فقیر می روم و در کنار سفره خالی غذای آنها که جز نان و سیب زمینی چیز دیگری در آن نیست می نشینم و به گفته های ساده ولی دلنشین آنان گوش می دهم.»

بد نیست بدانید نامه نگاری و نسان با تئو برادرش از ماه اوت ۱۸۷۲ آغاز و تا ۱۸ سال بعد یعنی ۱۸۹۰ که سال مرگ اوست ادامه داشت.

و دخترم است و دوم محتاج به کسی نباشم. برای همه هموطنانم، برای شما هم همینطور، آرزو می کنم که سلامت باشید و هرگز محتاج کسی نباشید. آدم های سالم و رو پای خود ایستاده، آدمهای خوشبختی می توانند باشند.

علیرضا: گله گی شما از دنیا چیست؟!

شهرام: هیچ گله گی ندارم. من جزو خوشبخت ترین آدمهای دنیا هستم.

علیرضا: شما بعد از سالها دوری از بی اریا،

در ماه سپتامبر کنسرتی در سن حوزه داشتید. در مورد این تجربه بگوئید.

شهرام: اولاً عذر می خواهم از کسانی که نتوانستند آن شب به داخل بیایند چون جا نبود. ما ایرانیان عادت داریم که دیر به کارهایمان برسیم. دوم مرسی از شما و پدرت که باعث شدید این کنسرت برگزار شود. آن شب یکی از گرمترین برنامه ها بود، البته با بودن گرمترین ایرانیها. از تمام کسانی که آمدند بسیار متشکر هستم. خیلی هم سرحال بودند و خیلی هم به من انرژی دادند و امیدوارم که به همه خوش گذشته باشد. شب بسیار خوبی بود. جزو بهترین شبهای من. چه مردم با حال، خونگرم و بزن و برقصی بودن.

علیرضا: چه حرف آخری دارید که این مصاحبه را تمام کنیم؟

شهرام: رفقا، دوستان هرکسی که مجله پژواک را می خواند، یادتان باشد که بهترین راه زندگی راه راست است. حقه بازی، کلک و دروغگویی آدم را ترسو می کند. اگر کسی را دوست ندارید با او رفت و آمد نکنید، سلام و علیک داشته باشید. لغت تنفر را استفاده نکنید و کسی را هم که دوست دارید با او رو راست باشید.

علیرضا: با تشکر از وقتی که به ما هانامه پژواک دادید.

شهرام: من هم متشکرم بابت این مصاحبه.

او این نامه ها را با کمال صداقت و سادگی بقلم آورده. تئو کارمند یکی از گالری های هنری گوویل بوده و تنها پناهیگاه و مایه امید و دلخوشی و نسان، او محسوب میشد. در حقیقت او بوده که بار زندگی را بدوش می کشید.

این دو برادر همدیگر را بندرت می دیدند ولی نامه نگاری آنان قطع نمی شد. شاید اگر تئو در زندگی و نسان نبود او خیلی زودتر چشم از جهان فرو می بست. بهرحال وانگوگ خود را نقاش روستایی می دانست. جایی خودش می گوید: «این که می گویم نقاش روستایی

هم وقتی شاه فوت کرد.

علیرضا: شما خودتان وقتی به آهنگی گوش می کنید، چه ایرانی و چه آمریکایی، به چه کسانی بیشتر گوش می کنید؟!

شهرام: من گوش دادن به موزیک را با سه نفر شروع کردم. یکی گروه بیتل ها بود و بعد جیمز براون و ری چارلز و البته به موسیقی اسپانیولی هم بسیار علاقه داشتم و هنوز هم دارم و از ایرانی نیز به ویگن گوش می دادم. به موسیقی ایرانی زیاد گوش نمی کنم چون احساس می کنم که چیزی از آن یاد نمی گیرم. البته بعضی از آنها بد نیستند. من ده سال اول کارم موسیقی خارجی می خواندم مثل اسپانیایی، ایتالیایی، انگلیسی و چهارتا آلبوم خارجی دارم. هر موسیقی که خوب اجرا شود به دل می نشیند، حتی اگر چینی و یا ژاپنی باشد. ممکن است شعر و ملودی را بسیاری تشخیص ندهند، اما از شنیدنش لذت می برن. مثل بوی گل می ماند. چشمتم را ببند و یک گل را بو کن. وقتی بوی خوبی بدهد خوشتم می آید، حالا قیافه اش هرطوری می خواهد باشد باشد.

علیرضا: اگر دنبال کار هنری نمی رفتید، چه حرفه دیگری انتخاب می کردید؟!

شهرام: آشپز می شدم و یا راننده کامیون.

علیرضا: چرا راننده کامیون و یا آشپز؟!

شهرام: آشپزی دوست دارم چون شکمو هستم. راننده کامیون هم مدام در حال سفر است همانجا توی ماشینش تخت دارد و برای خودش آزاد است. در ضمن خیلی هم حیوان دوست هستم. پرندگان را خیلی دوست دارم و بعد اسب و فیل. سگ هم عاشقشم. فقط خزنده اصلاً دوست ندارم.

علیرضا: در این زمان و در این حال، آرزویت چیست؟

شهرام: اول آرزویم سلامتی برای خودم، همسر

ادامه مطلب نامه نرگس محمدی ... از صفحه ۱.

بدون پاسخ قانع کننده و حتی محترمانه فقط راه را سد کرده بودند که ما نمی‌گذاریم این خانم وارد سالن شود. علی و کیانا کاملاً عصبی شده بودند و نگران و مضطرب ماموران را نگاه می‌کردند. علی دست کیانا را گرفته بود و هر جا که می‌بردند او هم می‌آمد. یکی از خانم‌ها کلمات نامناسب و لحن توهین آمیزی داشت. هر ۴ نفر بسیار جوان بودند و بیش از ۳۰ سال نداشتند و متأسفانه برخورد محترمانه و انسانی نداشتند. یکی از آنها جورابش خیلی نازک بود و وقتی خانم محتشمی پور سوال کردند که جوراب نازک ماموران اشکالی ندارد، صداها بلند شد. یکی از ماموران گفت خانم شما باید از اینجا بروید اگر شما وارد سالن شوید برای ما مشکل پیش می‌آید و ما باید پاسخ بدهیم. اعتراض آرام و طلب دلیل و استدلال ما راه به جایی نبرد. در این معرکه ۴ نفر عکاس تا می‌توانستند از ما از زوایای مختلف عکس گرفتند. خانم محتشمی پور اعتراض کردند که چرا انقدر عکس می‌گیرید و این کار درست نیست ولی کوچکترین اعتنایی نکردند. یکی از ماموران دوربین را انقدر نزدیک صورت من گرفته و مشغول عکس گرفتن بود که گویی در آتلیه عکاسی می‌کرد و این کار باعث اعتراض شدید من شد ولی موثر واقع نشد. در این گفت و گوها یک مرتبه یکی از ماموران که گویا فرمانده‌شان بود و حتی حاضر نبود در مورد یک سوال هم توضیحی بدهد، فریاد زد دستگیرش کنید و ناگهان چند زن دستهای من را از دو طرف کشیدند.

من واقعا متحیر بودم. خوب چرا ماشین را نشانم نمیدادند تا خودم سوار شوم. واقعا این همه خشونت و داد و فریاد اصلا لازم نبود. چون هر بار تهدید می‌کردند من با آرامش می‌گفتم برویم تا بگویید ایراد لباس من چیست؟

به هر حال مامور با صدای بلند دستور میداد و خانم‌ها هم هر چه زور داشتند به کار گرفتند. احساس کردم دستهایم را می‌خواهند از جا بکنند. هر چه گفتم دلیلی ندارد آن قدر خشن و توهین آمیز برخورد کنید اما صدای من در مقابل داد آقایان اصلا شنیده نمی‌شد.

خانم محتشمی پور در حال توضیح نادرست بودن رفتار آقایان بود. کیانا و علی از ترس، دستهای دوستانم را چنگ زده بودند

و جیغ می‌زدند. عکاس‌های محترم هم عکس می‌گرفتند و من متعجب از کار آنها بودم که این عکس‌ها را برای چه می‌گیرند و غافل از این که دغدغه‌داران دین و ناموس مردم این عکس‌ها را شو و نمایش عمومی خواهند داد و اینگونه آمر به معروف و ناهی منکر خواهند شد و اسلام را به عنوان دین رحمت و عطاوت به نمایش خواهند گذاشت و کرامت واقعی انسان را که دستور موکد دین است نشان خواهند داد.

بالاتر با فریاد ماموران که یکی دستور بازداشت می‌داد و آن دیگری دستور دور شدن من و فرزندانم را، از محل دور شدیم. صدای زنانه اعتراض من و خانم محتشمی پور در مقابل فریاد تهدید آمیز بگیر و ببند مردانه گم شد و گام به گام از آن جماعت دور شدیم.

تصمیم گرفتم همان شب به خاطر خودم و کیانا و برای دختران نازنینم در ایران و اضطراب‌هایشان برای برخورداری از کمترین حق برای انتخاب پوشش نامه‌ای بنویسم، اما باز منصرف شدم. از وقایع روز شنبه شوکه شده بودم تا اینکه روز بعد چند تماس تلفنی از ایران و خارج داشتم که این عکس‌ها را چه کسی از شما منتشر کرده و چه شده و ...؟

به سایت‌هایی که با آب و تاب عکس زنان ایران را به نمایش جهانی گذاشته بودند چند بار نگاه کردم. منظورشان را نمی‌فهمم. واقعا به چه منظور چنین می‌کنند؟ کمین می‌کنند و بدون اجازه زنان با حرمت این سرزمین از دختران جوان عکس می‌گیرند و بدون اجازه این زنان عکس‌ها را منتشر می‌کنند و چه با افتخار نام این عمل را مبارزه ماموران با بی‌حجابی می‌نامند.

بارها اعتراض کردم که عکس نگیرید کارت‌تان درست نیست من با شما گفت و گو می‌کنم و گفتم آقای مامور این آقایان چه کسانی هستند که پشت شما ایستند و آن قدر عکس می‌گیرند و هر بار جواب می‌دادند ماموران خودمان هستند البته یکی از ایشان یونیفرم هم بر تن داشتند.

زمانی که وانمود کردند بنده و خانم محتشمی را شناختند، از برخورد‌هایشان می‌شد حدس زد که پس پرده چه بود و چه خواهد شد و اکنون با دیدن ۵ عکس از من و حتی خانم محتشمی پور با پوشش چادرمی توان حد اقل قسمتی از ماجرا را متوجه شد. لابد این ۵ عکس در میان

ادامه مطلب طالبان نوجوان ... از صفحه ۶

به گفته معاون والی غزنی، قتل این دانش آموز بیانگر آن است که گروه طالبان به زندگی افراد عادی اعتنایی ندارند.

تاکنون واکنش از گروه طالبان به اظهارات آقای احمدی در دست نیست. آقای احمدی افزوده که نیروهای امنیتی عملیات جستجو برای بازداشت

۲۰ عکس، تصادفی و بدون هیچ برنامه و قصدی منتشر شده؟ شاید عکاسان مامور محترم برای معرفی بنده ناگزیر به استفاده از این عکس‌ها در موقعیت‌های متفاوت بودند؟ و شاید...

جناب آقای رحمانی فضلی، چنین برخوردی با زنان با حرمت ایران روا نیست و این نامه از سر ناچاری و در اعتراض به جسارت ماموران در برخورد با زنان و دختران این سرزمین نوشته شده، شاید مانع تداوم آن گردید.

همان زنانی که با رای و اراده خود در بزنگاه‌های تاریخ نقش می‌آفرینند و جالب اینجاست که در ایام انتخابات و راهپیمایی‌ها شاهدیم که خبرنگاران با همان زنان با همان پوشش‌ها مصاحبه می‌کنند و حتی مصاحبه‌هایشان در اخبار سراسری تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شود. آیا زنان با شعور ایران که در انتخابات‌های سرنوشت ساز مخاطب مردان حکومت قرار می‌گیرند تا با رای خود سرنوشت سرزمینی را رقم زنند، نمی‌توانند لباس مناسب و در شان خود را تشخیص دهند و بر تن کنند و باید ماموری با گفتار، رفتار و تهدید آنچنانی دستور دهد شما بروید شلوار بپوشید و حتی اگر حجاب تان ایرادی ندارد اما ما تشخیص می‌دهیم دامن و مانتو بلند با جوراب سیاه ضخیم غیر شرعی و قانونی است و حاضر به شنیدن صدای اعتراضی هم نباشند.

جناب آقای وزیر، معیار پوشش قانونی چیست؟ و مردم از کجا باید بدانند ماموران در مورد معیار پوشش چگونه می‌اندیشند؟ چرا که ماموران نواحی مختلف در مورد حجاب متفاوت می‌اندیشند و عمل می‌کنند و این معیارها امری سلیقه‌ای است. قانونی بودن لباس را چه مرجعی تعیین میکند و چگونه به مردم اعلام می‌گردد؟

۲- ماموران تا چه حد می‌توانند با مردم برخورد کنند؟ آیا قانون اجازه می‌دهد تا تعرض کلامی یا رفتاری یا برخورد خشن با زنان محترم جامعه داشته باشند؟

۳- آیا ماموران زن صرف این‌که محرمند و مشکل شرعی پیش نمی‌آید، می‌توانند برخورد فیزیکی کنند؟

۴- آیا چاپ و انتشار تصویر زنان ایرانی در سایت‌ها و رسانه‌های عمومی به لحاظ قانونی و شرعی حلال است. آیا این اقدامات غیر قانونی و غیر شرعی به نیت دور کردن زنان از جامعه و خانه نشینی آنها نمی‌باشد؟ زیرا شاهدیم که مطالبات بر حق زنان و اعتراضات قانونی آنان چگونه پاسخ داده شده و از هر وسیله‌ای برای خاموش کردن صدای آنان و بیرون راندن آنها از اجتماع استفاده می‌شود و چه بسا چنین برخوردهای غیر قانونی نیز در همین راستا طراحی و اجرا می‌شود.

بنده مصرا تقاضا دارم جناب عالی به عنوان وزیر محترم کشور دستور بفرمایید تا به عنوان یکی از زنانی که مورد تعرض نا به جای ماموران قرار گرفته‌ام با همان پوشش که در برخی سایتها وجود دارد در وزارت کشور حاضر شوم تا کارشناسان شما در این حوزه توضیح بفرمایند که کدام قسمت پوشش من غیراسلامی و غیرقانونی بوده تا در صورت صحت بنده نیز متوجه شوم و در غیر این صورت حداقل ماموران محترم را توجیه بفرمایید.

من اطلاع ندارم چنین برخوردی با بنده به چه دلیل بوده و چرا اینگونه مانع ورود من به سالن شدند که بر خلاف ادعایشان در سایت‌ها نه برای حضور در کنسرت بلکه برای حضور در یک برنامه فرهنگی - اجتماعی بوده، اما اگر چنین برخوردهایی تکرار گردد، شائبه غیر موجه بودن آن آشکار خواهد شد چرا که عمل نیت را فاش خواهد ساخت.

نرگس محمدی ۱۹ شهریور ۱۳۹۲

ادامه مطلب اقتصاد ایران ... از صفحه ۱۲

در شرایط فعلی برنامه ریزان دولتی بجای تمرکز بر روی پروژه های کوتاه مدت و ضربتی بهتر است بر روی ظرفیتهای اصلاح ساختار اشتغال و شناسایی زمینه های ایجاد اشتغال برای گروههای آسیب پذیر در بازار کار تمرکز نمایند. آخرین آمارها نشان می دهند که فارغ التحصیلان دانشگاهی و زنان در جامعه با تحمل بالاترین نرخ بیکاری در میان اقشار بیشترین آسیب را از منفی شدن نرخ رشد اقتصادی دیده اند. تمرکز بر پروژه های کارآفرینی و زمینه هایی که پتانسیل جذب این گروهها را دارند باعث می شود تا ضمن کنترل بیکاری امکان ایجاد اشتغال مولد در جامعه فراهم گردد. متأسفانه نرخ منفی رشد اقتصادی این کار را سخت تر کرده است چون منابع محدود اقتصادی از گذشته محدودتر شده اند. اما اینکار غیر ممکن نیست.

ادامه مطلب از دیدگاه ها ... از صفحه ۳۳

بر اساس این فتوا زنان، حتا زنان شوهردار میتوانند به جبهه اعزام شده و درفاصله های دوساعتی به عقد مردان متعدد درآمده و با آنان همجواری کنند. حتا درصورت لزوم، برادران میتوانند خواهران خود را به عقد خود درآورده با آنان همجواری کنند و به این زنان ساده دل وعده داده شده است که پس از مرگ، راهی بهشت خواهند شد. اگر به اینترنت مراجعه کنید، اقرار بسیاری از زنان شوهردار را که قربانی این فتوا شده اند، ملاحظه خواهید کرد که چگونه در جبهه ها توسط مردان گوناگون، بارها دست به دست می شده اند.

نه تنها مردم دنیا، بلکه حتا مردم سوریه نیز از روی کارآمدن این افراد به شدت به وحشت افتاده اند. اگر قرار است این عده، دست به همان رفتاری بزنند که مسلمانان تند رو در جمهوری اسلامی، طالبان در افغانستان، عراق، ترکیه، پاکستان و... زده اند، مردم سوریه از خود می پرسند، آیا واقعا ما باید تلاش کنیم تا از دست یشار اسد، یا حکومتی نظیر او رها شده به دامان این افراد بیفتمیم که در برابر دوربین تلویزیون، جگر دشمن را درآورده و خام خام به نیش میکشند؟

تصور نکنید غرب از حمله به کشورهای مثل افغانستان، عراق، لیبی دل خوشی دارد. واقعا تهاجم به این کشورها چه امتیازی برای آمریکا و متحدان غربی او به بار آورده است؟ هزینه های سرسام آوری برای این جنگ ها شده است، جوانان بسیاری اعم از آمریکایی و غربی در این کشورها، یا درجنگ ها و یا حتا توسط مردم این کشورهای به اصطلاح آزاد شده کشته شده اند و در نهایت نیز مردمان آنها، آمریکا و متحدانش را کشورهای متخاصم تلقی میکنند که سرزمین آنها را اشغال کرده و به جان و مال و ناموس آنان ابقا نمی کنند و به این ترتیب این

در شرایط فعلی دانش اقتصادی کافی در کشور برای تجزیه و تحلیل درسهای تجربه های مشابه وجود دارد، از سوی دیگر بنظر می رسد جامعه بیش از پیش متوجه است که دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات اقتصادی نیست. کلیدی که در دستان دولت است کلید باز کردن قفل پویایی کسب و کار در ایران و ایجاد شرایطیست که کارآفرینان و سرمایه گذاران بتوانند به فعالیت مثبت و سازنده اقتصادی بپردازند. ایجاد این شرایط محیطی به معنای ایجاد تسهیلات بانکی و پرداخت یارانه نیست، بلکه مستلزم اصلاح ساختار مقررات و فرهنگ ادارات در ارائه خدمات است. برداشتن چنین گامی انگیزه بخش و اطمینان آفرین است. منابع نفتی دولت شاید کمتر باشد ولی سرمایه جامعه ما فقط نفت نیست.

گونه آزادسازیها، جز بدنامی و خسارات جانی و مالی هیچ نتیجه دیگری برای آمریکا و غرب نداشته است. اکنون محبوبیت روسیه و چین که پیشیزی در این کشورها خرج نکرده و تا آنجا که میتوانسته اند، ثروت آنان را از طریق فروش اسلحه و اجناس بنجل به بغما برده اند، به مراتب از آمریکا و غرب بیشتر است. آمریکا و غرب از خود می پرسند مگر بیمار هستیم به نجات این کشورها رفته و خود را تا این حد به خطر و خسارت بیندازیم و دریایان نیز مردم این کشورها ما را دشمن خود و اشغالگر بخوانند؟ نتیجه به اینجا کشیده است، حال که تحریم ها بر جمهوری اسلامی اثر مثبتی داشته و تقریبا جمهوری اسلامی را به زانو درآورده است و از نظر ارزی نیز وضع این کشور بسیار شکننده شده است و با تغییر حکومت و فرستادن علامت هایی که همه حاکی از حسن نیت و تصمیم به اتخاذ راهی عاقلانه و مسالمت آمیز است، چرا با دادن امتیازاتی به جمهوری اسلامی شانس دیگری به این کشورندیم.

حال که تصویب جنگ، حتا به صورت مشروط و کوتاه مدت هوایی و تنبیه بشار درکنگره آمریکا با مانع برخورد کرده است، آیا بهترین فرصت به دست آمریکا نیفتاده است که با جمهوری اسلامی مذاکره کرده و رضایت این کشور را جلب کند؟ ملت را به خاطر خواست های سیاسی و حزبی میتوان به صلابه کشید، زندانی کرد، درخیابانها کشت، ممنوع الخروج کرد، ازمشاغل خود برکنار کرد، اما هنگامی که "بلوای نان" راه بیفتد و گرسنگی فشار آورد، حتا قوام السلطنه ها هم باید بروند و نمی توانند با ملت گرسنه رودویی کنند. درمساله سوریه آمریکا هم حسن نیت خود را به حد اعلی نشان خواهد داد. اگر معتقدید، بشار بماند تا این دوره خود را به آخر رسانده و بدون خجالت و شرمساری ریاست

ادامه مطلب ورزش از نگاه ... از صفحه ۱۴

جباری را من هرگز درکش نکرده ام، او در سال جام جهانی به خودش استراحت مطلق داده است. تیموریان دستش شکسته است و با دست شکسته بازی می کند. خلعت بری مشکلات خاص خودش را دارد. پولادی با یک مشکل کوچک اسیر یک دوره درمان طولانی است یک پزشک شما با یک اشتباه بزرگش این بازیکن را کشت. این اتفاق اگر در اروپا می افتاد این پزشک احتمالا زندانی می شد. حالا به اینها نگویم سی و سه ساله را اضافه کنید و بگذارید صادقانه بگویم من میانگین دوندگی بچه های خودمان را با یک تیم کوچک دست مزد آقای عقیلی که پشتش را به تیم ملی کرد چقدر است. او با پولش می توانست سه چهار اردوی ما را پوشش دهد در حالیکه بازیکنانی که تیم را به جام جهانی بردند هنوز پول هایشان را نگرفته اند. ما وقتی به لبنان باختیم خیلی خوب با من رفتار نکردند. سؤال آقای کی روش که چندان هم بی ربط نیست چنین است در بنائی که باید ویران شده و از نوساخته شود، در فضائی که در آن اصول علمی فراموش شده است چگونه می توان ساختمانی را از بالا بنا نهاد.

او می گوید قبل از بازی ایران و کره بازیکنانی داشتیم که وقتی وارد زمین شدند مثل توریست ایستاده بودند وسط زمین و داشتند برای هیجان برای خانواده هایشان عکس یادگاری می گرفتند، چون متأسفانه سابقه و تجربه بازی هائی به این مهمی را نداشتند. حالا فکرش بکنید حریف ما آرژانتین باشد. در آن شرایط پنج یا شش بازیکن ما اصلا به برون فکر نمی کنند چون همه فکر و ذکرشان این است که در پایان بازی خودشان را به برسانند و پیرانش را به یادگار بگیرند، حالا فکر می کنید چرا من هر دقیقه باید به سرداران و رئیس باشگاه ها توضیح بدهم چرا من اردو می خواهم. من دوست ندارم که مدام با همه بچنگم و وقتم را تلف کنم من نمی گویم چه مسیری را انتخاب کنید ولی این راه غلط است. ما به هیچ خیر نمی رسیم و من دنبال این نیستم که همه را

جمهوری را ترک کند، آمریکا اهل معامله و مدارا هست و تا آن زمان صبر خواهد کرد. مشروط بر آنکه کشت و کشتار را قطع کرده و آماده پذیرفتن هیاتی بین المللی ناظر بر سلاحهای شیمیایی باشد که دیگر دست به این نوع دیوانگی ها نزنند. البته آمریکا برای تنبیه اسد، احتیاطا دست به محاصره مختصر سوریه از راههای لازم خواهد زد.

بدیهی است که ورود و صدور بی حد و حساب کالاها به سوریه یا ازسوریه به سوی سایر نقاط جهان زیر نظارت دقیق قرار خواهد گرفته و به شدت کنترل خواهد شد. اما در مساله انرژی اتمی همانگونه که بارها تاکید شده است، انرژی اتمی و غنی سازی حق مسلم هر کشوری است ولو قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی را نیز امضاء کرده باشد. اما دنیا یک ایران مجهز به سلاح اتمی

راضی کنیم. بهرحال آقای کی روش همه را به وحشت می اندازد. وقتی کسی پرسشی از او می کند، همان پرسش را با خیره شدن در چشمان او از او می پرسد و آنگاه پاسخ می دهد، او خبرنگاران را به وحشت می اندازد، نکند سؤال ابلهانه ای از او بپرسند و او مسخره شان کند. او گفتگو با مخاطبش را می برد و کاری می کند که چند ماه بعد همه حرف های او را تکرار می کنند. هواره در میان انبوه خبرنگاران سؤال کنندگان بی ترحمی هستند و پاسخ دهنده باید کاملا برخورد مسلط بوده و صاحب حوصله و صبر و تجربه باشد که از پا نیفتد و او کاری می کند که در چشم های همه تعجب موج می زند. در صورت او همیشه چشم های باهوشش را می توان دید که برق می زند. او مأموریت خود را می شناسد و از ناامیدی و یاس و کمبود بودجه را نیم پذیرد، او می گوید وقتی عقیلی پول قراردادش را که دو برابر یک اردوی ما است می گیرد، چگونه فدراسیون پول ندارد؟ او می گوید بهتر است پول را بدهید تا به خانه ام بازگردم. حال ساده لوحی می خواهد که باور کرد پولش را بگیرد و برود، گرچه او می داند این یک بی ابرویی برای فوتبال ایران است که مریش را قبل از جام جهانی از دست دهد. او بی تجربه نیست و از غبار دهه ها گذر کرده است، او یک سازمان دهی و تداوم فکری بهتر از فوتبال آسیا برخوردار است. چنین است که همه را به مسخره می گیرد حتی شیخ قطری را که رئیس فوتبال آسیاست فراموش نکنیم. او تیم ایران را راهی جام جهانی کرده است. آیا او فوق العاده ترین مردی است که تا بحال خبرنگاران ورزشی دیده اند؟ آیا او چمدانهایش را بسته است و در میان آنها یک فرش نفیس ایرانی با خود خواهد برد و به کشورش باز خواهد گشت و آیا او به این نتیجه رسیده است که: پای در زنجیر پیش دوستان به، که با بیگانگان در بوستان را هرگز نپذیرفته و تحمل نخواهد کرد. غنی سازی هم باید دلیل قانع کننده ای داشته باشد. یک مساله مهم را نیز البته فراموش نکنیم که درباره آن در نیویورک بیشتر گفتگو خواهیم کرد. حل مساله فلسطین و اسرائیل به صلاح آن دوکشور، کشورهای عربی و به طور کلی منطقه خاورمیانه و جامعه جهانی است. این معضل باید به نحوی حل و فصل شود. جمهوری اسلامی کشوری است که دارای توانایی های بسیار می باشد و البته نیاز به منطقه نفوذ نیز دارد که شاید بهترین منطقه، محدوده کشورهای پاکستان، عراق، افغانستان و ازمنستان باشد. اما قطعا آمریکا نظارت کامل بر کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد داشت. منطقه عربی خاورمیانه را نیز به شدت مراقبت خواهد کرد تا هیچگونه خللی به این کشورها یا صلح اعراب و اسرائیل وارد نشود.

ادامه مطلب خوراکی های ... از صفحه ۴۲

بنابراین پس از مصرف این دسته از میوه ها، دهان را با آب بشویید. سرکه؛ از سرکه برای تهیه انواع سس ها، ترشی و... استفاده می شود. اما این ماده طعم دهنده به خرابی دندان نیز منجر می شود. نتایج بررسی های اخیر نشان می دهد، افرادی که غذاهای سرشار از سرکه مصرف می کنند با ۳۰ تا ۸۵ درصد افزایش خطر پوسیدگی مینای دندان مواجهند. کاهو با اثر مخرب سرکه مقابله می کند بنابراین افزودن سرکه روی سالاد کاهو، مشکلی ایجاد نمی کند. پودر کاری؛ هر نوع غذای سرشار از رنگ دانه مانند سس سویا و پودر

کاری باعث تغییر رنگ دندان می شود. برای پیش گیری از تغییر رنگ دندان، پس از مصرف غذای حاوی پودر کاری، آب بنوشید. جای سیاه؛ جای حاوی ماده ای به نام «تانین» است که روی دندان لکه ایجاد می کند. هرچه جای پررنگ تر باشد، احتمال آسیب رساندن آن به دندان ها نیز بیشتر است. می توانید جای سبز یا هر نوع دمنوش گیاهی را جایگزین جای سیاه کنید. میوه های کنسروی؛ کنسرو میوه ها علاوه بر قند زیاد حاوی اسید نیز است که به دندان ها آسیب می رساند. به نقل از خراسان

ادامه مطلب پول زنان ... از صفحه ۳۰

چنین تفکری حتی در زنان متعلق به بدنه حاکمیت هم وجود دارد و به شکل های مختلف درباره آن بحث می شود؛ به این شکل که از زنان خواسته می شود تا حد امکان از کار در خارج خانه خودداری کنند و اگر اختلافی به دلیل کار کردن زن در بیرون خانه ایجاد شود، زنان مقصر دانسته می شوند. حق رسمی مخالفت با اشتغال زن برای مردان وجود دارد؛ مگر اینکه زنی حق اشتغال را به عنوان شرط ضمن عقد مطرح کرده باشد. کنترل رفتار زنان در خارج از خانه و حساسیت های غیرعادی نسبت به حضور زنان در محیط های مختلط که از سوی نهادهای رسمی حکومت هم تقویت می شود، مخالفت با هر نوع استقلال مالی زنان را بیشتر می کند.

بر این مینا زنان زیادی وجود دارند که درآمد خود را صرف هزینه های خانواده می کنند بدون اینکه مشارکت مالی آنها جایی محاسبه شود و تعدادی از آنان که مالکیت شخصی دارند هم مورد سوءاستفاده مالی پدران، برادران و همسران خود قرار می گیرند و اختیار اموال و دارایی های خود را از دست می دهند.

در جامعه ای که هنوز بسیاری از مردان مالکیت و استقلال مالی زن را به رسمیت نمی شناسند، این توقع از زنان وجود دارد که درآمد و اموال خود را در اختیار مردان بگذارند و مدیریت مالی را به مردان بسپارند. نمونه اش فاطمه، زن ۲۹ ساله ای است که قبل از ازدواج صاحب خانه ای بوده است، اما پس از ازدواج همسرش او را وادار می کند که آن را به نام او کند: «آنقدر به من فشار آورد که مجبور شدم قبول کنم. چندبار کارمان به دعوا و درگیری کشید. کم است.»

ادامه مطلب پول ندارند ... از صفحه ۱۱

او که خودش یک کارگر است از تجربه خودش برای خرید وسایل مورد نیاز فرزند دانش آموز در آستانه شروع سال تحصیلی جدید می گوید: «یک هفته می شود که همسر من می گوید برای فرزندمان خرید کنیم ولی من فعلا پولی در بساط ندارم که وسایل مورد نیاز فرزندم را بخرم. این مشکل تعداد زیادی از همکاران من است.» عظیم زاده ترک تحصیل فرزندانش کارگران را فقط خروج آنها از چرخه تحصیل نمی داند: «در حال حاضر حقوق معلمان به اندازه ای کم است که آنها انگیزه کار با کیفیت در کلاس ها را ندارند و به همین دلیل ترجیح می دهند طوری در مدارس درس

دهند که دانش آموزان مجبور شوند معلم خصوصی بگیرند و چون فرزندان کارگران پول این کار را ندارند از نظر آموزشی افت می کنند، مردود می شوند و در نهایت از مدارس اخراج می شوند.»

بر اساس گزارش های مرکز آمار ایران از جمعیت ۱۹ میلیون و ۴۳۵ هزار نفری در سنین هفت تا ۱۹ سال در سال ۹۱-۹۰ که باید آموزش خود را در مدارس ادامه می دادند، بیش از ۷ میلیون و ۱۳۵ هزار نفر به دلایل اقتصادی و غیره قادر به ادامه تحصیل نبوده اند و در حقیقت بیش از ۳۷ درصد دانش آموزان ایرانی در همان سال مجبور به ترک تحصیل شده بودند.

ادامه مطلب آمریکا و سوریه ... از صفحه ۲۹

و چرا مقامات آمریکایی لازم می بینند که پری جلب حمایت کنگره از تهدید نظامی آمریکا علیه سوریه، پای ایران را به میان بکشند و از آن به عنوان وسیله ای برای اقناع آنان بهره بگیرند. بحران بین المللی سوریه به هر نحو که پیش برود به عنوان مدلی برای ایران به کار گرفته خواهد شد. دو راه در برابر رژیم اسد قرار گرفته است. راه کم هزینه تر آن است که بشار الاسد کنترل ذخایر سلاح های شیمیایی خود را در اختیار نهادهای بین المللی مورد قبول غرب قرار دهد تا ترتیب ناپودی آنها داده شود - طرحی که ظاهرا اسد با آن موافقت کرده است. در غیر این صورت، نباید در عزم آمریکا و متحدان آن در کاربرد حمله نظامی تردید کرد. تصمیم آمریکا به حمله نظامی به سوریه بیش از آن که ناشی از احساس یک «ضرورت اخلاقی» برای «تنبیه» رژیم اسد باشد برخاسته از این

«نیاز» غرب است که به رژیم ایران نشان دهد که گزینه نظامی آمریکا برای مقابله با فعالیت های هسته ای ایران یک تهدید واقعی است و در صورت ضرورت به کار گرفته خواهد شد. اوپاما راه حل صلح آمیز در مورد سوریه را پذیرفته و گفته است که ترجیح می دهد بحران هسته ای ایران نیز از راه های دیپلماتیک حل شود (و از پیمای که از طریق سلطان قابوس به خامنه ای داده بر می آید که در دولت جدید ایران نشانه های امیدبخشی دیده است). در عین حال او تأکید کرده که گزینه نظامی را هیچ گاه به کنار نخواهد گذاشت.

اکنون او در برابر مردم و کنگره آمریکا استدلال می کند که برای این که تهدید او از سوی رژیم ایران جدی گرفته شود لازم است این تهدید را در مورد سوریه عملی کند - استدلالی که در فضای سیاسی کنگره آمریکا و تحت نفوذ لابی اسرائیل بُرد زیادی دارد.

ادامه مطلب همه چیز در ... از صفحه ۱۳

کدوی نارنجی رنگ، جاودگر سوار بر چارو و... جک فانوسی یا Jack-o-lantern: کدوهای نارنجی رنگی که به اشکال مختلف بریده میشوند و با شمعی در داخلشان، به عنوان فانوسهای شب هالووین در همه جا دیده میشوند، جک فانوسی نام داشته و پیشینه ای سلتی دارند. صندوق های کوچک یونیسف برای هالووین بنا بر این داستان، مردی به نام جک، محکوم شده بود تا پس از مرگ در دنیا سرگردان باشد. او فانوسی را که با کنده کاری بر روی ترب در دست داشت و به جک فانوسی معروف بود. هنوز هم در ایرلند و اسکاتلند این فانوسها از ترب ساخته میشوند اما مهاجرین ایرلندی، پس از رسیدن به آمریکا، کدو را برای این منظور مناسبتر و زیباتر دیدند و پس از مدتی، کدو

تنبلهای بزرگ و زیبا جای ترب را گرفت. جادوگرانی با جاروهای پرند و گربه سیاه؛ در قرون وسطا، ترس فراوانی از جادوگران وجود داشت. به خصوص که مردم اعتقاد داشتند جادوگران میتوانند با جاروهای پرند خود به همه جا بروند و با ارواح خبیث ملاقات کنند. عده ای هم گربه سیاه را جادوگری میدانستند که تغییر شکل داده یا حتا مرده ای است که به زندگی بازگشته است. در اعتقادات سلتی، باید به کسی که عطسه میکند بگویند: خدا حفظ کند! «God bless you». زیرا آنها اعتقاد دارند که هنگام عطسه، روح از بدن به بیرون پرتاب میشود و در شب هالووین، باید حتما مراقب بود تا اگر کسی عطسه کرد به او بگویند «خدا حفظ کند» تا مبادا شیطان روح آنها را تسخیر کند.

Laughter is the Best Medicine

Humor is infectious. The sound of roaring laughter is far more contagious than any cough, snuffle, or sneeze. When laughter is shared, it binds people together and increases happiness and intimacy.

Laughter also triggers healthy physical changes in the body. Humor and laughter strengthen your immune system, boost your energy, diminish pain, and protect you from the damaging effects of stress. Best of all, this priceless medicine is fun, free, and easy to use. Laughter is a powerful antidote to stress, pain, and conflict. Nothing works faster or more dependably to bring your mind and body back into balance than a good laugh. Humor lightens your burdens, inspires hopes, connects you to others, and keeps you grounded, focused, and alert. With so much power to heal and renew, the ability to laugh easily and frequently is a tremendous resource for surmounting problems, enhancing your relationships, and supporting both physical and emotional health. Laughter relaxes the whole body. A good, hearty laugh relieves physical tension and stress, leaving your muscles relaxed for up to 45 minutes after. Laughter boosts the immune system. Laughter decreases stress hormones and increases immune cells and infection-fighting antibodies, thus improving your resistance to disease. Laughter triggers the release of endorphins, the body's natural feel-good chemicals. Endorphins promote an overall sense of well-being and can even temporarily relieve pain. Laughter protects the heart. Laughter improves the function of blood vessels and increases blood flow, which can help protect you against a heart attack and other cardiovascular problems. Laughter makes you feel good. And the good feeling that you get when you laugh remains with you even after the laughter subsides. Humor helps you keep a positive, optimistic outlook through difficult situations, disappointments, and loss. More than just a respite from sadness and pain, laughter gives you the courage and strength to find new sources of meaning and hope. Even in the most difficult of times, a laugh—or even simply a smile—can go a long way toward making you feel better. And laughter really is contagious—just hearing laughter primes your brain and readies you to smile and join in the fun. Humor and playful communication strengthen our relationships by triggering positive feelings and fostering emotional connection. When we laugh with one another, a positive bond is

created. This bond acts as a strong buffer against stress, disagreements, and disappointment. Shared laughter is one of the most effective tools for keeping relationships fresh and exciting. All emotional sharing builds strong and lasting relationship bonds, but sharing laughter and play also adds joy, vitality, and resilience. And humor is a powerful and effective way to heal resentments, disagreements, and hurts. Laughter unites people during difficult times. Incorporating more humor and play into your daily interactions can improve the quality of your love relationships—as well as your connections with co-workers, family members, and friends. Using humor and laughter in relationships allows you to:

- ♦Be more spontaneous. Humor gets you out of your head and away from your troubles.
- ♦Let go of defensiveness. Laughter helps you forget judgments, criticisms, and doubts.
- ♦Release inhibitions. Your fear of holding back and holding on are set aside.
- ♦Express your true feelings. Deeply felt emotions are allowed to rise to the surface. Laughter is your birthright, a natural part of life that is innate and inborn. Infants begin smiling during the first weeks of life and laugh out loud within months of being born. Even if you did not grow up in a household where laughter was a common sound, you can learn to laugh at any stage of life. Begin by setting aside special times to seek out humor and laughter, as you might with working out, and build from there. Eventually, you'll want to incorporate humor and laughter into the fabric of your life, finding it naturally in everything you do.

Here are some ways to start:

Smile. Smiling is the beginning of laughter. Like laughter, it's contagious. Pioneers in "laugh therapy," find it's possible to laugh without even experiencing a funny event. The same holds for smiling. When you look at someone or see something even mildly pleasing, practice smiling.

Count your blessings. Literally make a

list. The simple act of considering the good things in your life will distance you from negative thoughts that are a barrier to humor and laughter. When you are in a state of sadness, you have further to travel to get to humor and laughter.

When you hear laughter, move toward it. Sometimes humor and laughter are private, a shared joke among a small group, but usually not. More often, people are very happy to share something funny because it gives them an opportunity to laugh again and feed off the humor you find in it. When you hear laughter, seek it out and ask, "What's funny?"

Spend time with fun, playful people. These are people who laugh easily—both at themselves and at life's absurdities—and who routinely find the humor in everyday events. Their playful point of view and



laughter are contagious.

Bring humor into conversations. Ask people, "What's the funniest thing that happened to you today? This week? In your life?"

One essential characteristic that helps us laugh is not taking ourselves too seriously. We've all known the classic tight-jawed sourpuss who takes everything with deadly seriousness and never laughs at anything. No fun there!

Some events are clearly sad and not occasions for laughter. But most events in life don't carry an overwhelming sense of either sadness or delight. They fall into the gray zone of ordinary life—giving you the choice to laugh or not.

Ways to help yourself see the lighter side of life:

Laugh at yourself. Share your embarrassing moments. The best way to take yourself less seriously is to talk about times when you took yourself too seriously.

Attempt to laugh at situations rather than bemoan them. Look for the humor

in a bad situation, and uncover the irony and absurdity of life. This will help improve your mood and the mood of those around you.

Surround yourself with reminders to lighten up. Keep a toy on your desk or in your car. Put up a funny poster in your office. Choose a computer screensaver that makes you laugh. Frame photos of you and your family or friends having fun.

Keep things in perspective. Many things in life are beyond your control—particularly the behavior of other people. While you might think taking the weight of the world on your shoulders is admirable, in the long run it's unrealistic, unproductive, unhealthy, and even egotistical.

Deal with your stress. Stress is a major impediment to humor and laughter.

Pay attention to children and emulate them. They are the experts on playing, taking life lightly, and laughing.

The ability to laugh, play, and have fun with others not only makes life more enjoyable but also helps you solve problems, connect with others, and be more creative. People who incorporate humor and play into their daily lives find that it renews them and all of their relationships.

Life brings challenges that can either get the best of you or become playthings for your imagination. When you "become the problem" and take yourself too seriously, it can be hard to think outside the box and find new solutions. But when you play with the problem, you can often transform it into an opportunity for creative learning. Playing with problems seems to come naturally to children. When they are confused or afraid, they make their problems into a game, giving them a sense of control and an opportunity to experiment with new solutions. Interacting with others in playful ways helps you retain this creative ability. As laughter, humor, and play become an integrated part of your life, your creativity will flourish and new discoveries for playing with friends, coworkers, acquaintances, and loved ones will occur to you daily. Humor takes you to a higher place where you can view the world from a more relaxed, positive, creative, joyful, and balanced perspective.



Depression affects memory by 'impairing ability to differentiate similarities'

Depression has long been known to affect memory, but it has been unclear how. Now, researchers say that one reason for this is that depression impairs the process of "pattern separation" - the ability to differentiate things that are similar.

Medicalnewstoday: Researchers from Brigham Young University define pattern separation as a mechanism for encoding memories, where distinct memory representations are cre-



ated for similar objects and events. But the team's findings, published in the journal Behavioural Brain Research, suggest that depression interferes with this process, and that the more depressed a person feels, the more difficult it is for them to distinguish between similar experiences they have had. For the study, the researchers conducted a computer-aided memory test on a group of participants who showed symptoms of depression, but who were not receiving medication. The test required the participants to view a series of objects on a computer screen. For each object, the participants were asked to respond to say whether:

❖ They had seen the object before on the test (old)

❖ They had seen something like it

(similar), or

❖ They not seen anything like it before (new).

Results of the study showed that participants with depression were fully able to distinguish old and new items. However, when they were shown objects that were similar to something they had seen previously, the most common answer the participants gave was that they had seen the object before. The study authors note that this impairment in pattern separation may present challenges for depressed individuals in everyday situations, from remembering where they parked the car, to recalling which friends and family members they have disclosed personal information to. "That's really the novel aspect of this study, that we are looking at a very specific aspect of memory. [People with depression] don't have amnesia, they are just missing the details," says Brock Kirwan, a psychology and neuroscience professor at Brigham Young University. Prof. Kirwan notes that the study also provides clues as to what is happening in the brain of those who suffer depression: "There are two areas in your brain where you grow new brain cells. One is the hippocampus, which is involved in memory. It turns out that this growth is decreased in cases of depression."

Colorado mom treated son's cancer with medical marijuana

Sierra Riddle turned to medical marijuana after chemotherapy made her 3-year-old son Landon violently ill. Since starting the controversial treatment in January, she says his cancer has gone into remission.

A Colorado Springs mom is catching heat from social services for treating her son's cancer with cannabis instead of chemotherapy. The thing is, she says, it seems to be working. Sierra Riddle learned a year ago that her son Landon, 3, had an aggressive form of leukemia. Doc-

a happy, healthy-looking little boy, running and playing as any three-year-old would. But doctors are concerned that stopping Landon's chemo treatments may put his life in danger. After a Colorado doctor threatened to report Riddle for refusing chemotherapy for Landon, a



tors in their hometown of Salt Lake City began the standard treatment of radiation and chemotherapy, which took a heavy toll on his little body. Landon became violently ill, vomiting multiple times a day, and suffered nerve damage in his legs, Riddle told CNN's Dr. Sanjay Gupta in July. At one point, the boy went 25 days without eating. "Around the clock, he's usually on liquid morphine, Ativan, Promethexane. And it just really didn't seem to be helping," Riddle said. Though she didn't know much about medical marijuana, Riddle decided to try it because "we didn't have anything else to lose." She and Landon moved to Colorado, where medical marijuana is legal, in order to obtain the drug. In January Landon began taking liquid forms of THC (tetrahydrocannabinol) and CBD (cannabidiol), two compounds found in cannabis. Miraculously, his cancer began to retreat. "As soon as we started taking the oil, his platelets have been a regular healthy person's level and they can't understand why," Riddle told CNN. Landon went off chemotherapy in early July, and continues to take his four liquid capsules of the cannabis compounds per day. Last week, local news reports showed Landon as

human services agent showed up on her doorstep last week, CBS Local Denver reported. Another sit-down with the doctor and child protective services was reportedly scheduled for Wednesday, October 2. Riddle told CBS she has not missed any of Landon's scheduled appointments, but refuses to put him back on chemo unless his situation turns dire again. "I just want to say, no matter what I am not going to give him chemo, but I'm not going to risk losing him either," she said. "I'm not going to push it that far." Riddle isn't the first parent on record to use medical marijuana to combat a child's cancer. Last year, a 7-year-old girl in Oregon was given the drug by her mother to ease leukemia symptoms. Others, such as the Echols family of Oregon, have attempted to treat their children's seizure disorders. Because of laws in most states, as well as a lack of precedent for treating children with cannabis, there is almost no guidance for parents who wish to do so. The CBD compound seems to have an ability to combat cancer in human cells and in mice according to lab experiments, researchers from California Pacific Medical Center Research Institute told CNN.

"Doing business without advertising is like winking at a person in the dark. You know what you are doing, but nobody else does."

Connect With Consumers

By placing your ad in Pezhvak of Persia, you're putting yourself in the right place, in front of the right people. Even better, you can be sure your ad will last the whole month because local people trust, use and rely upon

Pezhvak of Persia.

(408) 221-8624





IN THEATERS
October 2013

What's new,
What's now, What's hot



Gravity

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Intense perilous sequences, some disturbing images and brief strong language
Runtime: 1 hr. 31 min.
Genres: Drama, Sci-Fi/Fantasy
Director: Alfonso Cuarón
Cast: Sandra Bullock, George Clooney



Runner Runner

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Language and some sexual content
Runtime: 1 hr. 31 min.
Genres: Drama, Suspense/Thriller
Director: Brad Furman
Cast: Ben Affleck, Justin Timberlake



Grace Unplugged

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Brief Teen Drinking and Thematic Elements
Runtime: 1 hr. 42 min.
Genres: Drama
Cast: AJ Michalka, James Denton, Kevin Pollak, Shawnee Smith, Michael Welch



Bad Milo!

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Bloody comic horror violence, and for language and some sexual content
Runtime: 1 hr. 24 min.
Genres: Comedy, Horror
Director: Jacob Vaughan
Cast: Ken Marino



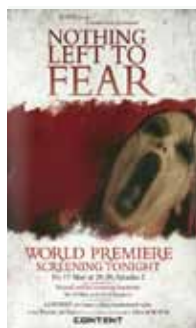
Parkland

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Smoking Throughout, Seq. of ER Trauma Procedures, Language and Some Violent Images
Runtime: 1 hr. 33 min.
Genres: Documentary Drama, 3D
Director: Peter Landesman
Cast: Zac Efron, Paul Giamatti, Billy Bob Thornton, Jacki Weaver, Jeremy Strong



Metallica Through the Never

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: Some Violent Content and Language
Runtime: 1 hr. 32 min.
Genres: IMAX, Music/Performing Arts
Director: Nimród Antal
Cast: Dane DeHaan, James Hetfield, Kirk Hammett, Lars Ulrich, Robert Trujillo



Nothing Left to Fear

Release Date: Oct 04, 2013
Rated: disturbing violent content and some language
Runtime: 1 hr. 40 min.
Genres: Horror, 3D
Cast: Anne Heche, James Tupper



Dracula 3D

Release Date: Oct 04, 2013
Rated:
Runtime: 1 hr. 49 min.
Genres: Action/Adventure, Horror, 3D
Director: Dario Argento

TOP 10 Box Office

1-Cloudy with a Chance of...	\$35.0M
2-Prisoners	\$11.2M
3-Rush	\$10.3M
4-Baggage Claim	\$ 9.3M
5-Don Jon	\$ 9.0M
6-Insidious: Chapter 2	\$ 6.7M
7-The Family	\$ 3.7M
8-Instructions Not Included...	\$ 3.3M
9-We're the Millers	\$ 2.8M
10-Lee Daniels' The Butler	\$ 2.4M



Michael Jackson Wrongful Death Trial Verdict: AEG Live Wins, Family Loses

Michael Jackson's family has lost its bid to hold AEG Live accountable for the singer's death 2009. A jury sided with the concert promoter.

The jury ruled AEG Live did hire Dr. Conrad Murray, which was key for the family, but the jury then ruled



of involuntary manslaughter in criminal court for going rogue and doing things that killed Jackson. Because he was competent at the onset, however, and because AEG's responsibility for his actions as well as Jackson's is limited, the family lost. The billion-dollar wrongful death lawsuit alleged that the company negligently hired Dr. Murray and pushed the King of Pop too hard prior to his «This Is It» tour. AEG claimed Jackson hand-picked Murray and what went on between the music legend and his personal physician was between the two of them and that's it.

of involuntary manslaughter in criminal court for going rogue and doing things that killed Jackson. Because he was competent at the onset, however, and because AEG's responsibility for his actions as well as Jackson's is limited, the family lost. The billion-dollar wrongful death lawsuit alleged that the company negligently hired Dr. Murray and pushed the King of Pop too hard prior to his «This Is It» tour. AEG claimed Jackson hand-picked Murray and what went on between the music legend and his personal physician was between the two of them and that's it.

The search, now 30 years old, for Iranian “moderates” goes on

Amid the enthusiasm of the latest sighting, it's worth remembering that the highlight of the Iran-contra arms-for-hostages debacle was the secret trip to Tehran taken by Robert McFarlane, President Reagan's former national security adviser. He brought a key-shaped cake symbolizing the new relations he was opening with the “moderates.” We know how that ended. Three decades later, the mirage reappears in the form of Hassan Rouhani. Strange résumé for a moderate:

Washington Post: 35 years of unswervingly loyal service to the Islamic Republic as a close aide to Ayatollahs Khomeini and Khamenei. Moreover, Rouhani was one of only six presidential candidates, another

want sanctions relief. And more than anything, they want to buy time. It takes about 250 kilograms of 20 percent enriched uranium to make a nuclear bomb. The International Atomic Energy Agency reported in August



that Iran already has 186 kilograms. That leaves the Iranians on the threshold of going nuclear. They are adding 3,000 new high-speed centrifuges. They need just a bit more talking, stalling, smiling

and stringing along of a gullible West. Rouhani is the man to do exactly that. As Iran's chief nuclear negotiator between 2003 and 2005, he boasted in a 2004 speech to the Supreme Cultural Revolution Council, “While we were talking with the Europeans in Tehran, we were installing equipment in parts of the [uranium conversion] facility in Isfahan. ... In fact, by creating a calm environment, we were able to complete the work in Isfahan.” Such is their contempt for us that they don't even hide their strategy: Spin the centrifuges while spinning the West. And when the president of the world's sole superpower asks for a photo-op handshake with the president of a regime that, in President Obama's own words, kills and kidnaps and terrorizes Americans, the killer-kidnapper does not even deign to accept the homage. Rouhani rebuffed him. Who can blame Rouhani? Offer a few pleasant words in an op-ed hailing a new era of non-zero-sum foreign relations, and watch the media and the administration immediately swoon with visions of detente. Detente is difficult with a regime whose favorite refrain, fed to frenzied mass rallies, is “Death to America.” Detente is difficult with a regime officially committed, as a

678 having been disqualified by the regime as ideologically unsound. That puts him in the 99th centile for fealty. Rouhani is Khamenei's agent but, with a smile and style, he's now hailed as the face of Iranian moderation. Why? Because Rouhani wants better relations with the West. Well, what leader would not want relief from Western sanctions that have sunk Iran's economy, devalued its currency and caused widespread hardship? The test of moderation is not what you want but what you're willing to give. After all, sanctions were not slapped on Iran for amusement. It was to enforce multiple U.N. Security Council resolutions demanding a halt to uranium enrichment. Yet in his lovey-dovey Post op-ed, his U.N. speech and various interviews, Rouhani gives not an inch on uranium enrichment. Indeed, he has repeatedly denied that Iran is pursuing nuclear weapons at all. Or ever has. Such a transparent falsehood — what country swimming in oil would sacrifice its economy just to produce nuclear electricity that advanced countries such as Germany are already abandoning? — is hardly the basis for a successful negotiation. But successful negotiation is not what the mullahs are seeking. They

U.S. shutdown hurts enforcement of Iran, Syria sanctions

The U.S. government shutdown is hindering enforcement of sanctions against Iran and Syria because of worker furloughs at the Treasury Department office responsible for handling the punitive measures, the White House said.

WASHINGTON (Reuters): Highlighting one of the damaging effects of the fiscal standoff to try to pressure Republicans to give ground, White House spokesman Jay Carney said the shutdown had reduced staffing at Treasury's Office of Foreign Assets Control to 11 employees from a normal contingent of 175. The comments came as the Obama administration's diplomatic engagement with new

caring about the shutdown's effects. Obama was to be briefed by top aides on Friday on the impact of the four-day-old shutdown, including how furloughs have hurt the Office of Foreign



Iranian President Hassan Rouhani has put a focus on U.S. sanctions, which are widely seen as having damaged Iran's economy enough to force Tehran back to the negotiating table. The White House has sought to cast blame on Republicans for bringing much of the government to a standstill by seeking to defund or delay President Barack Obama's healthcare program as a condition of allowing a vote on spending that would reopen the government. House of Representatives Republicans accuse Obama of intransigence and not matter of both national policy and religious duty, to the eradication of a U.N. member state, namely Israel. It doesn't get more zero-sum than that. But at least we have to talk, say the enthusiasts. As if we haven't been talking. For a decade. Strung along in negotiations of every manner — the EU3, the P5+1, then the final, very final, last-chance 2012 negotiations held in Istanbul, Baghdad and Moscow at which the Iranians refused to even consider the nuclear issue, declaring the dossier closed. Plus two more useless rounds this year. I'm for negotiations. But only if it's to do something real, not to run out the clock as Iran goes nuclear. The administration says it wants actions,

Assets Control. “The office is unable to sustain its core functions,” Carney told reporters at the daily White House briefing. “That is a negative consequence of this wholly unnecessary decision by the House Republicans to shut down the government.” The office's tasks include “issuing new sanctions designations against those enabling the governments of Iran and Syria, as well as terrorist organizations, WMD (weapons of mass destruction) proliferators, narcotics cartels, and transnational organized crime groups,” Carney said.

not words. Fine. Demand one simple proof of good faith: Honor the U.N. resolutions. Suspend uranium enrichment and we will talk. At least that stops the clock. Anything else amounts to being played. And about the Khamenei agent who charms but declares enrichment an inalienable right, who smiles but refuses to shake the president's hand. When asked by NBC News whether the Holocaust was a myth, Rouhani replied: “I'm not a historian. I'm a politician.” And, by the way, do you know who was one of the three Iranian “moderates” the cake-bearing McFarlane dealt with at that fateful arms-for-hostage meeting in Tehran 27 years ago? Hassan Rouhani. We never learn.



Iran Human Rights

organization on Rohani's remarks

Several international news agencies published a report on the latest statement by Iranian President Hassan Rouhani regarding the release of several political prisoners in Iran. Quoting Mr. Rouhani, the French news agency AFP reported his remarks as "We don't like to have anyone or see anyone in prison. We would like to have empty prisons". Remarks he made at a forum of the Asia Society and Council on Foreign Relations.

YahooNews: Welcoming the release of a number of political prisoners in Iran, IHR urges the international community to pay closer attention to the wave of executions in Iran. Since the Presidential election of June 14, 2013, at least 213 prisoners have been executed in Iran. 125 of these executions, among them a juvenile offender who had committed an alleged offence at the age of 14, were announced officially by state run media in Iran. At least four women are among those executed. In the same period less than 100 political prisoners have been given amnesty or released. Some of these prisoners had just few weeks left to serve on their sentences. Mahmood Amiry-Moghaddam, the spokesperson of IHR said: "We are very glad that these prisoners have been released, but we should keep in mind that most of the prison-

ers released in the past weeks had been sentenced to prison based on false allegations, were subjected to maltreatment and had sentences that were illegal according to international standards. We ask the international community and the media to pay closer attention to the wave of executions in Iran. We want the international community to ask Iranian authorities to stop executing and to say, 'Don't empty prisons by executing prisoners'. In addition to the death penalty, which is an inhumane punishment, there are several reports indicating many of those executed in Iran have been subjected to unfair trials, torture and forced confessions. Further, their executions are a clear violation of Iran's international obligations. We urge the international community to react in strong opposition to the wave of executions in Iran."



Iran, Iraq to sign military cooperation agreement

Iran and Iraq will sign a military cooperation agreement, Fars news agency reported.

The agreement is to be signed by Iranian IRGC commander of Navy forces Ali Fadavi and Iraqi

discussed increasing security issues in Persian Gulf, as well as naval cooperation between two countries. Also the Memorandum of Understanding on cooperation in the fields of scientific research, exchange of experiences, training, technical assistance, research and localization of equipment (both onshore and offshore in the Persian Gulf) will be signed between the countries as well.



naval forces commander Ali Hosseinali. The officials met and

Iran could develop nuclear weapons capability despite sanctions

Iran has foreign exchange reserves that cover less than three months of imports, a new report says, but warned that the regime could still "muddle through" long enough to develop a nuclear weapons capability by mid-2014.

As the US Congress debate further sanctions, the report found that Iran's banking system was under growing stress and would have little capacity to defend its currency if it came under renewed pressure. The state of Iran's finances helped explain the sudden insistence of Iran's new president Hassan Rouhani on a "quick", three-to-six month deal being brokered between Tehran and the international P5+1 grouping. Talks are due to

his team had expected to see when they first entered office," said Mark Dubowitz of the Foundation for Defence of Democracies a think-tank that has urged a tough line on Tehran. Iran now has about \$80bn in forex reserves, of which only about \$20bn is immediately accessible, according to estimates in



open in Geneva on October 15. "We think the reaction of Rouhani this past week and his desire for a short-term deal can be partly explained by the fact that Iran's finances are much worse than he and

the report that was co-authored with Roubini Global Economics, an international consultancy. Under the terms of sanctions, Iran has been able to sell oil to some countries, such as China, Japan and India, but can only spend the proceeds, estimated at around \$50bn, on humanitarian and non-sanctioned goods.

'Horrorific' Revolutionary Guard Death

Mystery surrounds the death of a member of Iran's powerful military force.

YahooNews: Iran's Revolutionary Guard says it is investigating a "horrorific incident" that led to the death of a member of the

earlier this week that a senior Guard official had been assassinated west of Tehran. Other reports identified the victim



as Mojtaba Ahmadi, a member of the Guard's cyber warfare unit. The reports brought references to other targeted killings in recent years, including those Iran blames on Israel. The Guard says the reason for the death is still unclear. But the headline on its website on Tuesday described the statement as a "denial" of the assassination claims.

force but denies reports that it was an assassination. A statement on the Guard's website says a probe is under way. Iran's news website Alborz reported

کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،

به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،

یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



بوفه کامل ۸,۹۹ دلار

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasseri62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112